

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه هارا
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



سال سی و یکم / شماره ۱۲
شماره مسلسل ۱۳۸۸
نیمه اول مهر ماه ۱۳۸۹

۱۵۰ تومان

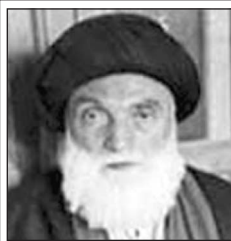


**گفتگویی با استاد خسروشاهی به
مناسبت سومین سالگرد درگذشت
آیت الله علامه سیدمرتضی عسکری**

صفحه ۲

**گفتگویی خواندنی با شیخ ماهر
حمود، امام جمعه اهل سنت صیدا**

صفحه ۸



**رئیس مؤسسه
آیت الله بروجردی:
تقریب مذاهب مورد
اهتمام آیت الله العظمی
بروجردی بود**

صفحه ۷



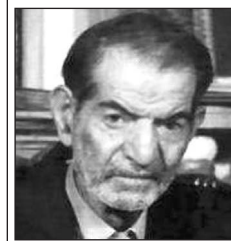
**آیت الله مقتدایی:
صدا و سیما
انتظارات حوزه را
پاسخ نداده است**

صفحه ۲۰



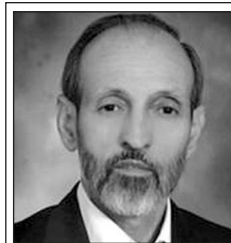
**تعطیلات، افزایش
یا ضرورت کاهش؟!
حجت الاسلام والمسلمین
دکتر احمدی**

صفحه ۱۵



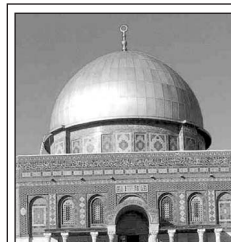
**بیانات رهبر انقلاب در دیدار
اعضای کنگره شهریار:
شهریار شاعر
اسلامی و انقلابی**

صفحه ۲۰



**تلویزیون
بی بی سی و
ماجرای ۲۸ مرداد
دکتر محمود کاشانی**

صفحه ۱۴



**استمرار تجاوزات
صهیونیست ها
علیه قدس و
مسجد الاقصی**

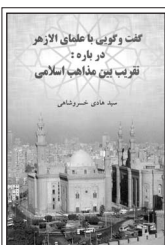
صفحه ۱۰

آشنایی با مجموعه ای از کتب انتشارات مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی



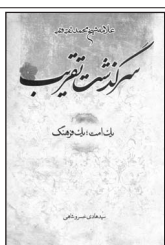
**عبدالله بن سبا بین
الواقع والخیال
(دراسة تاریخیة
تحلیلیة علی ضوء آراء
العلما والباحثین)
تألیف: سید هادی
خسروشاهی**

**قصة التقريب امة
الواحدة، ثقافة واحدة:
العلامة المصلح الشيخ
محمد تقی القمی
اعداد و التقديم و
ملاحق: سید هادی
خسروشاهی**



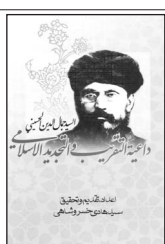
**گفتگویی با علمای
الاهر در باره:
تقریب بین
مذاهب اسلامی
به کوشش: سید هادی
خسروشاهی**

**سرگذشت
تقریب یک امت
یک فرهنگ
علامه شیخ
محمد تقی قمی
مقدمه و ملحقات: سید
هادی خسروشاهی**



**العقاید العزضية و
الشراحه
الدكتور محمد ابراهيم
الفيومي (استاذ جامعة
الاهر الشريف)
اعداد و تقديم: سید
هادی خسروشاهی**

**داعية التقريب و
التجديد الاسلامیة
السید جمال الدین
الحسینی
اعداد و تقديم
و تحقیق: سید هادی
خسروشاهی**



بازخوانی کارنامه فرقان در شماره جدید «یادآور»

شماره های ۶، ۷ و ۸ کتاب ماه فرهنگی
تاریخی یادآور ویژه بازکاوی اندیشه و عمل
گروه فرقان به صاحب امتیازی: مؤسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران و مدیرمسئولی
محمدحسین طارمی منتشر شد.
در این شماره یادآور مجموعه مطالب و
گفتگوهای ارزشمندی با موضوع بررسی
اندیشه ها و عملکرد گروه فرقان که در سال های
آغازین انقلاب مرتکب ترورهایی از جمله ترور
آیت الله استاد مطهری شدند، به چاپ رسیده است، در این
مجموعه که حاصل کار تحقیقی سترگ پژوهشگران است
تصویری کاملاً روشن و شفاف از کارنامه فرقان و
فرقان گونگی در تاریخ انقلاب فراوری مخاطب قرار می گیرد.
عناوین برخی از مطالب این شماره به شرح زیر است:
روایت امام خمینی (ره) از اندیشه، انگیزه و آثار
ترورهای فرقانیان (از رفتار این قشر فاسد، اسلام تأیید
شد) / پیشروترین روشنفکران ما، اولین شهدای انقلاب
بودند (روایت رهبر معظم انقلاب از مکان علمی و
عملی برخی از ترورشدگان فرقان) / زمینه های پیدایش
فرقان و فرقان گونه گان در گفت و گو به آیت الله
محمدتقی مصباح یزدی / گفت و گوهایی با دکتر
غلامعلی حدادعادل، آیت الله محمدعلی گرامی قمی،
حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری /
حجت الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادیخواه /
آیت الله سیدرضی شیرازی / ناگفته هایی از پیشینه و
شخصیت رهبر گروه فرقان در گفت و گو با حجت
الاسلام والمسلمین سیدجعفر شبیری زنجانی / تأملاتی
در اندیشه و عمل فرقه فرقان در گفتگوی یادآور با



در پایان شماره جدید «یادآور» یادنامه آیت الله
العظمی سیدصدرالدین صدر نیز به چاپ رسیده است.
یادآور به سردبیری موسی حقانی، شمارگان
۱۰/۰۰۰ نسخه و به بهای ۷۰۰۰ تومان منتشر شده است.

برای تهیه این مجموعه می توانید در قم به: (۱) ابتدای خیابان صفائیه، کلبه شروق، تلفن:
۷۷۳۶۴۲۴ و در تهران به نشانی: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، کتابفروشی
روزنامه اطلاعات تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴ مراجعه فرمائید

به مناسبت سومین سالگرد درگذشت آیت الله علامه سیدمرتضی عسکری

مروج مکتب اهل بیت

گفتگو با استاد: سیدهادی خسروشاهی



وفادار ماندم.

کتابها و رساله‌های فکری- فرهنگی که علامه عسکری به آنها اشاره کردند، محصول حوزه علمیه نجف تألیف چه کسانی از علمای نجف اشرف بود؟

در آن دوران فضایی درجه اول حوزه علمیه نجف اشرف، علاوه بر انتشار مجله «الاضواء» و مجله «النجف»، نشریات دوره‌ای و رساله‌های فکری کم حجمی تألیف و چاپ می‌کردند که در سطح وسیعی در عراق منتشر می‌گردید.

در طلیعه این اندیشمندان فاضل و جوان، شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر و سپس آیت الله علامه سیدمحمدحسین فضل الله و بعد خود علامه عسکری و در مرحله دوم افاضلی چون شهید آیت الله سیدمحمدباقر حکیم، آیت الله عبدالهادی الفضلی، آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی و امثالهم قرار داشتند و آثار آنها در روشنگری اذهان نسل جوان مسلمان نقش تأثیرگذاری داشت. و البته در طلیعه این آثار، کتابهای ارزشمند «فلسفتنا»، «اقتصادنا»، «مجمعنا» و «رسالتنا» قرار داشت که جملگی از تألیفات شهیدصدر است و پس از ایشان، کتابها و رساله‌های علامه فضل الله مورد توجه بود که بعضی از آنها عبارت بودند از: «قضایانا علی ضوء الاسلام»، «أسلوب الدعوة فی القرآن»، «خطوات علی طریق الاسلام» و «کلمتنا». البته باید اشاره کنم که «رسالتنا» سرمقاله‌های شهید صدر در سال اول مجله الاضواء بود و «کلمتنا»... سرمقاله‌های علامه فضل الله در سال دوم آن مجله.

در مورد تأسیس حزب الدعوة الاسلامیه و نقش علامه عسکری، بیان توضیحی بی‌مناسبت نیست.

درباره تأسیس حزب الدعوة الاسلامیه و ارکان اصلی و اهداف نهایی آن، کتاب‌هایی را شخصیت‌های وابسته و یا آشنا با مسائل آن، تألیف و منتشر کرده‌اند که مراجعه به آنها برای شناخت کامل تاریخ و عملکرد و اندیشه حزب الدعوة و رهبری آن ضروری است؛ از جمله: حزب الدعوة الاسلامیه: فصول من تجربه الحركة الاسلامیه فی العراق خلال ۴۰ عاماً است که توسط استاد صالح الخرسان تألیف شده و در سوریه به چاپ رسیده است.

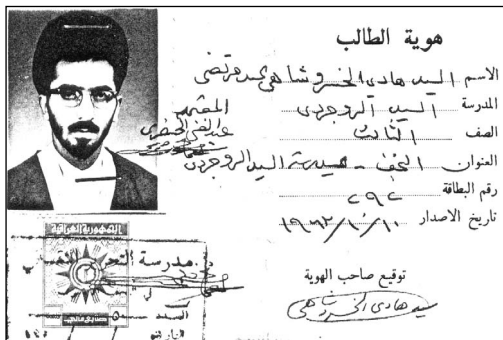
علاوه بر آن، کتابهای بسیاری که درباره زندگی و مبارزه شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر تألیف و منتشر شده است، فصول مبسوطی درباره چگونگی تأسیس حزب الدعوة آورده‌اند که مطالعه آنها، ما را از توضیح بی‌نیاز خواهد ساخت. اما در مورد نقش علامه عسکری در این رابطه، بی‌مناسبت نیست که از قول خود استاد علامه عسکری نقل کنیم:

«... زمانی در عراق حزب گرایی به اوج خود رسیده بود؛ یعنی بعد از کودتای عبد الکریم قاسم در تموز ۱۹۵۸م. از آنجا که او حزبی در اختیار نداشت، کوشید که بر احزاب چپ عراقی تکیه کند؛ بدین ترتیب احزاب کمونیستی عراق در سطح جامعه به شدت مطرح شد و کمتر جوانی پیدا می‌شد که در حزبی نبوده باشد؛ این مسأله

اشاره: علامه سید مرتضی عسکری در سال ۱۲۹۳ش در سامراء در خاندان علم و دانش متولد شد. مقدمات و بخش‌هایی از سطوح را در همان شهر تحصیل کرد و در سال ۱۳۱۰ش به حوزه علمیه قم مشرف شد. در سن قریب ۲۰ سالگی اولین حرکت اجتماعی خود را با تأسیس مدرسه‌ای کوچک در سامرا شروع کرد و بعدها این کار را در کاظمین ادامه داد. این مدارس بعدها به شهرهای بصره، دیوانیه، حله، کاظمین و نعمانیه گسترش یافت و در مقاطع مختلف مهدکودک، دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه و مراکزی برای تعلیم و تربیت بزرگسالان گسترش یافت. در سال ۱۳۸۴ق اقدام به تأسیس یک دانشگاه با دو دانشکده علوم اسلامی و ادبیات عربی کرد و به مبارزات سیاسی گسترده‌ای دست زد و تنها هنگامی که با خطر اعدام روبرو شد، از عراق مهاجرت کردند. عمده اشتها علامه به سبب کارهای نو و ایجاد روشهای تازه در تحقیقات اسلامی و تبیین تشیع و دفاع از آن بود. اولین نمونه از این گونه تحقیقات به نام «عبدالله بن سبا و اساطیر آخری» نشر یافت که در جهان اسلام آوازه یافت و تأثیرگذار شد. بعد از آن کتابهای دیگری که به زبانهای انگلیسی، فارسی، ترکی و اردو و بخشی از آنها به زبانهای ایتالیایی، روسی و... ترجمه و نشر شده‌اند. علامه پس از ورود به ایران آمد، به ادامه راهی که در عراق آغاز کرده بود، پرداخت و تبلیغ، ترویج، تحقیق و خدمت به محرومان و اقامه جماعت و تأسیس مراکز علمی همچون دانشکده علوم اسلامی را و جبهه همت خویش قرار داد. در سومین همایش «چهره‌های ماندگار» علامه عسکری به عنوان یکی از نخبگان فرهیخته و برجسته علمی - فرهنگی معرفی شد. به مناسبت سومین سالگرد درگذشت ایشان، گفتگویی با استاد خسروشاهی صورت گرفته که در زیر می‌آید.

عراق نیز سازماندهی مخفی نیرومندی دارد.

من گفتم: سازماندهی سیاسی یا تشکیل حزب یکی از آرزوهای نسل جوان حوزه علمیه قم است؛ ولی متأسفانه مسئولان اصلی و رسمی حوزه، به‌ویژه مراجع عظام - برخلاف نجف - حسن ظنی به تشکل حزب در حوزه ندارند و بلکه بی‌تردید با آن مخالفت خواهند کرد؛ یعنی شرایط ما در



کارت هویت دانشجویی از مدرسه التحریر الثقافی نجف اشرف

حوزه‌های علمیه با شرایط شما در حوزه‌های عراق، به‌ویژه نجف اشرف و پشتیبانی همه‌جانبه مرجعیت - آیت الله حکیم - فرق دارد. از سوی دیگر ما با شعار که نمی‌توانیم در مقابل ایدئولوژی جوان فریب مارکسیسم مقابله کنیم و متأسفانه حوزه‌ها همچنان غرق در مباحث متون قدیم هستند و توجهی به نیازهای فکری - فرهنگی نسل جوان ندارند و همین امر هم باعث شده که چند نفر انگشت شمار از طلاب حوزه قم و مشهد به ترجمه بعضی از آثار نویسندگان مصری و پاکستانی مانند سیدقطب، محمد غزالی، محمد قطب، ابوالاعلی مودودی و غیرهم بپردازند تا بلکه بتوانند گوشه‌ای از خلأ فکری موجود را پر کنند. مرحوم علامه عسکری گفت: ما این مشکل ایدئولوژی را هم به یاری خدا حل کرده‌ایم. کتاب‌های جدید فضایی حوزه نجف در زمینه‌های فلسفه و اقتصاد و مجتمع اسلامی، می‌تواند راهگشا باشد و شما می‌توانید این کتاب‌ها را ترجمه و منتشر کنید که زمینه‌ساز بسیار مساعدی برای گام‌های بعدی می‌تواند باشد.

علاوه بر علامه عسکری، برادر عالیقدر آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی هم که در آن دوران از اعضای فعال حزب الدعوة بود، روزی در نجف اشرف، همان پیشنهاد علامه عسکری را در مورد لزوم تشکل و سازماندهی حزبی در ایران، به نحو دیگری مطرح ساخت و ضرورت آن را برای آینده ایران یادآور شد که پاسخ من با توجه به جو حاکم بر حوزه علمیه قم در آن زمان، همان بود که به علامه عسکری گفته بودم و البته ایشان تأکید داشت و در واقع مرا ملزم شرعی نمود که در این باره به‌طور مثبت و یا منفی، با کس دیگری در ایران صحبت نکنم و بنده هم تا به امروز به عهد خود

یادتان هست در این دیدار چه گفتگویی بین شما و ایشان به عمل آمد؟

وقتی علامه عسکری متوجه شدند که حقیر از طلاب مبارز حوزه علمیه قم هستم، با ترحیب بسیار از حضور بنده در عراق استقبال کردند و ضمن خوشامدگویی، پیشنهاد کردند که در حوزه نجف بمانم و یا در کلیه اصول‌الدین در بغداد حضور داشته باشم؛ اما من که قصد اقامت دائم نداشتم، ضمن تشکر از محبت ایشان، اعلام کردم که در صورت تغییر شرایط دوستان زندانی در ایران، به حوزه قم برمی‌گردم. آنگاه ایشان شرح مبسوطی در ضرورت ایجاد تشکیلاتی سیاسی فراگیر و یا یک حزب تکامل یافته اسلامی بیان داشتند و توضیح دادند که بدون حزب، کادرسازی مقدور و عملی نیست و بدون کادرهای آگاه و فعال و آشنا به امور جامعه، اداره کشور، حتی اگر در اختیار ما قرار گیرد، امکان‌پذیر نخواهد بود، و بلکه پس از مدتی به علت شکست در

اصلاح اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مردم، شکست اسلامگرایان عملی خواهد شد.

آنگاه پس از اخذ تضمین شرعی، در عدم کشف رازی که می‌خواهد مطرح کند، افزود: ما در عراق حزبی تشکیل داده‌ایم که مؤسسان آن چند نفر از علمای نجف و این جانب هستیم و این سازمان به سرعت به یاری حق پیش می‌رود و ما امیدواریم که در مقابل گسترش نفوذ شیوعی‌ها و بعثی‌ها و قومی‌ها، بتوانیم سپری نیرومند بسازیم و نسل جوان عراقی را اعم از شیعه و سنی، کرد و ترکمان و... به این سازمان وارد کنیم و بتوانیم به یاری خدا، اداره کشور را پس از سقوط کودتاچیان که همه امور را در اختیار حزب کمونیست عراق قرار داده‌اند، به‌عهده بگیریم. البته بعثی‌ها هم در ارتش نفوذ دارند؛ ولی در میان مردم عراق محترم نیستند...

و آنگاه درباره برنامه و هدف نهایی حزب، بیاناتی افزود و سرانجام، با تجدید شرط شرعی «حفظ راز» از من خواست که پس از مراجعت به ایران، نخست در حوزه علمیه قم، گروهی را گرد آوریم و هسته مرکزی حزب اسلامی را - که لزومی ندارد همنام حزب عراق باشد - تشکیل دهیم و بعد به سازماندهی آن توسط علمای بلاد ایران، در سراسر کشور گسترش دهیم؛ چون پس از سقوط طاغوت در ایران، ملی‌گراها نمی‌توانند دوام بیاورند و به‌طور طبیعی حزب توده که تشکیلات سراسری در ایران دارد و از طرف همسایه شمالی شما هم همه‌جانبه پشتیبانی می‌شود، و حتی در صورت لزوم با دخالت نظامی، مانند ماجرای فرقه دمکرات در آذربایجان شما، بر قدرت دست می‌یابد و این امر نه تنها برای ایران، بلکه بر امنیت کل منطقه خطرناک است؛ به‌ویژه که حزب شیوعی

اگر موافق باشید، گفتگو را با سابقه آشنایی جنابعالی با مرحوم علامه سید مرتضی عسکری آغاز کنیم.

حدود چهل سال قبل، پس از اوج‌گیری مبارزات مردم مسلمان ایران علیه رژیم شاه به رهبری روحانیت و علما، حوزه‌ها که در طلیعه امام خمینی قدس سره قرار داشت و پرچمدار واقعی مبارزه بود، طلاب حوزه علمیه قم، در غیاب امام که مدت‌ها پیش از ایران به ترکیه تبعید شده بودند، با انتشار بیانیه‌ها و اقدامات منفی علیه رژیم، به مبارزه خود ادامه دادند و از جمله به چاپ و پخش دو نشریه مخفی به نام‌های: «بعثت» و «انتقام» اقدام نمودند که پس از ماه‌ها، با دستگیری و زندانی شدن یکی دو نفر از مسئولان آنها، از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام والمسلمین مرحوم علی حجتی کرمانی و هجرت اضطراری برادر عزیز سیدمحمد محمود دعائی به نجف اشرف، نوبت به این جانب رسید که مجبور شدم شبانه عازم خرمشهر و سپس آبادان بشوم و با یاری مرحوم آیت الله قائمی که مدیر و مسئول حوزه علمیه آبادان بود و مدرسه‌اش پناهگاه فضلاء و طلاب، قاچاقی به بصره و نجف اشرف بروم.

در نجف اشرف، در مدرسه آیت الله بروجردی که اغلب طلاب ایرانی در آن سکونت داشتند، میهمان ناخوانده آیت الله شیخ عباسعلی عمید زنجانی شدم و چند ماهی که در نجف اشرف بودم، مزاحم ایشان بودم. دیدار با آیات و مراجع عظام و علمای برجسته حوزه نجف یک فرصت تاریخی و توفیق جبری بود! از جمله شهید آیت الله سیدمحمد باقر صدر، علامه بزرگوار مرحوم آیت الله سیدمحمدحسین فضل الله، آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی و غیرهم. نقل خاطرات آن دوران، نیازمند فرصت دیگری است؛ ولی اشاره به یکی از این دیدارها و آثار آن، به مناسبت بزرگداشت یاد و خاطره علامه آیت الله سیدمرتضی عسکری رحمت الله علیه بی‌مناسبت نخواهد بود.

پس از مدتی اقامت در نجف اشرف، برای زیارت کربلا، کاظمین، سامراء، عازم این شهرها شدم. شهید آیت الله صدر توصیه کردند که در بغداد - کاظمین - به دیدار علامه عسکری که کلیه اصول‌الدین را تأسیس نموده و اداره می‌کرد، بروم. آیت الله آصفی حفظه الله هم علاوه بر اینکه چون گذرنامه یا مجوز حضور در عراق نداشتم، یک «بطاقه هویت» - کارت شناسایی از «مدرسه التحریر الثقافی» برای من تهیه کردند که از طلاب آن هستم! نامه‌ای هم خطاب به علامه عسکری، به عنوان معرفی نوشتند که همراه خود بردم و در کلیه اصول‌الدین به دیدار علامه عسکری رفتم. این نخستین دیدار و آغاز آشنایی من با علامه عسکری بود.

اسلام دارد، یکی از نویسندگان
وله الحمد
به الله تعالى، لم اضيه

جامعیت حضرت امام رحمه الله سراغ ندارم، ایشان علاوه بر آن تبحر عمومی فقها، محدث موفقی هم بود و چنین جامعیتی در فهم از حدیث تأثیر می گذارد. "چهل حدیث ایشان و یا شرح حدیث جنود عقل و جهل" و یا "شرح دعای سحر" ایشان را نگاه کنید تمامی اینها، آینه مهارت او در فهم حدیث اند. امام در رجال و نقد رجال هم خیلی دقیق است، مثلاً احمد بن محمد السبیری صاحب کتاب القرائات را که ایرانی و کاتب آل طاهر بود، در نهایت ضعف معرفی می کند. (کتاب البیع، ج ۳، صفحه ۱۸)، و کتب روایی حاجی نوری را غالباً فاقد اعتبار می داند و درباره کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب حاجی نوری می فرماید: "والعجب من معاصریه کیف ذهلوا وغفلوا حتی وقع ما وقع مما بکت علیه السماوات وکادت تدکدک علی الارض (انوار الهدایه، ج ۱، صفحه ۲۴۴)؛ تعجب از هم عصران حاجی نوری است که چگونه فراموش کردند و غافل شدند (از روایاتی که حاجی نوری در آن کتاب آورده بود) تا اینکه واقع شد آنچه اتفاق افتاد که آسمان ها بر آن واقعه

گریستند و نزدیک بود که آسمان به زمین بیفتد. و «فقهای ما غالباً تکلیفی بیشتر از بحث‌ها و آثار فقهی برای خودشان قائل نبودند؛ اما امام‌رحمه‌الله وقتی دید حکمی زاده در تعالیم پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین تردید انداخت، کشف الاسرار تألیف کرد که در روزگار خودش حرف آخر بود و جامع‌ترین پاسخ بود. همین وظیفه‌شناسی بود که انقلاب را به ثمر رساند... آن همه آرامش روحی، آن همه قوت و قدرت در مقابله با طاغوت، آن استقامت در برابر مشکلات و مصائب، محصول تهذیب عمیق و جدیت در کسب علم و معرفت بود. این مسأله را من از همان روزهای آغازین نهضت امام درک کردم و لذا هیچ گاه نه در انقلاب و نه در فتنه‌های بعدش و نه در جنگ، در درستی نیت ایشان و سلامت نفسشان تردید نکردم. (فصلنامه «علوم حدیث»، صفحه ۱۰۳، شماره ۲۰، چاپ قم، سال ۱۳۸۰، گفتگو با علامه عسکری) بدین ترتیب هر گونه شایعه‌ای درباره عدم هماهنگی علامه عسکری با نهضت و انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی قدس سره، جز غرض ورزی و نشر اکاذیب، چیز دیگری نیست. آل سعود و وسائل ارتباط جمعی آن دشمنی سختی با علامه عسکری دارند و حتی ایشان را همکار دشمنان اسلام می‌نامند؛ انگیزه این کار چیست؟

انگیزه این نوع سم پاشی ها و سیاه نمایی های آل سعود و علمای وهابی، خیلی روشن است. پس از چاپ و نشر کتاب های علامه عسکری در بلاد عربی - عراق، لبنان، سوریه، مصر و غیره - بنیاد عقیدتی آنان لرزید و آنگاه هجمه و اتهام آغاز گردید. یک نویسنده آل سعود در مجله الریاض "چاپ عربستان سعودی - مورخ ۴ ربیع الاول ۱۴۱۸ ق - نوشت: انتشار کتاب عبدالله بن سبا در واقع ریشه کن نمودن موارث علمی و مذهبی باقی مانده از شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن حجر است. این استوانه (!) اگر فرو بریزد، ما با زلزله سهمگینی روبرو خواهیم بود! یک استاد سعودی دیگر در مقاله ای در روزنامه "المسلمون" مورخ ربیع الثانی ۱۴۱۸ ق که به هزینه آل سعود از سوی "الشرق الاوسط" چاپ لندن، منتشر می گردید، می نویسد: افسانه نامیدن عبدالله بن سبا و اثبات آن، در واقع برای تخریب عقاید ما و بی اعتبار ساختن کتابهایی است که مورد اعتماد و وثوق بوده اند. کتاب منهاج السنه شیخ الاسلام ابن تیمیه، با تشکیک در وجود عبدالله بن سبا، فاقد اعتبار خواهد شد!

در واقع انتشار کتابهای عبدالله بن سبا، احادیث عایشه ام‌المومنین، خمسون و مأه صحابی مختلق، و الاسطوره السبائیه، بنیاد فکری وهابیگری را متزلزل ساخت و آثار شیخ الاسلام ابن تیمیه را که مستند بر صحابی‌های مجعول و غیرموجود بود، از اعتبار علمی ساقط کرد. این بود که آل سعود و رسانه‌های جمعی آنها به علامه عسکری حمله آوردند و حتی با چاپ عکسی از ایشان در دیدار با خاخام‌های ضدصهیونیست آمریکایی که برای شرکت در کنفرانس فلسطین به ایران آمده بودند - و همه ما هم با آنها ملاقات داشتیم - علامه عسکری را در سایت‌های خود، همکار صهیونیسم نامیدند! بنابراین انگیزه حمله و اتهام‌زنی وهابی‌ها در واقع برای دفاع نامشروع از عقاید سلفی وهابیگری است که متأسفانه با هزینه‌های میلیاردی در بلاد عربی - اسلامی به تقویت آن می‌پردازند.

مرحوم علامه عسکری در شمار نویسندگان
پر تألیف بودند. آثار ایشان چه تعداد و بیشتر در
چه زمینه‌هایی است؟

آثار علامه عسکری بر دو نوع است: بخشی که زیر نظر ایشان و از سوی 'مجمع علمی اسلامی' که در سال ۱۳۹۸ هـ. ق تأسیس نموده بودند، منتشر شده‌اند که بالغ بر چند ده کتاب و رساله است و بخش دیگر تألیفات خاص ایشان است که بالغ بر پنجاه جلد می‌باشد. مهمترین آثار ایشان در زمینه



حَضْرَةُ الْعَلَامَةِ الْمُحَقِّقِ النَّسِيدِ مَرْضَى الْعَسْكَرِيِّ رَحِمَهُ
السَّلَامُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَرَبُّكَاهُ .

[illegible]

أَجْمَعُونَ أَنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَيَعْلَىٰ أَنْ يَحْكُمَ هَذِهِ الْكَلِمَةُ فِي مَدِينَةِ
قَوْمِ الْقَدَسَةِ وَقَدْ وُعِدَ فِي سَائِرِ الْأَمَاكِنِ الْآخِرَىٰ امْتِدَادَ الْجُهْدِ وَكُمُ
الْعَالِيَةِ الْخُلَاصَةِ لِلذَّوْبَةِ فِي شَرْحِهَا فِي إِنْ تَلَامَ بِرُوحٍ عَلَيْهِ
رَبِّهِ يَبِيدُ عَنِ النُّعْصَبِ وَالسُّطْحَةِ وَيَجُوزُ مِنْ لُغَاةِ الْمُؤَنَدِ
أَنْ يَمْدُكَ فَمَا ذَا الشُّرُوعِ النَّافِعِ .

سَدَّ اللَّهُ خُطَاكُمْ لِكَيْلَا تَعْلَمُوا سَلَامَ عَلَيْكُمْ
 حرس صلح ۲۸۲۰
 ۱۴۱۵ هـ

▲ نامه آیت الله خامنه ای در لزوم افتتاح کلیه اصول الدین در ایران

سند و برهان و برتری یک مکتب - مکتب اهل
البيت عليهم السلام - ايضاً از ارزش والايی
برخوردار است ...

با توجه به آشنایی و روابط شما با علامه
عسکری و مرحوم دکتر علی شریعتی، ماجرای
تکفیر دکتر از سوی علامه عسکری و حمله به
امام موسی صدر چه بود؟

علامه عسکری در نامه‌ای خطاب به مرحوم علامه شیخ محمد مهدی شمس الدین، از برگزاری مراسم بزرگداشت و تشییع دکتر علی شریعتی در سوریه به کمک و یاری امام موسی صدر، رنجیده خاطر شد و در نامه کوتاهی که به عنوان اعتراض به ایشان فرستاد، دکتر شریعتی را الکافر بخاتمیه النبی^ص خطاب کرده که این تعبیر البته تند و غیر منطقی است؛ ولی به معنی تکفیر نیست. اصولاً منکر یک حقیقت را کافر به آن می‌نامند... و در این مورد من تعبیر علامه عسکری را نمی‌پسندم و با ایشان هم حضوراً در این زمینه صحبت و بحث کردم و کمی بخش‌هایی از آثار دکتر شریعتی را که در اثبات خاتمیت رسول اکرم(ص) و ابدی بودن رسالت آن حضرت بود، به ایشان دادم؛ چون صدور آن نامه تحت تأثیر او راق و جزواتی بود که در آن ایام معاندان علیه دکتر شریعتی منتشر ساخته بودند و هر خواننده‌ای را به شک و شبهه وامی‌داشت، در حالی که تنظیم آن جزوه‌ها، در واقع «مونتاز» بخش‌هایی از سخنان مبهم و یا نارسای دکتر شریعتی در این زمینه‌ها بود... به هر حال من چون در این زمینه، در گفتگوی دیگری به تفصیل سخن گفته‌ام، آن را در اینجا تکرار نمی‌کنم. (علاقه‌مندان به آن گفت و گو، منتشره در شماره ۵۹ مجله پنجره مراجعه نمایند).

آیا خاطره خاصی از دیدار با ایشان در بغداد ندارید؟

من در بغداد، منطقه کراهِه شرقی که محله شیعه نشین و مرکز کلیه اصول‌الدین بود، چندین بار خدمت ایشان رفتم. یک بار گفتند: آیا مایل هستید که تشکیلات و مرکز حکام واقعی عراق را ببینید؟ من فکر کردم مرادشان بازدید از کاخ‌های سلطنتی شاه عراق است که سقوط کرده بود و در اختیار کودتاچیان قرار داشت! گفتم: بازدید از کاخ‌های سلطنتی ظاهراً برای ما خیلی جذاب نباشد! علامه عسکری خندید و گفت: نه، مرادم کاخ‌ها نبود، مرکز اصلی کسانی را می‌گویم که در پشت پرده حاکمان واقعی عراق آنها بودند؟ مرکز ماسون‌ها در بغداد! تازه متوجه شدم که مرادشان مرکز "فراوشخانه" بغداد است که اغلب اشیاءالرجال حاکم بر عراق - مانند همقطاران خود در ایران - عضو آن مرکز بودند.

در بلاد عربی، فراماسون‌ها می‌گویند. اعلام آمادگی کردم و ایشان را همراهم فرستادند تا به بازدید از ای تقریباً دو ساعتی از آن مرکز، و شعارها و مدال‌ها و اسامی سرکرد مهمشان که در یک تابلو، با خط طلای منقوش بود، بازدید کردیم و آنان سوگند وفاداری یاد کردن آنها، و باید آن را به هنگام ادای سوگند بر می‌یستند و اطاعت کورکورانه خود

او امر و رهنمودهای "استاد اعظم" اعلام می نمودند، بسیار دیدنی بود.

در گوشه‌ای هم شمشیر یا نیزه تیزی آویزان بود که در زیرش نوشته بودند: کسانی که به سوگند خود وفادار نمانند، با این وسایل به جزای خیانت خود خواهند رسید! به هر حال این بازدید از فراموشخانه بغداد و اطلاع از چگونگی طقوس و مراسم و علائم و نشانه‌ها و شرایط ماسون شدن، خاطره ویژه‌ای بود که هنوز پس از تقریباً نیم قرن آن را فراموش نکرده‌ام.

در ایران هم یک خاطره مکتوب از ایشان دارم که برایم خیلی شیرین و جالب بود. بنده پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به یاد نشریه مخفی که قبلاً اشاره کردم آن را در دوران نهضت، تحت عنوان بعثت ارگان طلاب حوزه علمیه قم منتشر می ساختیم، نشریه ای هفتگی و با همین نام (بعثت) با مجوز وزارت ارشاد، و از حوزه علمیه قم منتشر ساختم که خوشبختانه انتشار آن سی سال ادامه یافته و هم اکنون نیز منتشر می گردد. این نشریه علاوه بر قم، در بعضی از شهرها هم توزیع می گردد و برای اغلب علمای بلاد و ائمه جمعه و جماعات و با مراکز فرهنگی و کتابخانه ها هم ارسال می گردد. نشریه ای است فرهنگی - اجتماعی و شامل مقالاتی در زمینه های مختلف مربوط به مسائل ایران و جهان اسلام. از جمله مراکزی که سالیانی است این نشریه ارسال می گردد، کتابخانه «دانشکده اصول الدین» در تهران است.

من فکر نمی کردم که علامه عسکری وقت بگذارد و این نشریه را مطالعه کند و حتی درباره آن اظهار نظر کند؛ اما دو سه سال قبل نامه ای - همراه با تعدادی از آثار ایشان - به دفتر

شماره ۱۲/۱۸۵
شماره ۱۲/۱۸۵
تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱۸

باسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای سید هادی خسرو شاهی
مدیر مسئول محترم روزنامه وزین بعثت اطال الله بقاءه
سلام علیکم

احتراماً، اینجانب روزنامه بعثت را درجبه باز به جهان ومیلفی دانا
ومدافعی توانا از اسلام ومسلمانان می‌بینم وتخواندن شمارهای این را به
مسلمانان فارسی زبان توصیه می‌کنم وبعلامت تقدیر وتشکر بعضی از
مؤلفات خود را بشما اهدا می‌کنم.

با آرزوی توفیقات الهی

الحمد لله
سید مرتضی العسكري
رئیس دانشکده اصول الدین

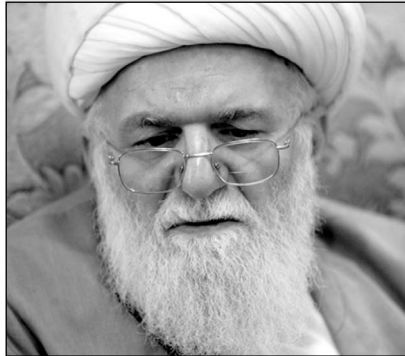
تهران: تهریتش، خدیجه، ششمه دهر، تهر، شعبان، ششمه مصطفی، عباسی، کوی شهید نژاد کاشانی، شماره ۱۴
کدپستی ۱۹۱۸۱۵۶۵۱، تلفن: ۰۲۱ ۲۲۷۱۳۶۶۰۳ و ۰۲۱ ۲۲۷۱۳۶۶۰۴، فکس: ۰۲۱ ۲۲۷۱۳۶۶۰۴
Tehran, Islamic Republic of Iran

▲ متن نامه علامه عسکری در توصیف "بعثت"

تشریه رسید که باز نشان دهنده عمق باریکی
پیشینی ایشان در زمینه مسائل فرهنگی و
مطبوعاتی است... ایشان در نامه خود چنین
می نویسند: "...این جانب روزنامه بعثت را
در ریچه باز به جهان و مبلغی دانا و مدافعی توانا
از اسلام و مسلمانان می بینم و خواندن
شماره های این را به مسلمانان فارسی زبان
توصیه می کنم و به علامت تقدیر و تشکر
بعضی از مؤلفات خود را به شما اهدا می کنم. با
آرزوی توفیقات الهی..."

در گفتگو با آیت الله تسخیری بررسی شد:

ارزیابی کارشناسانه و فقهی از تجربه بانکداری اسلامی



ها برای بانک مرکزی به طور مفصل نشان داده شده است و در حالیکه در قانون قبلی به آن اشاره نشده بود پیرامون راههای تنظیم در این پیش نویس به این نکات اشاره شده است:

۱- تعیین نرخ سپرده های قانونی نزد بانک مرکزی
۲- تعیین نرخ تنظیم مجدد اسناد مالی نزد بانک مرکزی

۳- مسئله خرید و فروش صکوک در بازار های ثانویه
۴- تعیین حداقل و حد اکثر سود سپرده های سرمایه گذاری یا تسهیلات اعطایی یا کارمزد قرض الحسنه به شرط اینکه بیش از خدمات نباشد.

۵- تبیین نوع امتیاز ها و جواز و شکل تبلیغات
۶- کار مزد انواع خدمات بانکی

یکی از مهمترین امتیازات این پیش نویس این است که تأکید دارد شعب بانک های ایرانی در خارج از کشور و شعب بانک های خارجی در ایران حق ندارند به ربا تعامل کنند و این نکته کاملاً قوی و مثبت است که در این پیش نویس آمده است که متأسفانه در قانون قبلی شاید به علت فشار شرایط اقتصادی به آن اشاره نشده بود.

نکته هفتم: مطرح کردن صکوک، اسناد مالی و خرید و فروش آنها در بازار سهام است که یکی از امتیاز های مهم پیش نویس جدید است امروز صکوک نقش عظیمی را در بانک های اسلامی بازی می کنند و آخرین نکته این است که تنظیم روابط بانک های داخلی با بانک های خارجی تا حد زیادی در این پیش نویس دیده شده من معتقدم این پیش نویس امتیاز های خوبی دارد.

آیا انتقاد های جدی در مورد بانکداری اسلامی از طرف حوزه و علما وجود دارد و این انتقاد ها در چه زمینه هایی است؟

اگر بخواهیم این انتقاد ها را خلاصه کنیم باید بگوئیم دو انتقاد اساسی وجود دارد یکی عدم اجرای دقیق قانون مصوب و شرایط اسلامی آن و عدم آگاهی کامل مشتریان متعامل بانک ها و همچنین عدم آگاهی کارکنان بانک ها از شرایط اسلامی، بزرگترین انتقاد بوده است و در کنار آن یک انتقاد دیگر نیز وجود دارد که نتیجه انتقاد اول است و آن اینکه اکثر معاملاتی که در این بانک ها صورت می گیرد یک معاملات پوششی است یعنی ظاهرش اسلامی است ولی در واقع آلوده به معاملات ربوی است یعنی شاید بتوان گفت فرقی میان این معاملات و معاملاتی که در یک بانک ربوی صورت می گیرد وجود ندارد که این مسئله به علت نبود آگاهی و تعهد کامل به احکام قانون است.

سطح تخصص و آموزش در امور فقهی و بانکداری اسلامی در ایران در چه حدی است و این تخصص ها از چه طریقی صورت می گیرد ؟

من معتقدم هم در زمینه تخصص و هم در زمینه آموزش ما نقص داریم هرچند که متخصصان و اساتید مطلعی داریم ولی در سطح کافی نیستند و دولت، مؤسسات بانکی و بانک مرکزی باید بیشتر در تربیت کارشناسان متخصص بانکداری اسلامی کوشا باشند هرچند کوشش هایی وجود دارد اما کافی نیست.

در کشور های حوزه خلیج فارس بانکداری اسلامی سود محور نیست و عمدتاً میل به نظام قرض الحسنه دارد اما در بانکداری ایران سود جایگاه محوری دارد البته با عنوان کارمزد و یا...، ارزیابی شما در خصوص این تفاوت ها چیست؟ و کدامیک با بانکداری اسلامی انطباق بیشتری دارد؟

البته نمی توان گفت که وضع آنها بهتر از ما است اولاً: بانکداری ربوی کاملاً بر کشور های

فعلی توسط عده ایی از علماء و اقتصاد دانان متعهد نوشته شده که درک قوی تری از مشکلات نظام بانکداری دارند و طرحی ارائه کرده اند که برای کل کشور از جمله برای بانک مرکزی است به طور طبیعی بین قانون و طرح تفاوتی وجود دارد لذا اهداف قانون ابعاد مختلفی را شامل می شود و دیدیم که در ماده اول قانون قبلی و پیش نویس فعلی اهداف بانکداری و در ماده دوم قانون قبلی و پیش نویس فعلی وظایف بانکداری اسلامی با ابعاد وسیع تری بیان شده است. طرح شهید صدر بیشتر روی یک عقد یعنی عقد مضاربه بنا شده است ولی در این قانون به عقود دیگر نظیر مشارکت، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع تقسیط، مضاربه، مساقاة، سرمایه گذاری مستقیم اشاره شده است و این نشان دهنده آن است که فعالیت های اقتصادی زیادی و عقود بیشتری در این قانون آمده است. فرق های زیادی میان طرح شهید صدر و قانون وجود دارد. با این مقدمه ما احساس می کنیم پیش نویس قانون جدید خیلی از نقایص قانون قبلی را برطرف کرده است.

نکته اول: در قانون قبلی نقش بخش خصوصی در عرصه پولی کشور دیده نشده ما می دانیم که اولین بانک خصوصی ۱۷ سال بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۸۰ تأسیس گردید و این یک نقص بود.

نکته دوم: در قانون قبلی موضوع تسهیلات مطرح شده بود ولی به طور اجمال جزئیات و تفسیرات پیرامون آن بیان نشده بود اما در پیش نویس جدید تسهیلات به طور مفصل شرح داده شده است پس اجمال قانون قبلی در پیش نویس شرح و تفصیل داده شده است.

نکته سوم: وظائف نظام بانکداری اسلامی و وظائف بانک مرکزی در قانون قبلی از هم تفکیک نشده بود اما در پیش نویس جدید وظائف آنها از هم جدا شده است و وظائف هر کدام به طور جداگانه مطرح شده است.

نکته چهارم: در قانون قبلی یک رکن مهم یعنی نظارت فقهی آورده نشده بود اما در پیش نویس جدید بر ایجاد کمیته فقهی تأکید شده که بر روند بانکداری اسلامی نظارت مستمر داشته باشد یعنی هم بر محصولات و خدمات جدید بانکی و هم بر نحوه اجرای مقررات بانکی در مرحله عمل نظارت مستقیم داشته باشد.

نکته پنجم: در قانون قبلی به یک مسئله مهم یعنی تخلف از پرداخت به موقع اقساط و دینی که متعاملین به بانک ها داشتند پرداخته نشده بود و مشخص نبود که اگر تخلفی در این زمینه صورت می گرفت تکلیف چه بود و قانون قبلی در مقابل تخلف احتمالی ساکت بود اما درپیش نویس جدید راه حلی ارائه شده است که از این تخلف ها جلوگیری می شود هم چنین مسئله ورشکستگی در قانون قبلی مطرح نبود اما در پیش نویس جدید به آن اشاره شده است. مسئله اشراف بانک مرکزی بر همه بانک ها، مؤسسات اعتباری، بانک های تجاری، بانک های تخصصی، صندوق های قرض الحسنه دولتی و غیر دولتی، تعاونی ها، شرکت های لیزینگ و دیگر مؤسسات که در پیش نویس جدید به آن اشاره شده است که طبق پیش نویس جدید بانک مرکزی باید بر این مراکز نظارت و اشراف کامل داشته باشد و این نکته مثبت است.

نکته ششم: در این پیش نویس بر لزوم داشتن بانک اطلاعاتی مالی و رتبه بندی بنگاههای مالی که از مسائل مهم نظام مالی است اشاره شده است و در این پیش نویس هم راههای تنظیم امور فوری بانک

به مناسبت روز بانکداری اسلامی خبرگزاری تقریب مصاحبه ای با آیت الله محمد علی تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، عضو کمیته شرعی بانک توسعه اسلامی و عضو کمیته شرعی هیئت شرعی حسابرسی و نظارت بر مؤسسات مالی اسلامی صورت داده که در زیر این گفتگو را می خوانید.

با توجه به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش های زیادی برای اسلامی کردن بانکداری در ایران صورت گرفته است به نظر شما تا چه میزان این مسیر را طی کردیم و در چه ابعدی موفق بودیم؟

معتقدم که بین وضع موجود و وضع مطلوب فاصله زیادی است و این طبیعی است. ولی جای بسی خوشحالی است که ما در مسیر رسیدن به وضع مطلوب قرار داریم و این نیاز به توفیق الهی است تا بتوانیم به آن نقطه هدف برسیم البته وضع مطلوب یعنی اجرای کامل همه احکام اسلامی مرتبط با امور اقتصادی و تطبیق همه معاملات ما با عقود شرعی است و بنابراین با فرض وجود بانکداری در وضع مطلوب باید مسئله آگاهی کامل همه متصدیان امور بانکداری و مشتریانی که مورد تعامل با بانکداری قرار دارند و آگاهی دادن آنها از عقود مختلف از یک سو و نیز وضع مطلوب یعنی سد همه خلأ های بانکداری و نقش پول در رشد جامعه و توسعه آن با نظارت فقهی کامل و با طراحی معیار های فقهی است تا نظام مالی و اقتصادی بتواند سهم کاملی در ایجاد عدالت اجتماعی داشته باشد.

ما به این وضع مطلوب نرسیده ایم و نیاز داریم که خیلی تلاش کنیم تا به وضع مطلوب برسیم البته هنوز در راه هستیم و انشالله گام به گام به وضع مطلوب برسیم.

در پیش نویس جدید بانکداری بدون ربا تا چه اندازه ای نقاط ضعف وضع موجود جبران شده است و به نظر شما این نقاط کدامند؟

البته این سوال چند مرحله دارد من معتقدم باید آن مراحل را به طور خلاصه مطرح کنیم. اولین طرح بانکداری بدون ربا توسط شهید آیت الله محمد باقر صدر مطرح گردید و طرح های بعدی این نظام همه بر اساس آن بنا شده است و جالب اینجاست که بدانیم بعد از صدور طرح شهید صدر، در سال ۱۹۶۸، بانک های اسلامی شروع به تأسیس کردند و در دهه هفتاد قرن بیستم بانک توسعه اسلامی و برخی از بانک های اسلامی آغاز به کار کردند و ما امروز بیش از ۳۰۰ بانک اسلامی در سراسر جهان با چرخش سرمایه صد ها میلیارد دلاری داریم که همه این مسیر موفق از آن نقطه شروع شد. قانون بانکداری قبلی ایران و پیش نویس فعلی روح اصلی آنها از طرح شهید صدر می باشد ولی فرق هایی هم بین طرح شهید صدر و این قوانین وجود دارد چرا که طرح شهید صدر برای فضایی نوشته شده که آن فضا کلاً ربوی است و رقابت بانک های بزرگ ربوی بسیار بالا بود در چنین شرایطی از بانک های بدون ربا خواسته شده بود که تسهیلات و خدمات بانک های دیگر را ارائه کنند و بدون اینکه ربوی باشند و هم اینکه با توجه به حفظ اصالت غیر ربوی بودن خود به رقابت با سایر بانک ها نیز بپردازند. طرح ارائه شده با قانونی که برای بانک های اسلامی که در یک جامعه اسلامی نوشته شده و در آن رقابت بانک های ربوی مطرح نیست متفاوت است و لوازم و شرایط خاصی برای آن وجود دارد. مسئله بعدی این است که قانون بانکداری بدون ربای قبلی و پیش نویس

حوزه خلیج فارس مسلط است حتی در عربستان بانکداری ربوی به طور کامل بر سیستم بانکداری این کشور تسلط دارد. ثانیاً: در بانکداری اسلامی در کنار قرض الحسنه مسئله سود مطرح است و مطرح بودن آن طبیعی است چرا که بانک های اسلامی باید خودشان را حفظ کنند و در رقابت با بانک های ربوی باقی بمانند و هم اینکه خود را قوی نگه دارند. لذا هم بانکداری ما و هم بانکداری کشور های حوزه خلیج فارس سود را یک محور مهم قرار داده البته باید بانک های اسلامی به سمت دادن قرض الحسنه بیشتر با کارمزد کمتر حرکت کنند. اما یک مسئله نیز وجود دارد و آن اینکه بانک های اسلامی کشور های حوزه خلیج فارس کارمزد کمتری نسبت به بانک های ما دریافت می کنند مثلاً بانک های ما کارمزد ۴ درصد دریافت می کنند اما خیلی از بانک های کشور های حوزه خلیج فارس بسیار کمتر از آن کارمزد دریافت می کنند.

بانکداری اسلامی به سود چگونه می نگرند آیا این سود و خطرات ناشی از آن بانکداری اسلامی را در معرض چالش های مشابه با بانکداری سنتی قرار نمی دهد؟

یکی از زیبایی های بانکداری اسلامی این است که بحران اقتصادی جهانی نتوانست بر روی آن اثر بگذارد حتی بانک های بزرگ اسلامی نظیر بانک توسعه اسلامی با توجه به بالا بودن سطح سرمایه و چرخش پولی آن بحران اقتصادی نتوانست بر آن اثر منفی بگذارد بانک های اسلامی بر روی مشارکت بین کار و پول تکیه دارند، درست است که به سمت سود حرکت می کنند ولی بر اساس مشارکت مثل مضاربه، مشارکت و امثال اینها برپا شده است هم چنین وجود اخلاق اسلامی در مدیران و واقعی بودن قرار داد ها در بانکداری اسلامی از عوامل موفقیت آن بوده است هم چنین مصون ماندن بانک های اسلامی از بحران نشان دهنده قدرت احکام اسلامی و قدرت اسلام برای اداره جامعه بدون مبتلا به این وام های خانمان سوز است.

آیا توجه غرب به بانکداری اسلامی یک پدیده موقت و گذرا است یا اینکه یک رویکرد اصولی است؟

من معتقدم موفقیت خیره کننده بانکداری اسلامی بخاطر جذب سرمایه و مصون ماندن از بحران ها و نیز رسیدن به سود های معقول است. این موفقیت بانکداری اسلامی حتی کسانی که به دنبال رسیدن به سرمایه های هنگفت هستند مثل بانک های غربی را وادار کرد تا از خدمات مالی اسلامی استفاده کنند و پنجره های مستقلی در زمینه بانکداری اسلامی باز کنند مثل برخی بانک های فرانسه، انگلیس، آلمان، روسیه و ژاپن. جالب است بدانید بانک هایی که به مؤسسه خدمات مالی اسلامی مالزی ملحق شده اند از ۱۸۰ بانک فراتر رفته اند و خیلی از این بانک ها اسلامی نیستند اما می خواهند از خدمات مالی اسلامی و ضوابط آن استفاده کنند معنای همه اینها، تجربه موفق بانکداری اسلامی است من معتقدم تا وقتی که این موفقیت ها ادامه داشته

شرعی هیئت حسابرسی و نظارت بر مؤسسات مالی اسلامی هستید، در تعیین معیار های صادر شده توسط این هیئت تا چه اندازه از فقه شیعه استفاده شده است؟

قبلا در کمیته شرعی که این معیار ها را تصویب و صادر می کرد هیچ عالم شیعی عضویت نداشت اما بعد از عضویت بنده در این کمیته طبیعی بود که بعد از آن فقه شیعه نیز در آن مطرح گردید و فقه شیعه در معیار های آن اعمال گردید تا بحال این هیئت ۸۰ معیار برای فعالیت های مختلف بانکی صادر کرده است.

بیع دین اختلافی بین علمای شیعه و علمای اهل سنت است و یا در رابطه با اخذ اجرت بر ضمان اختلافاتی است هم چنین در رابطه با صحت بیع شرط ، علمای شیعه و حنفی های متأخر آنرا قبول دارند اما دیگر علمای مذاهب اسلامی قبول ندارند در مسئله مقدار غرری که عقد را باطل می کند اختلاف نظر است. همه این اختلافات فرعی است و این اختلافات در مقایسه با اشتراکات بین مذاهب واقعا ناچیز و جزئی است و این می تواند موجب تقریب بین مذاهب در امور اقتصادی گردد.

با توجه به اینکه حضرت عالی عضو کمیته

دارد ، آیا بانکداری اسلامی نمی تواند یکی از وجوه عملی تقریب باشد؟

من معتقدم در نظام اقتصادی اسلام اختلاف زیادی بین مذاهب اسلامی نیست یعنی نقطه اشتراک بین آنها بسیار زیاد است و ما نمایندگان (فقه شیعه) به هیچ وجه در محافل اقتصادی بین المللی در این زمینه احساس غربت نمی کنیم. فقه شیعه با فقه مذاهب مختلف اسلامی انسجام خوبی دارد البته در برخی از امور اختلافات فقهی است آن هم بین مذاهب نیست بلکه در بین برخی از فتواهای مشهور در مذاهب است مثلا در رابطه با

باشد بانک های غربی سعی می کنند از نظام بانکداری اسلامی استفاده کنند برای نمونه بانک (HSBC) انگلیس یک شاخه ای متشکل از متخصصان مسلمان برای ابتکار محصولات جدید، بانکی ایجاد کرده است که تاکنون ۶۴ محصول بانکی تهیه کرده و این بانک نیز آنها را اجرا نموده است بنابراین تا زمانی که موفقیت بانکداری اسلامی ادامه داشته باشد بانک های غربی تلاش می کنند از این امتیاز بهره ببرند.

اصولا در فقه بانکداری اسلامی بین مذاهب مختلف اسلامی تفاوت و یا اختلاف نظری وجود

پروفسور زاهد علی زاهدی:

دشمنان اسلام با هم متحد شده اند و برای نابودی مسلمانان فرقی بین شیعه و سنی نمی گذارند

مسلمانان هم باید میان خود اتحادی ایجاد کرده و برای غلبه بر مشکلات جهان اسلام با یکدیگر همکاری کنند.

از نقطه نظر شما دشمنان اسلام چگونه سعی می کنند میان مسلمانان تفرقه ایجاد کنند و چگونه می توان از تاثیر آنها بر امت اسلام جلوگیری کرد و امت را در مقابل آنان ایمن نمود؟

دشمنان اسلام به طور مداوم در حال کار علیه اسلام و تعالیم آن هستند. آن ها تحت عناوین متفاوتی این کار را انجام می دهند. وظیفه ما این است که آموزه های واقعی اسلام را به مردم عادی ارائه دهیم به طوری که ملایان فرقه ای نتوانند آن ها را گمراه کنند. کسانی که بر روی اختلافات کار می کنند در حال سینه زدن زیر بیرق امپریالیسم هستند. به قول امام خمینی آن ها عوامل امپریالیسم هستند نه شیعه و سنی.

آیا به نظر شما وحدت و نزدیکی در میان مذاهب مختلف برای امت اسلام ضروری است؟ البته! وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی تنها راه هموار کردن اختلافات موجود در میان مسلمانان است. در بعضی از موارد وجود دارد اما این اختلاف، تفاوت های فکری میان علمای مسلمان است. این تفاوت ها بد نیستند و می توانند زمینه ساز فعالیت های سالم باشند. اما آنچه می تواند جامعه را فاسد کند این است که آن فعالیت ها با روش های فرقه گرایانه صورت پذیرند. تنها راه مبارزه با دشمنان اسلام وحدت مسلمانان است؛ به خصوص در شرایط فعلی که دشمنان اسلام با یکدیگر متحد شده اند. آنها تشکیل اتحاد داده و به کشور های اسلامی حمله می کنند و با اتحاد خود به نابود کردن کشورهای مسلمان می پردازند، بدون این که بین شیعه یا سنی تبعیضی قابل شوند.

ماند. تا آنجا که به مسلمانان مربوط می شود، فکر نمی کنم آنها بتوانند تعادلی در این وضعیت ایجاد کنند، هر چند مسلمانان پتانسیل این کار را دارند. مسلمانان یک پنجم از جمعیت جهان را تشکیل می دهند. آن ها سرزمینی پهناور حاوی منابع طبیعی فراوانی مانند نفت، گاز و مواد معدنی دارند. آن ها استعداد زیادی برای پیشرفت دارند اما متأسفانه وحدت در میانشان نیست. آنها نمی خواهند از یک رهبر واحد تبعیت کنند. کشورهای مسلمانان توسط ماموران ایالات متحده اداره می شوند. اگر جهان اسلام، در کنار ایران، در برابر توطئه آمریکا و اسرائیل بایستد، می تواند نقش مهمی در سیاست دوران حاضر ایفا کند. اما متأسفانه بخشی از جامعه مسلمانان در حال فعالیت علیه ایران هستند و فرقه گرایی را ترویج می کنند. این چیزی نیست جز خدمت بی جیره و مواجب به دشمنان اسلام.

یکی از اندیشمندانی که در زمینه وحدت جهان اسلام پژوهشهای متعددی به انجام رسانده پروفسور "زاهد علی زاهدی" است، که دردانشگاه بین المللی کراچی به تدریس علوم اسلامی مشغول است . وی علاوه بر تدریس ،امام جمعه و امام جماعت دانشگاه کراچی نیز می باشد . به همین منظور خبرگزاری تقریب نظرات وی را در مورد جهان اسلام جویا شده که با هم می خوانیم:

جنابعالی به عنوان متفکر، در بحث توازن قوا در جهان، چه جایگاهی برای اسلام قایل هستید؟ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهان تک قطبی شده است. ایالات متحده در حال حاضر نقش پلیس دنیا را بازی می کند و تلاش می کند تمام کشورهای جهان را تحت انقیاد خود در آورد. کنترل این ماجراجویی بسیار اهمیت دارد، در غیر این صورت جای امنی برای انسان باقی نخواهد

فقه اهل بیت(ع) تقویت کننده فضای گفتگو میان شیعه و سنی است

سایر امامان امتداد خواهد یافت. این پروژه از سوی یکی از محققان حوزه علمیه قم تدوین شده است.

مدیر مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به اینکه امروز در فضای جهان اسلام توجه بسیاری از فرهیختگان و عالمان جهان اسلام معطوف به مشخصه ها و اصول فقه اهل بیت(ع) است، افزود: مرکز تحقیقات علمی مجمع تقریب مذاهب در چارچوب اهتمام به این دغدغه طرح کلانی را تحت عنوان فقه اهل بیت(ع) در پیش گرفته و تعریف کرده است که در یک فضای تقریبی ارائه می دهد و کوشش بر این است که منابع فریقین برای ارائه احادیث فقهی اهل بیت(ع) بهره گیری شود. حجت الاسلام مبلغی ابراز امیدواری کرد انتشار و تدوین این مجموعه وضعیت قابل توجهی را از حیث جلب توجه عالمان شیعه و سنی پیدا کند.

رییس مؤسسه آیت الله بروجردی:

تقریب مذاهب مورد اهتمام آیت الله العظمی بروجردی بود

و در این مسیر هم گام برداشت.

رییس مؤسسه حضرت آیت الله بروجردی ادامه داد: این مرجع تقلید جهان تشیع معتقد بود که ائمه اطهار(ع) با تمام رنج ها و مشقاتی در متن جامعه اسلامی حضور داشتند و در مواقع اجبار، هرگز از متن جامعه اسلامی خارج نشدند، از این رو شیعیان باید همواره با مذاهب دیگر در تعامل باشند.

حجت الاسلام احمدی بروجردی با بیان این که حضرت آیت الله بروجردی رابطه تشیع با سایر مذاهب را در مبانی تقریب تعریف می کردند، تصریح کرد: ایشان تقریب را به عنوان بحثی تاکتیکی ندانسته، بلکه یک مینا، دلیل فکری و نظری درباره تقریب داشتند.

رییس مؤسسه حضرت آیت الله بروجردی با بیان این که تقریب بر محور سخنان اهل البیت مورد اهتمام آیت الله بروجردی بود، گفت: سرانجام مبنای نظری حضرت آیت الله بروجردی این شد که مجلسی در مصر با نام مجلس تقریب تشکیل دادند، پنجاه نفر از بزرگان اهل سنت در آن شرکت کردند و فتوای تاریخی مشهور شیخ شلتوت که عمل کردن به فقه جعفری مجزی است، حاصل آن بود.

مدیر مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از تدوین و چاپ مجموعه فقه اهل بیت(ع) در این مرکز خبر داد و گفت: اولین جلد از این مجموعه کلان "فقه امام علی بن ابیطالب(ع)" به چاپ رسید.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی "در این باره گفت: این پروژه فرصت جدی برای تقویت جنبه های فقه اسلام و ایجاد فضای گفت وگو میان شیعه و سنی است، البته در گذشته پاره ای از عالمان اهل سنت به این حوزه توجه نشان داده بودند اما آنچه امروز ارائه می شود تجربه کامل تر، مفصل تر و قابل توجهی است که امید تداوم آن را داریم.

وی افزود: فقه امام علی بن ابیطالب(ع) که شروع مجموعه کلان فقه اهل بیت(ع) است یک دوره مفصل خواهد شد که در جلد اول، بحث ارث را در فقه آن حضرت ارائه کرده ایم و به فقه

رسا - رییس مؤسسه حضرت آیت الله بروجردی گفت: نقش حضرت آیت الله بروجردی در تعامل بین ادیان و تقریب مذاهب ستودنی و بی بدیل است.

حجت الاسلام سیدمحمدرضا احمدی بروجردی، با برشمردن ویژه گی های اخلاقی حضرت آیت الله بروجردی به نقش و جایگاه ویژه ایشان درباره تعامل بین ادیان و نگاه ایشان به بحث تقریب مذاهب اشاره کرد و افزود: نقش و جایگاه حضرت آیت الله بروجردی در بین علمای اهل تسنن به ویژه ارتباط ایشان با رییس جامعه الا زهر مصر، شیخ محمد شلتوت به گونه ای بود که همگان را به خود جذب می کرد.

حجت الاسلام احمدی بروجردی با بیان این که اهتمام به مسأله تقریب مذاهب اسلامی یکی از نکات کلیدی در زندگی آیت الله بروجردی بود، اظهار داشت: اندیشه تقریبی آیت الله بروجردی برای جهان تشیع به شرط استفاده از مبنای فکری ایشان، بسیار کارگشا بوده و هست.

وی خاطرنشان کرد: حضرت آیت الله بروجردی همواره مسأله تقریب و نزدیکی دو مذهب شیعه و سنی را مطرح می کرد

واکنش علمای شیعه نسبت به اهانت به

همسران پیامبر

علمای شیعه لبنان و عربستان ضمن دعوت به وحدت همگانی، اهانت به همسران پیامبر(ص) را محکوم کردند.

شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب الله لبنان، تأکید کرد: هیچ منطق و توجیه دینی، اهانت به همسران پیامبر(ص) را مجاز نمی شمارد و از دیدگاه حزب الله نیز کاملاً مردود است.

وی با تأکید بر ضرورت پابندی به اصول کلی اسلام که همگان را به وحدت فرامی خواند، گفت: شایسته نیست که کل پیروان یک مذهب به خاطر اشتباه فردی که از موضع علما و بزرگان مذهب خود دور شده است، مجازات شوند و ما سوء استفاده از رفتاری شخصی برای گسترش بحران و فتنه مذهبی با اتخاذ اقداماتی که به حمله دینی شبیه است را نمی پذیریم.

شیخ نعیم قاسم با تأکید بر اینکه شخص خطاکار به عنوان یک فرد باید مسئولیت رفتار خود را به عهده بگیرد و مجازات شود، خواستار واکنش عاقلانه در برابر این اقدام فردی و مسئول ندانستن کل یک طایفه به این دلیل شد. گفتنی است یک روحانی افراطی کویتی به عایشه، همسر پیامبر اکرم(ص) اهانت کرده بود که مورد خشم و غضب مسلمانان اعم از شیعه و سنی واقع شد.

در همین راستا، شیعیان ساکن شهر النخبر عربستان نیز با انتشار بیانیه ای، اهانت این روحانی افراطی را محکوم کردند.

در این بیانیه که به امضای شیعیان الخبر از جمله روحانیون و روشنفکران رسیده، تصریح شده است که اهل تشیع عموماً همسران پیامبر از جمله عایشه را از هر گونه ناپاکی بری می دانند و معتقدند که آنها از اتهاماتی که حتی ذکر آن صحیح نیست مبرا هستند.

امضاکنندگان بیانیه با محکوم کردن اهانت به شخصیت ها و نمادهای مسلمانان از علمای شیعه و سنی خواستند که برای خاموش کردن این فتنه پیش از گسترش آن با یکدیگر متحد شوند.

در این بیانیه، کسانی که در تبادل اهانت های مذهبی مشارکت دارند نه جزو شیعیان و نه از اهل سنت، بلکه از عوامل بیگانگان توصیف شده اند.

از جمله امضاکنندگان این بیانیه می توان به شیخ "محمد باقر الناصر" روحانی معروف شیعه شهر الخبر و حاج "عبدالله المهنا" شخصیت برجسته شیعه به اضافه ۲۰ روحانی دیگر از شهرهای شیعه نشین الأحساء، دمام و القطیف اشاره کرد.

گفتگویی خواندنی با شیخ ماهر حمود، امام جمعه اهل سنت صیدا



شریعت می‌داند و حتی برخی او را در دینش متهم می‌کنند و یا امام خامنه‌ای نیز همچون امام خمینی (ره) فتوای داد که می‌توان در نماز جماعت اهل سنت حاضر شد اما افرادی او را متهم کردند که حقایق را تغییر می‌دهد و عکس این قضیه هم بین شخصیت‌های دینی اهل سنت وجود دارد. در نتیجه پای کسانی که وحدت مسلمانان را دوست دارند در بند متعصبینی است که مانع پیشرفت امت بسوی اتحادند. نکته مهم دیگر اینکه الان متافانه پیروان مذاهب، آرای فقهی مذاهب دیگر را مسخره می‌کنند در حالی که از ادله آن خبر ندارند. هر گروه نظر دیگری را در نماز، وضو، امامت، عصمت، رجعت و مباحث دیگر مسخره می‌کند.

حدیث غدیر قویترین دلیل نزد شیعه است

اگر با ادله پیش برویم قهرا به آرای یکدیگر احترام خواهیم گذاشت زیرا انسان ملزم به احترام به ادله قوی می‌شود مثلاً قویترین دلیل نزد شیعه حدیث غدیر است که در صحاح اهل سنت نیز موجود است هست و هیچکس آن را انکار و رد نمی‌کند و تنها تفسیرهای متفاوتی ارائه می‌شود. به نظر من این قوی‌ترین نقطه و امتیاز در مذهب شیعه است. امام علی (ع) از نظر فهم و بلاغت و ادبیات و نگاهش به مسایل و فضل و ایمانش با هیچ یک از صحابه قابل مقایسه نیست. در کتب اهل سنت فضایل امیرالمومنین (ع) چندین برابر همه اصحاب است. شخصی بنام نسائی کتبی درباره فرمایشات پیامبر درباره فضایل صحابه نوشته است و این معروف است که یکی از خلفا به وی گفت کتابی درباره فضایل معاویه بنویس، بعد از یکسال برگشت و کتابی در مورد فضایل حضرت علی (ع) آورد. خلیفه از او پرسید فضایل معاویه کجاست؟ گفت: یک حدیث هست که می‌گوید لا یشیع الله بطنه و من بطور آن را برای شما بگویم، بعد او را زدند و شاید در همین جریان کشته شد.

چه اقدامات دو جانبه‌ای برای تحقق وحدت باید انجام بگیرد؟

شیعه علی‌رغم اینکه نظرش متفاوت با اهل سنت است باید به صحابه احترام کند و اهل سنت هم باید به جایگاه و برتری دادن شیعه به سید ما حضرت علی احترام بگذارد به خاطر اینکه ادله شیعه در این زمینه قوی است و اینجا تبادل احترام خواهد بود.

اهل سنت از شهید شدن امام حسین شادمان نیستند

همچنین یک سری توافقات بین دو طرف باید صورت بگیرد مثلاً تصویر مخدوشی که علمای اهل سنت از شیعیان ساخته‌اند و آنها را در دایره تاریخ خارج ساخته‌اند باید تصحیح شود. چرا که ابوحنیفه قیام زیدبن علی (ع) و محمدبن حنفیه را به عنوان قیام‌هایی شیعی بر علیه امویان و عباسیان بر شمرده است و این خود دلیل بر این است که آنها وجود داشته‌اند و نیز دلیل بالاتر از آن کلام شافعی است که می‌گوید (ان کان رفضا حب آل محمد فلیشهد الثقلان انی رافضی) گاهی مسائل به گونه‌ای توضیح داده می‌شود که شیعیان گمان می‌کنند که اهل سنت از یزید حمایت می‌کنند و از کشته شدن حضرت حسین شاد هستند در حالی که کتاب‌های اهل سنت و تاریخ، عکس این مطلب را بیان می‌کنند.

نقش ایران را در ایجاد وحدت اسلامی بین مسلمانان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خالصانه می‌گویم در این ۳۰ سال گذشته جمهوری اسلامی ایران جلودار همه مسلمانان بوده و شعارهای اسلامی و برخورد با استکبار جهانی را احیا کرده است و البته معتقدم که ظرفیت ایران بسیار بیشتر از چیزی است که امروز شاهدیم و توقع ما از ایران در جریان وحدت بیشتر از الازهر یا عربستان و یا هند و پاکستان است زیرا آنها

شیخ ماهر حمود امام جمعه اهل سنت صیدا و از شخصیت‌های سرشناس و پرسابقه لبنانی که از جوانی در مبارزه با رژیم صهیونیستی فعال بوده است در گفت و گو با خبرنگار مرکز خبر حوزه مطالب جالبی درباره شیعه، امام خمینی و نیز آمریکا و عربستان بیان کرد. متن کامل این مصاحبه تقدیم خوانندگان ارجمند می‌شود.

شما همواره از حامیان جریان مقاومت به شمار می‌روید و امیدوارم در این گفتگو به نتایج خوبی برسیم.

افتخار می‌کنم که در جریان خانمان برانداز صهیونیستی همواره مواضع صریحی داشتم و همچنان امیدوار هستم. برخی از اندیشمندان و علمای بزرگ به آن نتیجه‌ای که می‌خواستند نرسیدند و لذا امیدشان در این زمینه کم شده است در حالی که امام خمینی به ما آموخت که باید در راه رسیدن به هدف، استقامت داشته باشیم.

تعامل اهل سنت و شیعه را در لبنان مخصوصاً در صیدا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صیدا از این منظر از جاهای دیگر خیلی بهتر است شاید بخاطر نزدیکی اش به جنوب و مرکز جنوب که اکثر آن شیعه هستند. الان شیعیان صیدا بدون هیچ مشکلی با اهل سنت زندگی می‌کنند و حتی انسجام و پیوند هم دارند اما به فرض مثال در طرابلس اینگونه نیست و اساساً شیعیان حضور بسیار کمی در آن شهر دارند و لذا اگر فردی مطلب نادرستی درباره شیعیان بگوید ممکن است او را تصدیق کنند چون از منش و اندیشه شیعه خبر ندارد اما در صیدا هیچ کس به شیعه دروغ نمی‌بندد چون شیعه بین آنها زندگی می‌کند و نمی‌تواند آنچه را که شیعه نمی‌گوید قایل شوند. در مورد مقاومت هم صیدا همواره پیش‌تاز بوده است.

موانع اصلی در ارتباط بین مسلمانان و تقریب مذاهب را چه می‌دانید؟

نبود ارتباط و رفت و آمدهای مذهبی مانع بزرگی است. وقتی انسان نمی‌داند شیعه چه می‌گوید، برخی مطالب نادرست را هم تصدیق می‌کند. به عنوان مثال هنوز عده‌ای می‌گویند شیعه معتقد است که وحی رسالت باید بر حضرت علی نازل می‌شد و جمله معروف "خان الامین" را مطرح می‌کنند. به نظر من اختلافات باید به خوبی مرز بندی شود تا در این رهگذر مطالب نادرست به یکدیگر چسبانده نشود و طبیعتاً این اتفاق زمانی می‌افتد که شیعه و سنی کنار هم بنشینند و گفت و گو و تبادل نظر داشته باشند و از ادله یکدیگر با خبر شوند. نکته دیگر پیمان سیاسی است که از اهمیت بالایی برخوردار است.

چطور؟

مثلاً هنگامی که سعودی‌ها با ایران توافق یا اختلافی پیدا می‌کنند در این سرزمین منعکس می‌شود، بخاطر اینکه ایران بر شیعه در لبنان اشراف عمومی دارد و سعودی‌ها هم از مؤسسات سلفی حمایت می‌کنند. پس اختلاف سعودی و ایران در لبنان منعکس می‌شود.

طراحی صهیونیست‌ها برای ایجاد اختلافات مذهبی

همچنین سیاستمداران عالم با زیرکی، پشت پرده اختلافات مذهبی را هدایت می‌کنند. مصطفی سعاد از افرادی است که در یکی از انفجارها کشته شد، او می‌گوید اولین کسی که در زندگی‌ام از من سوال کرد شیعه هستی یا سنی؟ یک مأمور مرزی اسرائیلی بود. آلان صهیونیست‌ها شدیداً به دنبال تشدید اختلافات مذهبی بین مسلمانان هستند.

مانع دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد تعصب بعضی از علمای شیعه و اهل سنت است. متأسفانه برخی از شخصیت‌های بزرگ دینی، شعار وحدت اسلامی را که امام خمینی (ره) برافراشت، مخالف

به نظر من اکنون جمهوری اسلامی در بهترین حالت ممکن قرار دارد و هر چه جلو می‌رود بر پیشرفت هایش افزوده می‌شود و من پیروزی حزب‌الله در جنوب و نیز غزه را هم از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران می‌دانم. امام خمینی (ره) با کار معجزه گونه‌اش شیعه را از حالت انفعال و انتظار منفعلانه خارج ساخت و آنها را به حرکت در آورد کاری که انقلاب‌های دیگر تاریخی نتوانستند انجام دهند.

بعضی از گروه‌های اهل سنت مواضع شما در قبال ایران، حزب‌الله و شیعه را محکوم می‌کنند شما چه جوابی برای آنها دارید؟

به عنوان یک فرد سنی مذهب به آنها می‌گویم که من مذهب خود را از جهت فرهنگی و فقهی خیلی بهتر از شما می‌شناسم ولی اختلاف فقهی و فرهنگی مانع از این نیست که دستاوردهای شیعه و جمهوری اسلامی را نادیده بگیریم. به آنها می‌گویم که: شما نتوانستید دستاوردی داشته باشید که جامع بین سیاست و جهاد باشد اما شیعه با انقلاب اسلامی‌اش توانست.

اهل سنت باید به دستاوردهای شیعه احترام بگذارد

متأسفانه بعضی از افراد متدین سنی مذهب را می‌بینیم که از جهت سیاسی ضعیف و در حد صفر می‌باشند. بعضی از آنها را می‌بینیم که از مباحث سیاسی مطلعند ولی سلوک سیاسی آنها صفر است. اهل سنت باید به دست‌آوردهای شیعه احترام بگذارد و سعی در بدست آوردن امثال آنها را داشته باشد؛ در غزه مشاهده کردید که چه اتفاقی افتاد؟ قبل از جنگ ۲۲ روزه همه ما سرافکنده و خوار بودیم اما بعد از جنگ، بر دشمن هجوم بردیم و این بزرگترین پیوندی است که در این مدت شصت ساله به دست آوردیم. آیا این پیروزی با کمک ایران، حزب‌الله و شیعه نبود؟ حمایت‌های ایران از مردم فلسطین باعث خشم آمریکا و اسرائیل شده بود و همان زمان بود که عربستان سعودی با تجهیز گروه‌های اسلامی، از آنها می‌خواست به مقاومت نپیوندند.

عربستان دروغ می‌گوید

آنها ادعا می‌کردند که حزب‌الله به اهل سنت اجازه نمی‌دهد تا آنها از سران مقاومت باشند ولی من به آنها می‌گویم عربستان دروغ می‌گوید، بلکه مانع اصلی عربستان سعودی است. آنها مقاومت را با حضور همه اقشار جامعه نمی‌خواهند و نمی‌خواهند که حزب‌الله جزو مقاومت باشد که این امری محال است فلذا شروع کردند به گفتن اینکه، حزب‌الله مانع حضور آنها در مقاومت می‌باشد. حزب‌الله فقط از آنها می‌خواهد که در چارچوب قوانین فعالیت کنند قوانینی که ما دست‌آوردهای آن را مشاهده کردیم و طبیعی است که فلسطینی‌ها نمی‌توانند به صورت مستقل گروه مقاومت تشکیل دهند. به آنها می‌گویم آنچه مانع همراهی شما با حزب‌الله است حامیان عربستانی شما هستند.

به نظر شما چه کسانی از پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی حمایت می‌کنند و هدفشان از این کار چیست؟

بعضی از آنها از روی تعصبات مذهبی این کار را انجام می‌دهند و بعضی هم آراء فقهی شیعیان را که با آراء اهل سنت تناقض دارد علم می‌کنند مثل بحث‌هایی در مورد صحابه تا از تعصبات اهل سنت سوء استفاده کنند زیرا اشخاصی که بتوانند این گونه موضوعات فقهی را از مواضع سیاسی و انقلابی تفکیک کنند خیلی کم هستند. عده‌ای هم به علت جهل و عدم درک درست این کار را انجام می‌دهند ولی عده دیگری مزدورانه و عاملانه این کارها را انجام می‌دهند. خلاصه کلام اینکه همه اینها از جو مذهبی عربستان بر می‌خیزد چرا که بزرگترین دشمن وحدت شیعه و سنی آنها می‌باشند.

اختیارشان به دست خودشان نیست و جیره خواران حکومتند اما در ایران آزادی بیشتری وجود دارد.

زمانی که شیخ یوسف قرضاوی اتحادیه علمای مسلمان را تأسیس کرد هیچ مکانی را برای برگزاری جلساتش نمی‌یافت مگر در اواخر کارش و آن هم با هماهنگی با حکومت لبنان در بیروت و این یعنی هر عالمی باید برای کارهایش با حکومت هماهنگی داشته باشد و در مسایل سیاسی با آنها هماهنگ باشد. من امام خامنه‌ای را از زمانی که امام جمعه تهران و در حزب جمهوری می‌شناسم و جلسات خوبی در موضوعات مختلف با هم داشتیم و می‌دانم که ایشان مخلصانه در زمینه وحدت اسلامی تلاش می‌کنند.

نقش شوراهایی مثل عربستان سعودی را در ایجاد تفرقه بین مسلمانان چگونه می‌بینید؟

متأسفانه عربستان سعودی از جهت سیاسی و تصمیمات حکومتی کاملاً تابع آمریکا می‌باشد و آمریکا کشوری است که با وحدت امت اسلام مخالف است و این مطلب روشنی است مثلاً امام جماعت مسجد نبوی همیشه به خاطر مواضع تندش در مقابل شیعه جایزه دریافت می‌کرد چرا که او امر حکام را اجرا کرد و حتی زمانی که آقای رفسنجانی به آنجا رفت و قصد نماز خواندن در آنجا را داشت، کار همیشگی‌اش را تکرار کرد. البته این موضوع گاهی بهتر شده اما معمولاً به این شکلی بوده که عرض کردم. هم‌اکنون مصر جای عربستان را گرفته و سیاست آمریکایی‌اش بیشتر از عربستان است و کارهای زشتی در ارتباط با غزه انجام می‌دهد.

نظر شما درباره مردم سالاری دینی در ایران چیست؟

این شکل حکومتی که در ایران برقرار است بهترین نوع حکومت اسلامی است به این صورت که رهبر توسط مجلس خبرگان انتخاب می‌شود و قدرت ایشان بالاترین قدرت مملکتی است و رئیس جمهوری توسط مردم انتخاب می‌شود. البته اقدامات برخی دوستان سابق در یکسال اخیر در ایران بسیار ما را ناراحت کرد و مواضع آنها برای ما عجیب و دردناک بود زیرا برای ما که خارج از ایران هستیم و با توجه به جریانات بین‌المللی، اوضاع را رصد می‌کردیم مثل روز روشن بود که مواضعشان به ضرر نظام اسلامی است. البته همه حق دارند که انتقاد کنند اما مسائلی که برخی دوستان ایجاد کردند، باعث خوشحالی آمریکا، اسرائیل، فرانسه و ... شد.

جمهوری اسلامی در بهترین حالت ممکن قرار دارد

بنده به سیاسیون و نیز فضایی حوزه‌های علمیه ایران عرض می‌کنم که یکی از بهترین کارهایی که ایران در ۳۰ سال اخیر انجام داده، سخنرانی رئیس جمهوری آن در مقر سازمان ملل متحد بود که اسرائیل را موجود زائد و اضافی خواند و این کاری است که هیچ کس جرأت آن را ندارد و به این راحتی اتفاق نمی‌افتد. این موضع گیری ایشان امثال بنده را بر این می‌دارد که به جمهوری اسلامی اقتدا و از آن حمایت کنیم. با وجود مسئولانی که با جرأت در برابر رژیم صهیونیستی می‌ایستند احساس می‌کنیم که بعد از تلاش‌های همه جانبه برای محو انقلاب اسلامی، هنوز امام خمینی (ره) زنده است.

نظر شما درباره ابتکار امام خمینی در معرفی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس چیست؟

روایتی از امام رضا(ع) یا امام کاظم(ع) داریم که اشاره به قیام فردی از قم دارد که ظاهراً همان امام خمینی است. ایشان از همان آغاز آزادی همه ممالک اسلامی را در سر داشت و می دانست که این انقلاب به زودی باعث نابودی اسرائیل خواهد شد. بنده می دانم که ابتکار امام خمینی(ره) فقط یک شعار نیست بلکه این کلام دین ماست و تا آزادی قدس پیش خواهد رفت.

وظیفه کشورهای عربی در برابر رژیم صهیونیستی چیست؟

متأسفانه الان همه تلاش های کشورهای عربی به جز سوریه در حمایت از اسرائیل می باشد و ما هم از آنها توقعی نداریم چرا که آنها برای حفظ منافع آمریکا و اسرائیل تعهد داده اند. البته روزی می آید که این مردم حکومت های مزدور خویش را تغییر خواهند داد

وظیفه علمای دینی در این زمینه چیست؟
وظیفه آنها بسیار بزرگ است آنها باید حکام را مشاوره و نصیحت کنند آنها امر به معروف و نهی از

منکر کنند تا جایی که می توانند نسل متدین و روشنفکر و آگاه پرورش دهند و فتنه ها را خاموش کنند نه این که آتش فتنه را شعله ور کنند و آنها همیشه نقش های اصلی را در حوادث بزرگ تاریخی ایفا کرده اند.

شما ار موسسین تجمع علمای مسلمین به شمار می روید. جرقه های اولیه تشکیل این تجمع چگونه زده شد؟

فکر تاسیس این گروه زمانی که در تهران بودم به ذهنم رسید در اولین روزهای اشغال لبنان ما با پنج هواپیما از لبنان خارج شدیم و زمانی که به تهران رسیدیم خبر رسیدن دشمن به دروازه های بیروت به گوشمان رسید.

علت سفرتان به ایران چه بود؟

قرار بود در همایش مستضعفین در سالروز میلاد حضرت مهدی شرکت کنیم. زمانی که در تهران بودیم عده ای از دوستان پیشنهاد راه اندازی یک سازمان برای مقابله با دشمن مطرح کردند.

چه کسانی در این زمینه نقش مهم تری ایفا کردند؟

سید عباس موسوی که در آن زمان هنوز عضو حزب الله نبود و نیز شیخ راغب حرب و شیخ احمدالزین البته عده دیگری هم بودند که از این

گروه جدا شدند و نمی خواهم اسم آنها را بیاوریم. **اعضای این تجمع چگونه انتخاب می شوند؟**
آنها باید عالم دین باشند و از شخصیت و جایگاه اجتماعی برخوردار باشند و به فعالیت های این تجمع نیز معتقد باشند که در حال حاضر حدود ۴۰ نفر اعضای آنرا تشکیل می دهند. البته زمانی که حزب الله اعلام موجودیت کرد دیگر این تجمع جایگاه سابق حوزه را نگاه نداشت و ندارد.

نتایج کوچک شمردن فعالیت های مقاومت چیست؟

به نظر من تاریخ به آنها رحم نمی کند و بعد از کشف حقیقت مقاومت، دیگر کار کردن برای آنها آسان نخواهد بود؛ آنها با انکار مقاومت در واقع خودشان و لبنان و حقایق را انکار می کنند و این مسئله ای است که انسان نمی تواند در آن مدت زیادی باقی بماند.

به نظر شما مهم ترین خدمت امام خمینی(ره) به اسلام و تاریخ چیست؟

اولاً شیعیان را وارد نقشه سیاسی دنیا کرد در حالی که آنها فراموش شده بودند و ثانیاً اهداف اسلامی را که مدت زمان زیادی برای برآورده شدن آن صرف شده بود محقق کرد. امام خمینی ثابت کرد

کتاب سرگذشت تقریب

ناخوشایندی برای مسلمانان و امت اسلامی خواهد داشت.

این کتاب، به رغم فشرده گی، گامی است به پیش در راستای احیای این طرح واقعاً راهبردی و هر مقاله یا واژه ای در آن، اصلی بنیادی در عرصه تحکیم و تقویت تقریب^۱ و بالا بردن میزان وحدت بخش های گوناگون مسلمانان با یکدیگر. در این کتاب، علاوه بر تبیین اندیشه های تقریبی و ضرورت بسط آنها در میان امت

واحدی - که دارای فرهنگ واحد است - سرگذشت تقریب، و هدف از تأسیس دارالتقریب نیز روشن می شود. "سرگذشت تقریب" به کوشش استاد خسروشاهی به هنگام اقامت در قاهره (به عنوان سرپرست دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران در مصر)، جمع آوری و تنظیم شده و با مقدمه و ملحقات مفصل ایشان، نخست به زبان عربی و تحت عنوان "قصه التقرب" از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر گردیده که هم اکنون به همت محمد مقدس، ترجمه فارسی آن در اختیار علاقمندان و فعالان نهضت های اسلامی قرار می گیرد.

چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۸۹ در ۵۶۰ صفحه، قطع وزیری، به تعداد ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۶۷۰۰ تومان روانه بازار کتاب و فرهنگ و اندیشه شده است.

نیم نگاهی بر زندگی و فعالیت های علامه محمد تقی قمی

علامه مصلح، محمدتقی قمی (۱۲۸۹-۱۳۶۹هـ.ش) در شهر مقدس قم و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در تهران گذراند و سپس قرآن کریم را حفظ نمود. در نوجوانی و جوانی دروس دینی را زیر نظر اساتید متخصص دنبال کرد و در این راستا، فقه، اصول، کلام و دیگر علوم دینی را فرا گرفت و همزمان زبان فرانسه را آموخت. از برجسته ترین فعالیت های علامه قمی، اشتغال وی به مسأله تقریب مذاهب اسلامی بود و مصر را به عنوان مرکز فعالیت ها و طرح های تقریبی خود برگزید. در سال

علامه قمی این مصلح بزرگ به آرمان امت واحده اسلامی و عظمت اسلام راستین است - در بخش پنجم می آیند. در بخش ششم و پایانی این کتاب هم شامل پنج مصاحبه علامه قمی با سه نشریه مصری (روز البوسف، الاهرام و الاخبار) است که ایشان به تشریح اوضاع جهان اسلام و راهکارهایی برای برون رفت آن، اهداف و آرمان های تقریب مذاهب اسلامی، فعالیت های دارالتقریب و مشکلات و دشواری هایی را که با آن روبرو گشته و توانسته با همکاری همفکرانش در دارالتقریب، با موفقیت بر آنها چیره شود، می پردازد.

استاد خسروشاهی برای مستندسازی مطالب کتاب، پیوست های تاریخی ارزشمندی به آخر کتاب اضافه افزوده که حدود یک سوم کل صفحات این کتاب را تشکیل می دهند. این پیوست ها در پنج بخش، شامل اسناد تاریخی، نامه های مستند، دیدارها و بازدیدهای مصور و عکس هاست. اولین بیانیه جماعت تقریب، نامه های رد و بدل شده بین علامه قمی و شیخ محمود شلتوت (رئیس دانشگاه الازهر)، شرح دیدارها و بازدیدهای علمای الازهر و علمای ایران، گزارشی از نخستین سمینار تقریب مذاهب اسلامی در قاهره و همچنین گزارشی از کنگره بزرگداشت آیت الله العظمی بروجردی و علامه شلتوت با شرکت علمای الازهر و ایران ... مهمترین موضوعات مطرح شده در بخش پیوست ها هستند.

استاد خسروشاهی در بخشی از مقدمه این کتاب می نویسد: "محور اصلی که مباحث این کتاب بر گرد آن می چرخد، تقریب و وحدت مذاهب اسلامی است که در این زمینه مباحث مهمی به شمار می رود؛ زیرا بیانگر اندیشه های یکی از پیشگامان جنبش تقریبی در قرن چهاردهم هجری یعنی آیت الله قمی است که تمامی عمر خود را وقف این برنامه حیاتی و مهم ساخته بود... تردیدی نیست که فعال کردن موضوع تقریب، از اهمیت بسزایی برخوردار است، به ویژه که امت اسلام، اینک دوران بسیار دشواری را از سر می گذراند که مستلزم نیرومندی و استقامت و صلابت در رویارویی با یورش دشمنان فرومایه و خون آشام است؛ باید همه کوشش ها و توانها را در راه پیشبرد و گسترش این مهم به کار گرفت. بی توجهی و اهمال در این کار - با هر عذر و بهانه ای که صورت گیرد - بدون تردید پیامدهای

"سرگذشت تقریب؛ یک فرهنگ، یک امت" نوشته علامه محمدتقی قمی (بنیانگذار دارالتقریب بین مذاهب الاسلامیه)، با مقدمه و ملحقات استاد سید هادی خسروشاهی از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به تازگی روانه بازار کتاب شد. این کتاب شامل دیدگاه های آیت الله محمدتقی قمی درباره تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان است که به همت استاد خسروشاهی، محقق و چهره برجسته تقریبی معاصر، گردآوری و تنظیم شده است که به رغم فشرده گی، گامی است در راستای احیای این طرح راهبردی و هر مقاله آن، اصلی بنیادی در عرصه تحکیم و تقویت تقریب و بالا بردن میزان وحدت بخش های گوناگون مسلمانان با یکدیگر است.

کتاب "سرگذشت تقریب" از یک پیشگفتار مفصل از استاد خسروشاهی درباره تقریب و بنیانگذار آن و شش بخش و پیوست هایی مستند، و خواندنی، تشکیل شده است. معنای تقریب، ساز و کار تقریب، اهمیت تقریب، تاریخچه تقریب، زندگی و بیوگرافی آیت الله قمی، علمای الازهر و نهضت تقریب و سجایای اخلاقی علامه قمی و... مهمترین موضوعاتی هستند که در پیشگفتار مفصل خود مطرح شده است.

بخش اول کتاب مقاله های هدفمند آیت الله قمی در مجله رساله الاسلام^۲ (چاپ دارالتقریب در قاهره) است که در سه قسمت "دین و دنیا؛ رابطه علم و ایمان"، "حکایت تقریب، تولد و شکل گیری" و "فرهنگ تقریب: دیدگاهها و تجربه ها" تنظیم شده و هر یک شامل چندین یادداشت و مقاله جداگانه است. بخش دوم کتاب که "میراث و تقریب، اصالت و تجدد" نام دارد به گرفتاری تجددگرایان برای میراث اسلامی می پردازد. "برنامه های تقریب؛ گفتمان عقلی نه احساسی"، بخش سوم کتاب را تشکیل می دهد. مقدمه های علامه قمی بر چاپ کتابهای "مجمع البیان لعلوم القرآن"، "المختصر النافع فی فقه الاسلامیه" و "شرح اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه"، که هر سه از میراث های برجسته تفسیری و فقهی شیعه هستند و از سوی دارالتقریب در قاهره منتشر شده اند.

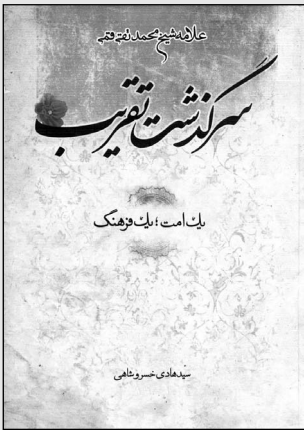
دو نامه، یکی نامه سرگشاده به شیخ محمد متوالی الشعراوی (وزیر اوقاف و امور الازهر مصر) و دیگری نامه سرگشاده به جهان اسلام و علمای امت اسلامی - که بیانگر اخلاص و وفاداری

۱۹۴۷م (اسفند ۱۳۲۷هـ.ش) با حمایت آیت الله العظمی بروجردی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه را در قاهره بنیان گذاشت و توانست طی حضور خود در الازهر، با گروه بزرگی از علما و روشنفکران مصری رابطه برقرار کند.

آیت الله قمی در قاهره مجله رساله الاسلام - که انتشار آن ۱۵ سال ادامه یافت - منتشر کرد که بیشتر مباحث و موضوعات مجله آن درباره

مسأله تقریب و چگونگی فعال کردن این امر دور می زد. از برجسته ترین نتایج جنبش تقریبی که علامه قمی آن را رهبری کرد، صدور فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت (رئیس دانشگاه الازهر) در جواز تعدد بر مذهب شیعه اثنی عشری در سال ۱۹۶۰م بود.

آیت الله قمی که در اواخر عمر در پاریس زندگی می کردند، قرار بود در سال ۱۳۶۹ در ایام هشتاد سالگی شان، به ایران بیایند و مجدداً فعالیت هایش را در عرصه تقرب مذاهب در مصر دنبال نمایند ولی متأسفانه در تصادفی مشکوک در پاریس، جان به جان آفرین تسلیم می کنند. استاد سیدهادی خسروشاهی در مقدمه کتاب "سرگذشت تقریب" در این باره می نویسد: این حادثه تصادف، اتفاقی نبود و از پیش تدارک شده [بود] و دشمنان می خواستند بدین ترتیب، مانع از سفر وی به ایران و ادامه فعالیت های تقریبی و مبارزات جانانه اش در راه وحدت اسلامی گردند... دشمنان موقعیت و جایگاه آیت الله قمی در محافل الازهر شریف و منزلت وی در میان سیاستمداران دشمنان موقعیت و جایگاه ملی مصر و نیز گرایش مثبت به ایران و انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و جانشین ایشان آیت الله خامنه ای (حفظه الله) را به خوبی درک کرده بودند... این گرایش از نظر محافل استعماری و امپریالیسم آمریکا، قابل قبول نبود و از این رو، آن دستان کینه توز با همکاری مزدوران ایرانی - که پس از انقلاب به آغوش غرب گریخته بودند - کار خود را کردند و این حادثه وحشتناک را در راستای تحقق نیافتن خواست های وی عملی ساختند. (صص ۵۲-۵۳).



استمرار تجاوزات صهیونیست ها علیه قدس و مسجدالاقصی

شهریورماه مصادف است با سالگرد آتش زدن مسجدالاقصی و هنوز چیزی تغییر نکرده است و ما همیشه عبارت های کلیشه ای و تکراری را در چنین ایامی به زبان می آوریم و آن را محکوم و تقبیح می کنیم، به راستی چیزی در این مورد تغییر نکرده است و طمع ورزی و دست درازی نسبت با این مسجد و مکان مقدس افزایش یافته است و از سوی دیگر ناتوانی و درماندگی ما نیز رو به فزونی است. مسجدالاقصی اسیر است و منتظر و خطرات شب و روز آن را تهدید می کنند و شالوده آن در حال فروریزی و دیوارهای آن رو به فروپاشی نهاده است و تجاوزات علیه آن تکرار می شود و استمرار دارد. جنگ شدید و خشنی از سوی زندگان علیه مردگان جریان دارد و بندگان زنده نیز در امان نیستند. اتفاقات کنونی در قدس به هدف خالی کردن این شهر از ساکنان اصلی آن صورت می گیرد تا کم کم این شهر به طور کامل و با اعمال زور و قدرت تحت سلطه اشغالگران قرار گیرد. دیگر در این شهر هیچ ساختمان و قبرستانی در امان نیست و صهیونیست با سرعت هرچه تمام تر پیوسته در جهت یهودی سازی این شهر تلاش می کنند تا اقدامات پیشگیرانه خود را در مورد دست یابی به توافقی درباره اوضاع این شهر به عمل آورند به گونه ای که تغییرات به وجود آمده به امور غیر قابل تغییری تبدیل شوند و دیگر قبر نبش شده ای بازسازی نشود و آثار از بین رفته ای مرمت نگردد.

این گونه اقدامات بدون هیچ اقدام متقابل و واکنشی صورت می گیرد و تمامی مسئولان با گرایش های متفاوت خود در سکوت مرگباری فرورفته اند و یا آن را نادیده می گیرند. این امور گویی دیگر مورد توجه عرب ها و فلسطینیان نیست. در مرحله حساس کنونی جای شکی باقی نمانده است که شهر قدس به ویژه مسجدالاقصی در معرض تهاجم دشمن قرار گرفته است و اشغالگران می کوشند تا به طور کامل بر آن سیطره پیدا کنند و این شهر مقدس را برای همیشه تقسیم نمایند و پرونده آن را به طور کامل به سود اشغالگران ببندند. محوره‌های یهودی سازی و اهداف آن بر سه اصل اساسی استوار است:

۱- مصادره اراضی: به بهانه های مختلف و با دستاویز قرار دادن توجیهات گوناگون از جمله ساخت شهرک های جدید و تأسیسات عمومی مانند آن چه که در قبرستان "مامن الله" و تخریب صدها قبر در آن صورت گرفت و ساخت راه ها و پل ها پیوسته اراضی این شهر به تصرف و اشغال مستقیم صهیونست ها در می آید تا هر چه بیشتر سیطره اشغالگران بر قدس شرقی تثبیت شود و بخش بیشتری از کرانه باختری به مصادره آنان درآید. مساحت ۶/۵ کیلومتر مربعی تحت اشغال در کرانه باختری به ۱۲۳ کیلومتر رسیده است و آنان اکنون کنترل ۸۶ درصد از اراضی قدس را در اختیار دارند و اجازه نمی دهند فلسطینیان از ۱۰ درصد زمین های باقیمانده نیز استفاده کنند و در حال حاضر تنها ۴درصد در اختیار فلسطینیان می باشد. صهیونیست ها ۱۱ محله یهودی در قدس شرقی ساخته اند و با ساخت ۱۷ شهرک یهودی این بخش را به محاصره خود درآورده اند و اکنون جمعیت یهودیان ساکن در قدس شرقی به ۲۰۰ هزار تن می رسد. دیوار موسوم به پوشش قدس نیز به بلای دیگری برای فلسطینیان تبدیل شده است به گونه ای که شهر قدس را به طور کامل از اطراف و محیط عربی آن جدا و این شهر را به شهرک های صهیونیستی پراکنده در داخل و خارج قدس مرتبط ساخته است. این دیوار ده ها روستا و شهرک و صدها هزار فلسطینی را از این شهر جدا کرده اند.

۲-اسکان یهودیان: با تلاش ها و سلسله اقدامات

طولانی و اعمال فشار بر عرب های ساکن بیت المقدس روز به روز دایره زندگی بر آنان تنگ تر و راه برای اسکان یهودیان در این شهر باز گذاشته اند. همان طور که قبلا نیز اشاره شد، تنها در ۴درصد از مساحت باقی مانده در قدس شرقی که در اختیار فلسطینیان است، بیش از ۲۳۰ هزار تن زندگی می کنند و علاوه بر این اخذ پروانه ساخت و ساز در همین مساحت اندک نیز به رویایی تبدیل شده است که به پنج سال انتظار و کلی هزینه نیاز دارد و با این وجود در پایان عده بسیار کمی موفق به دریافت چنین مجوزی می شوند. اشغالگران طبق معمول اجازه محافظت و تعمیر و نگهداری از ساختمان ها را به کسی نمی دهند و کسی حق ندارد طبقه ای به ساختمان های موجود اضافه کند و اگر فلسطینی ناچار شود که کمی خانه اش را توسعه دهد با تخریب مواجه می شود. اگر باز فلسطینی مجبور شود برای سکونت به خارج از شهر قدس به سایر مناطق کرانه باختری نقل مکان کند، قانون "مکان اقامت" اسرائیل وی را تحت تعقیب قرار خواهد داد و شناسنامه و کارت شناسایی اش را مصادره می کند و وی را از سکونت در قدس محروم می سازد. بر همین مبنا تا کنون ۶۳۸۱کارت شناسایی و شناسنامه ساکنان عرب بیت المقدس مصادره شده است. در مقابل کسانی که از گوشه و کنار جهان به این شهر آورده می شوند و در آن جا به آنان سکونت و امکانات زندگی می دهند و این عده حق زندگی در شهری را دارند ولی ساکنان اصلی آن از بسیاری از حقوق اولیه و اساسی خود محروم هستند و تحت شدیدترین تدابیر سختگیرانه قرار دارند. علاوه بر این همین فلسطینیان نیز در معرض مالیات های کمرشکن و اقدامات نظامی و بستن محل کار و پلمپ خانه های خود و تجاوزات و مزاحمت های شهرک نشینان و یهودیان ساکن این شهر هستند. فلسطینیان ساکن این شهر گرفتار فقر و بیکاری هستند و اشغالگران با جدیت تمام تلاش می کنند تا از نظر اخلاقی جوانان عرب را تخریب و منحرف سازند. صهیونیست ها می کوشند تا مصرف مواد مخدر را در میان آنان رواج دهند و در مسیر ازدواج آنان با ساکنان دیگر مناطق فلسطینی نشین مانع تراشی می کنند.

از سوی دیگر و با توجه با اقدامات سختگیرانه علیه عرب ها اشغالگران با ترفندهای مختلف و با استفاده از جعل مدارک و اسناد تلاش می کنند، تعداد بیشتری از یهودیان را به این شهر بیاورند و در آن ساکن کنند.

۳- تغییر تاریخ: اشغالگران ده ها سال تلاش کردند به جستجو و کاوش و حفر کانال و تونل پرداختند ولی نتوانستند حتی به یک اثر و نشانه یهودی در این شهر دست یابند و تمامی سعی و تلاش آنان ناکام مانده است. شیخ رائد صلاح یکی از رهبران برجسته مسلمانان در قدس که هم اکنون در اسارت صهیونیست ها به سر می برد، قبلا اعلام کرده بود که ۸۰درصد آثار دینی در قدس متعلق به مسلمانان و ۱۸ درصد متعلق به مسیحیان و ۲درصد مربوط به سایر تمدن هاست و هیچ اثری در آن وجود ندارد که بتواند ادعای صهیونیست ها در مورد افسانه های دینی و غیر دینی اشان را به اثبات برساند. بر اساس همین ناکامی و سرخوردگی آنان تلاش می کنند که نشانه ها و آثار این شهر را تغییر دهند و آثار اسلامی و مسیحی آن را نابود کنند. آنان در این راه حتی به تخریب قبرستان ها پرداخته اند و مردگان نیز از دست آنان در امان نمانده اند. اشغالگران دست به تعویض اسامی خیابان ها و میادین و بناها و آثار تاریخی زدند و به ساخت عبادتگاه های زیادی برای یهودیان در اطراف مسجد پرداختند که تمامی این اقدامات به هدف یهودی سازی و تغییر چهره این شهر صورت گرفته است.

جهان اسلام

حسن خاطر دبیر کل هیئت اسلامی مسیحی در آغاز سال جاری فهرستی از آثار و اماکنی را ارائه داد که اشغالگران تلاش می کنند آن ها را به آن چه که اماکن باستانی می نامند ملحق کنند و تحت کنترل خود درآورند. در این فهرست اسامی نزدیک به ۱۵۰مکان و اثر تاریخی و دینی فلسطینیان به چشم می خورد. مسجد ابراهیمی در الخلیل و مسجد بلال بن رباح در بیت لحم و دیوارهای شهرک قدیمی در شهر قدس اشغالی و شهرک سلوان در جنوب مسجدالاقصی از جمله این اماکن هستند. این فهرست همچنین کلیساها و آثار باستانی مسیحیان را نیز در بردارد که از جمله می توان به کلیسای ام العمد و باغ برعام اشاره کرد. باغ برعام برجای مانده از ویرانه های روستای فلسطینی به همین نام است که ساکنانش در سال ۱۹۴۸مجبور به ترک آن شدند. اسامی تعدادی از قبرها و بارگاه های مشهور اسلامی در فلسطین در این فهرست وجود دارند. بارگاه صموئیل نبی در غرب قدس و قبر یوسف در نابلس و غاری در غرب قدس و غارقمران در غرب دریاچه بحر المیت در این فهرست دیده می شود. در بیش از ۱۱غاراز غارهای مذکور ۸۵دست نوشته تاریخی وجود دارد.

اشغالگران در بسیاری از راه و مسیرها و خیابان های اصلی شهرک قدیمی (بخش قدیمی قدس که بخش فلسطینی نشین می باشد) دست به ساخت و ساز می زند و این مسیرها را مسدود می کند. تعداد این خیابان های مورد تعرض صهیونیست ها به ۳۶۱ خیابان می رسد و ده درصد کل این شهرک را شامل می شود که به طور مثال می توان از راه باب العامود نام برد. آنان با این گونه اقدامات خود می خواهند اماکن مهم مسیحیان و مسلمانان را در شهرک قدیمی از جمله بازار خان الزيت و راه باب العامود و مسیر الواد و بازار عطارها و مسیر حارة النصارى و راه القديس متری و راه الآلام و راه الرسل و باب الغوانمه و عقبه دیرالحبشه و راه مارمرقص مورد تعرض و تجاوز قرار دهند.

اشغالگران به خاطر این که حق موهوم و مورد ادعای خود را به دیگران القا کنند در تاریخ و روایات نیز دستکاری می کنند و می خواهند حقایق تاریخی را به گونه ای دیگر جلوه دهند. آنان با انتشار فرهنگ ها و ایجاد پایگاهایی تلاش می کنند تا به گونه ای در مورد تاریخ قدس سخن بگویند که در آن تاریخ و دوران اسلامی و مسلمانان نادیده گرفته شود و نامی از آثار اسلامی و عربی برده نشود. صهیونیست ها بخش هایی از تاریخ را مسکوت گذاشته و آن را سانسور کرده اند و در واقع گویی تاریخ در این برهه ها متوقف شده است.

مسجدالاقصی

از همان آغاز اشغال قدس در سال ۱۹۶۷تاکنون مسجد الاقصی در معرض تجاوزات و حملات مکرر و پیاپی صهیونیست ها قرار دارد و آتش زدن این مسجد در سال مذکور تنها یکی از این موارد است. همانطور که اشاره شد این مسجد بارها مورد یورش و آتش سوزی قرار گرفته است که در بیشتر مواقع این گونه جنایات به دست افراد و گروه های تندروی تروریست عملی شده است ولی قطعا این افراد و گروه ها با حمایت مادی و معنوی سیاسی نیروهای اشغالگر در یک بازی تبادل نقش ها و ماموریت ها عملی گردیده است که اکنون عاملان و حامیان آنان برای همگان شناخته شده می باشند. به طور مثال و برای توضیح بیشتر ما در این جا به اظهارات تساحی هنگبی در سال ۲۰۰۸ اشاره می کنیم که در آن زمان وزیر امنیت داخلی بود. وی می گوید، گروه های تندرو طرحی را برای انفجار و تخریب مسجد الاقصی و ترور شخصیت های اسلامی بارز در داخل این مسجد آماده کرده اند.

هنگبی در مصاحبه با کانال دو تلویزیون عبری می گوید: "خطر حمله یهودیان تندرو و متعصب

پیشگامان

علیه مسجدالاقصی و نمازگزاران در این مکان بسیار مقدس مسلمانان هیچگاه تا این حد نبوده است. وی می افزاید: ما احساس می کنیم که تهدید علیه حرم قدس یعنی عملی ساختن تهدیدات علیه این مسجد از سوی تندرو ها و افراط گراها در ماه های اخیر و به ویژه در هفته های اخیر بیش از هر زمانی خود را نشان می دهد و افزایش یافته است."

وی همچنین می افزاید: سرویس های امنیتی و شاپاک اطلاعات زیادی در دست دارند که نشان می دهد گروه های راستگرای افراطی خود را به طور بیسابقه ای برای عملیات تروریستی آماده کرده اند. هدف هنگبی از چنین اظهاراتی در واقع ارزیابی و محک زدن میزان واکنش ها در صورت وقوع چنین جنایتی می باشد و از سوی دیگر می خواهد این گونه وانمود کند و به افکار عمومی جهان القا نماید که اقدامات دولت اشغالگر جدای از اقدامات تندورهاست و رفتار و گرایش های این دو جدا و به دور از هم است و اگر چنین جنایتی رخ دهد، مسئولیت آن به عهده رژیم اشغالگر نخواهد بود.

تلاش ها برای نابودی مسجدالاقصی هیچگاه متوقف نشده و نخواهد شد. رویایی های کنونی در سرزمین فلسطین مهم ترین گواه این مدعاست که هر روز بر وخامت اوضاع می افزاید. صهیونیست ها هدفشان ساخت معبد موهوم است و تنها چنین اقدامی آنان را آرام می کند تا از این طریق به ادعاهای موهوم خود جامه عمل ببوشانند. حفاری ها و ایجاد تونل های متعدد به دیوارهای این مسجد آسیب رسانده است و بخش هایی از آن در آستانه فروپاشی است و متاسفانه این بار برادران ما نیز در این گونه توطئه ها مشارکت دارند و ما نیز تنها به تقبیح و محکومیت بسنده می کنیم و بس!

مسجدالاقصی با صخره (تخته سنگ) معروف خود در برابر توطئه ها و اقدامات مخرب دشمن مقاومت خواهد کرد و با وجود حجم گسترده توطئه ها به منزله جرقه ای خواهد بود و منطقه را شعله ور خواهد ساخت؛ همان گونه که چنین امری بارها صورت گرفته است که به طور مثال می توان به حوادث سال ۱۹۶۹ به دنبال تلاش صهیونیست ها برای آتش زدن این مسجد و هنگام ساخت تونل در همان سال و انتفاضه الاقصی بعد از آلوده کردن ساحت این مسجد توسط شارون در سال ۲۰۰۰اشاره کرد.

چه اتفاقاتی در آینده خواهد افتاد؟

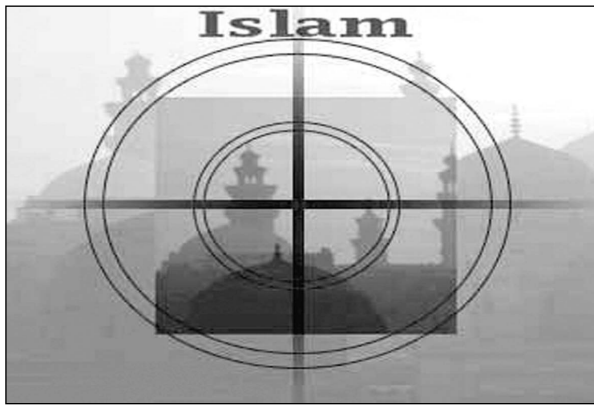
یهودی سازی قدس سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت و اشغالگران به کندی به میز مذاکره باز خواهند گشت و وقت کشی خواهند کرد و فلسطینیان چیزی از این مذاکرات به دست نخواهند آورد و در میان این تندی و کندی قدس به آرامی ضایع و تباه و این شهر یهودی می شود و مسجدالاقصی نیز منتظر سرنوشت خود می ماند.

ولی بااین حال و با مطالعه وضعیت مشابه قدس و مسجدالاقصی در دوران جنگ های صلیبی که قدس به مدت دویست سال به اشغال صلیبیان در آمد و مسجدالاقصی نیز ۸۸سال در اسارت ماند و صدای اذانی از آن برنخاست و به چراگاه خوک ها و اسطبل اسب ها تبدیل شد، در می یابیم که اوضاع برای همیشه وفق مراد دشمنان نخواهد بود و ما دیدیم که بعد چندین سال مرارت و اسارت دوباره این شهر و مسجدالاقصی به آغوش دوستان و یاران خود بازگشت و بیت المقدس از لوٹ وجود نامقدس صلیبیان پاک گردید... اشغالگران کنونی آن نیز سرنوشت بهتری نخواهند داشت ولی تحقق آن نیاز به عزم و اراده و ایمان به پیروزی دارد و آینده قطعا از آن حق طلبان است و قدس و مسجدالاقصی علی رغم استمرار تجاوزات دشمن کلید و رمز موفقیت خواهد بود.

نویسنده: دکتر ابراهیم حمای

مرکز اطلاع رسانی فلسطین

بررسی دلایل خصومت غربی ها با مسلمانان



تبدیل آن به اروپای غربی بروز پیدا میکند، مسئله‌ای که نه تنها راستگرایان اروپایی بلکه برخی مسئولین واتیکان نیز به آن اعتراف کرده‌اند. (فراموش هم نکنیم که پاپ فعلی به اسلام حمله و آن را دین خشونت معرفی کرده است).

چند روز پیش تظاهراتی در پاریس با حضور نماینده ۲۶ سازمان برای مقاومت در برابر "خطر اسلام" برپا شد. برخی حاضران در گردهمایی مجمع "واکنش لائیک"، شعارهایی با عنوان "حجاب و نقاب نه... طالبان در فرانسه نمیخواهیم" را سر دادند.

یکی از حاضران در حالیکه در یک دست پرچم فرانسه و در دست دیگر بطری شراب داشت، به خبرنگاران می‌گفت از این دین به تنگ آمده‌ایم و هرگز اجازه نخواهیم داد مردان زنان را بزنند و خشونت را بعنوان شیوه زندگی نشر دهند.

به نوشته هویدی فرانسه در ممانعت از حجاب در مدارس دولتی، منع استفاده از پوشیه در اماکن عمومی و تحمیل مالیات بر مخالفان سابقه طولانی دارد. موضوع مبارزه با اسلام در دولتهای اروپایی دیگر نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است.

داستان کاریکاتورهای دانمارکی موهن به پیامبر اسلام (ص) و دفاع نخست‌وزیر دانمارک از آن نیز فراموش نشده است.

از طرفی نیز شاهد اظهارات "خیرت فلدر" رهبر و نماینده راستگرای هلندی در مخالفت و انکار اسلام هستیم که در انتخابات اخیر نیز با افزایش محبوبیت وی مواجه شد، حزب وی قدرت سیاسی سوم هلند شده و تصمیم دارد با راه‌اندازی موجی در میان اروپاییها، این قاره را از مسلمانان خالی کند.

بر اساس این گزارش در اتریش نیز موجهایی موازی شکل گرفته که همان بحثهایی را مطرح می‌سازد که حزب راستگرایی که ۱۷ و نیم درصد آراء انتخابات ۲۰۰۸ را بدست آورده، مطرح ساخته بود.

الجزیره می‌افزاید: از نتایج بسیج علیه اسلام در اتریش این بود که یک بازی اینترنتی نیز بنام "وداع با مسجد" ساخته شد که بازیکنان در آن تصاویر متحرکی را نابود می‌کنند که با نابودی آن، مسجد و مناره‌ها نابود شده و از مؤذنی که مسلمانان را به نماز فرا می‌خواند، خلاص میشوند، البته دولت این بازی را ممنوع کرد.

در آلمان نیز شاخصهای ترس از اسلام و مسلمانان افزایش یافته است، این موضوع طبق نظرسنجی کانون "دیماپ" مشخص شد که مدعی بود ۷۰ درصد آلمانها نسبت به این مسئله نگران هستند. قتل "مروه الشروینی" پژوهشگر مصری بدست یکی از نژادپرستهای آلمانی در سال گذشته نشان دهنده گسترش "اسلام هراسی" در جامعه و نقش احزاب راستگرا در شعله‌ور نمودن این مخالفتها است.

همین شرایط در سوئیس رخ داد و حزب راستگرای این کشور حمله‌ای را علیه مناره‌های مساجد به راه انداخت که طبق یک نظرسنجی در سال گذشته، اکثریت نیز آن را تأیید کردند.

فهمی در ادامه این مقاله تأکید کرد که معتقد است که حمله علیه اسلام و مسلمانان از جانب متعصبین تندرو و نژادپرستان هدایت می‌شود، اما در غرب دیگرانی هستند که از عقل و درایت بیشتری برخوردارند؛ ولی نتیجه آن شده که صدای این تندروها بالاتر است تا جائیکه موفق به جمع‌آوری آراء عموم و بسیج آن شده‌اند؛ لذا

یک تحلیلگر مسایل منطقه‌ای علت نفرت و خصومت سران کشورهای غربی از مسلمانان را مورد بررسی قرار داده است

فهمی هویدی "در گزارشی ضمن بررسی حوادث اخیر، میکوشد علل نفرت غرب از اسلام را ریشه‌یابی کند.

فهمی هویدی گزارش خود را اینگونه آغاز می‌کند: گمان میکنم اکنون حق آن را داریم بپرسیم چرا غرب از ما متنفر است؟ چرا کار به جایی رسیده که افراد متعصب جرأت پیدا کرده‌اند به دین و مقدسات ما توهین کنند و مطمئن باشند احدی ایشان را مؤاخذه نخواهد کرد؟

حداقل طی چند هفته اخیر حماقت آتش زدن قرآن که از طرف یکی از کنیسه‌های ایالت فلوریدای آمریکا سر برآورده، تبدیل به تیترا اصلی روزنامه‌ها و نشریات خبری شده است. چند هفته پیش درگیری‌هایی در آمریکا پیرامون طرح "مرکز قرطبه" که گفته میشد قرار است مسجدی در نزدیکی محل انفجار برجهای دوقلو در حادثه ۱۱ سپتامبر ساخته شود به راه افتاد و آمریکایی‌ها را تحریک کرد و افکار عمومی این کشور را به موافق و مخالف تبدیل کرد.

بر اساس این گزارش که در پایگاه خبری الجزیره منتشر شد، "باراک اوباما" رئیس‌جمهور آمریکا این حماقت را محکوم و وزیر امور خارجه نیز همان موضع سران دستگاهها و رهبران دینی را اتخاذ کرد، اما بازتاب این موج در نقاط مختلف ایالات متحده ظهور پیدا کرد و شدت و قوت آن بیشتر از آن شد که اظهارات سیاستمداران مانع آن شود.

مسمویت فضای موجود در سه جهت دنبال می‌شود:

- گفت‌وگوهای تندروها و متعصبین، ارتباط مستقیمی میان تروریسم و اسلام ایجاد نموده است، آنها این بار در مطابقت دادن این دو هیچ ملاحظه‌ای را رعایت نکردند.

- احساسات خشمگینانه در چندین حادثه اخیر علیه مسلمانان خود را نشان داده است؛ به عنوان مثال یکی از جوانان آمریکایی زمانیکه از هویت راننده تاکسی مسلمانی بنام "علی احمد شریف" که از مهاجران بنگلادشی است مطلع شد وی را با چاقو مورد حمله قرار داده و زخمی کرد. خبرگزاری فرانسه به نقل از ابراهیم هوپر "مسئول اطلاع‌رسانی شورای روابط آمریکایی اسلامی آورده که امسال حملات متعددی علیه مساجد مسلمانان اتفاق افتاده از جمله اینکه مردی در "جک اسنویل" ایالت فلوریدای آمریکا بمبی را در یک مرکز اسلامی منفجر کرد، دیگری تلاش برای به آتش کشیدن مسجدی در ارنگتون ایالت تگزاس و نیز دیگر تهدیدات علیه مسجدی در فرینسو ایالت کالیفرنیا و همچنین وقوع آتش سوزی مشکوک در ایالت تنسی نزدیک محلی که قرار بود مسجدی در آنجا بنا شود.

- ۱۰ روز پیش طی یک نظرسنجی مشخص شد بیش از ۶۰ درصد آمریکاییها مخالف ساخت مرکز اسلامی قرطبه در جایگاه فعلی‌اش، ۱۰ درصد مخالف اساس ساخت مسجد در آمریکا هستند، ۵۰ درصد آنها نگاه منفی به اسلام دارند و ۳۳ درصد نیز معتقدند که اسلام مشوق خشونت علیه غیرمسلمانان است؛ این میزان دو برابر تعدادی است که این ایده را هشت سال پیش قبول داشتند، نسبت فوق نشان دهنده رشد شاخصهای ارتباط میان اسلام و خشونت است.

شرایط اروپا نیز خیلی با آمریکا متفاوت نیست. گاه به گاه ترس از اسلامگرایی این قاره و

افکار عمومی اروپا بکار برد و این همان چیزی است که در کتب اکثر مستشرقین، مقالات پژوهشگران و روشهای آموزشی نفوذ کرد. دکتر محمود حمدی زقزوق "در کتاب اسلام در تصور غرب" که سال ۱۹۸۷ زمانیکه وی رئیس دانشکده اصول دین بود منتشر شد، به آن اشاره کرده است.

در این کتاب آمده که نوشته‌های غرب پیرامون اسلام و پیامبر آن، آمیخته‌ای از "جهل کامل و شناخت هدمند، اعمال تغییرات بیرحمانه،

دروغ و انصاف، تعالی و پستی و فحش صریح و سازش عاقلانه بوده است.

این بغض علیه اسلام و جهان اسلام کاملاً شناخته شده نیست اما ارتباط محکمی با رشد احساس برتری خونی و تمدنی دارد و این همان چیزی است که "روژه گارودی" فیلسوف فرانسوی مسلمان در کتاب گفتگوی تمدنهای خود، زمانیکه برتری غرب بر مسلمانان را "شر سفید" توصیف می‌کند به آن اشاره کرده است.

فهمی الهویدی می‌افزاید: هدف از اشاره به این پیشینه این بود که یادآور شویم حوادث ۱۱ سپتامبر منشأ خشم آمریکاییهای متعصب و تندور علیه اسلام و مسلمانان نبوده، بلکه نمایانگر آن خشم بوده است.

در اینجا لازم به اشاره است که احساسات اعراب بویژه در قبال آمریکا زمانی دوستانه بود، بویژه آن هنگام که مردم سوریه و فلسطین در پایان جنگ جهانی اول خواستار آن بودند بجای انگلستان و فرانسه، ایالات متحده دولت حاکم بر کشورشان باشد که این مطلب خود نشانگر اطمینان و حسن ظن ایشان نسبت به آمریکا در آن زمان بود؛ تا اینکه بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا همراه رژیم صهیونیستی در مقابل اعراب ایستاد، در این زمان شرایط تغییر کرد، دکتر رؤوف حامد "نیز در کتاب خود با نام ایجاد نفرت در روابط عربی آمریکایی" به آن اشاره کرده است.

به نوشته الجزیره درست است که تصویر برخی مسلمانانها و اقداماتشان حقیقتاً موجب نفرت و سوءظن علیه مسلمانان شده، اما غربیها و بویژه سیاستمداران نشان قبل از اطلاع از این تصویر و اقدامات نفرت آمیز به مسلمانان خوش بین نبوده و به ایشان احترام نمی‌گذاشتند.

مشکل اینجاست که ما به آنها احترام گذاشته و دین و معتقداتشان را به رسمیت شناخته‌ایم، اما رهبران دینی آنها تا این لحظه به اسلام و آسمانی بودن این دین اعتراف نکرده‌اند.

ما تمدن آنها را پذیرفته و در فراگیری از آنها شکی نداریم، تا جائیکه برخی از ما دعوت به پیوستن به آنها می‌کنیم، اما غرب هیچ چیز ما را نپذیرفته و معتقدند پیشرفت ما مدیون توانایی مادر تقلید و کپی تجربیات آنها است.

نویسنده در پایان مقاله خود آورده است: منکر این مطلب نیستیم که عامه مسلمانان نسبت به سیاست و سیاستمداران غرب خشم و غضب دارند و نه نسبت به ملت یا فرهنگ آنان؛ اما صدای بلندتر آنها مملو از احساس خشم و غضب نسبت به تمام ملت ما است، تا جائیکه اوباما زمانی که می‌خواهد کشیشی را که قصد به آتش کشیدن قرآن دارد، از تصمیمش منصرف کند، به او هشدار می‌دهد که این اقدام وی امنیت سربازان آمریکایی در عراق و افغانستان را به خطر می‌اندازد، چرا که اشاره به این مطلب که این اقدام اهانت به یک و نیم میلیارد مسلمان است، برایش سنگین بود.

شاهدیم که محبوبیت این گروه‌ها افزایش یافته و در انتخابات پارلمانی آرای بیشتری کسب می‌کنند. اختلافاتی در جزئیات این دشمنی با اسلام آمریکا و اروپا وجود دارد، انگیزه‌های آمریکا در درجه نخست بیشتر جنبه سیاسی داشته و تحت تأثیر لابی صهیونیستی و افراط‌گرایان محافظه‌کار است.

نظری هم وجود دارد مبنی بر اینکه ارتباط نزدیکی میان افزایش حملات کنونی و انتخابات میان دوره‌ای کنگره در نوامبر آینده وجود دارد و جمهوری خواهان امیدوارند بتوانند به پیروزی محسوسی در برابر دموکراتها دست یابند.

به عقیده این تحلیلگر مسایل سیاسی اما در اروپا علل اقتصادی در اولویت قرار دارند؛ چرا که بحران اقتصادی عناصر راستگرا را براه انداخته و ناراحتی پاره‌ای از اروپاییان نسبت به حضور مسلمانان در بازارهای کار و مهاجرت ایشان از راه دریای مدیترانه را برانگیخته است، این مسئله باری بر اقتصاد کشورهای اروپایی تحمیل کرده و موجب نفرت آنها از مسلمانان می‌شود.

این اختلافات میان اروپا و آمریکا هر چه باشد، منکر این حقیقت نیست که حملات علیه اسلام و مسلمانان اثر خود را بر مسمومیت فضای روابط غرب با مسلمانان بجای گذاشته است؛ مسئله‌ای که گفتگوی تمدنها و نیز همزیستی و سازش را که برخی اهالی فرهنگ به آن وعده داده بودند، زیر سؤال می‌برد؛ بگونه‌ای که این روند، اندیشه برخورد تمدنها که "فرانسیس فوکویاما" تحلیلگر سیاسی در سال ۱۹۸۹ آن را مطرح کرده و در آن زمان جدی گرفته نشده بود را بارزتر میکند، اما این احتمال در حال حاضر حداقل از جنبه نظری وارد بنظر می‌رسد.

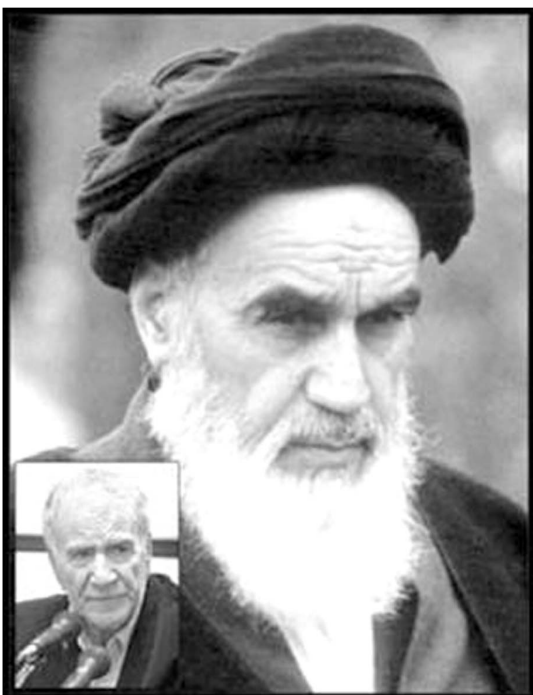
هویدی می‌افزاید: ما با یک مشکل رو به افزایش مواجهیم که می‌تواند همان فضای ضد صهیونیستی که در اواخر قرن ۱۹ بر آلمان سایه افکنده بود را علیه مسلمانان تکرار کند، با این تفاوت که این بار این موج یک و نیم میلیارد مسلمان را شامل می‌شود و آنها را مورد توهین قرار می‌دهد.

اگر اعتقادات ضدصهیونیستی یک برهه تاریخی کوتاه بود، اما دشمنی با اسلام تاریخی طولانی دارد که برخی آنرا مربوط به قرن ۷ میلادی میدانند، یعنی زمانیکه اسلام بعد از مسیحیت و یهودیت نازل شد.

اکثر محققین، تاریخ دشمنی با اسلام را مربوط به جنگهای صلیبی قرن ۱۱ می‌دانند که به خاطر آن اروپا پیش از حمله نظامی به قدس با ادعای رهایی آن از شر مسلمانان، کینه اسلام و مسلمانان را به دل گرفت.

بر اساس این گزارش با وجود پایان یافتن این حملات در قرن ۱۳، اما بسیج فرهنگی مخالف اسلام متوقف نشد و تلاش خود را در خفایای کتب مرجع و دایرة المعارف‌ها جهت تحریف

درس فلسفه و عرفان امام خمینی (ره)



برداشته بود. دقت کردم دیدم یکی از دو برادر است. حال و احوال کردیم. پرسیدم الان کجا هستی و چه می‌کنی؟ گفت: که در اداره‌ای هست و به تعبیر امام در «شرالادارات» اشتغال دارد و گویا رئیس گمرک شده بود.

بنده در آن موقع به حکم جوانی و طلبگی بسیار کنجکاو بودم تا بفهمم که این دو برادر چه کسانی بودند و اکنون کجا هستند. سال‌ها از این قضیه گذشت و انقلاب پیروز شد و دیدم که آقای مهندس حجت که معاون وزیر بود، همدانی است. احتمال دادم که ایشان باید فرزند یکی از آن دو برادر باشد. سپس در همان سال در دانشکده الهیات بر سر کلاس حکمت ملاصدرا شاگردی داشتم که به هنگام حضور و غیاب متوجه نام فامیل او که حجت همدانی بود شدم و این مسئله توجهم را به خود جلب کرد که حتماً این خانم با آن آقایان نسبتی دارد. از او پرسیدم آیا شما با مهندس حجت فامیل هستید؟ وی گفت: بله، من خواهر ایشان هستم. از حال پدرشان سؤال کردم، گفت: ایشان در قید حیات هستند اما

مریض الاحوال بوده و در خانه خوابیده‌اند و کمتر بیرون می‌آیند؛ اما عمومیه به رحمت خدا رفته‌اند. پرسیدم: آیا می‌توانم از نزدیک ایشان را زیارت کنم؟ او گفت: عیبی ندارد، ولی چون پدر حال ندارد، من به شما خبر می‌دهم. یکی، دو سال گذشت و هیچ خبری نشد تا اینکه امسال (۱۳۷۷) در ترم گذشته بنده در قم در تربیت مدرس درسی داشتم و خانم حجت دانشجوی دوره دکترا شده بود و باز با وی حال و احوال کردم، از حال پدر جويا شدم. وی گفت: آن موقع نشد اما اکنون با پدر صحبت می‌کنم تا بتوانید با ایشان ملاقات کنید. سپس به تهران رفت و پس از یک هفته تلفنی تماس گرفت و گفت که پدر آمادگی ملاقات دارد. بسیار خوشحال شدم و حدود یک ماه پیش بود که خدمت ایشان رفتم. آقای حجت همدانی اکنون پیرمردی است که در بستر افتاده. وقتی نزد ایشان بودم قضیه‌ای را که امام در حدود ۳۵ سال پیش تعریف کرده بود برایشان نقل کردم و پرسیدم که این مطلب صحت دارد؟ پاسخ داد: بله و سپس ماجرا را از زبان ایشان شنیدم. برادر آقا جواد اکنون فوت کرده. در نزد امام اسفار خواندیم و ایشان به ما خیلی توجه داشتند و خلاصه این قضایا پیش آمد. از ایشان پرسیدم: چطور شد با اینکه شما مورد توجه حضرت امام بودید، از قم هجرت کردید؟ ایشان گفت: ما مشکلات اقتصادی داشتیم و با سختی زندگی می‌کردیم. به تهران آمدم و به کار اداری مشغول شدیم و من همچنان به کارهای علمی خودم تا حال ادامه داده‌ام و اهل مطالعه هستم و با کتاب مانوسم و مطالعه علوم اسلامی را فراموش نکرده‌ام. پرسیدم: آیا اجازه‌نامه‌ای را که حضرت امام به شما دادند دارید یا خیر؟ فرمودند: بله، آن اجازه‌نامه با دست خط مبارک ایشان پیش من است. از ایشان خواهش کردم اگر ممکن است یک کپی از آن به من بدهید، بنده خیلی خوشحال می‌شوم. ایشان لطف فرموده و گفت: چشم. اتفاقاً فرزندشان آقای مهندس حجت نیز حضور داشت. گفت که من این کار می‌کنم و هفته دیگر کپی آن دست خط را توسط خانم حجت به من رسانند.

دستخط امام

این دست خط سه صفحه‌است که امام آن را به عربی مرقوم فرموده‌اند و در ذیل آن نوشته‌اند: «حرره العبد العاصی المذنب السید روح الله بن السید مصطفی الخُمینی، غفرالله تعالی لهما و جزاهما و اخوان المؤمنین جزاءً حسناً فی صبیحه یوم السبت لثلاث بقین من ربيع المولود سنة اربع

دهم شهریور ماه سالروز تدریس فلسفه توسط حضرت امام خمینی بود. این اقدام نوآورانه حضرت امام خمینی (س) از آن جهت قابل توجه است که در آن دوره برخی از متحجرین کتابهای فلسفه را نجس می‌دانستند. به این مناسبت به مرور خاطراتی در این باب پرداخته‌ایم. دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، یکی از شاگردان حضرت امام خمینی بوده است او در دینان اصفهان دیده به جهان گشود. پس از گذراندن علوم مقدماتی در زادگاه خود، به اصفهان رفت و به تحصیلات دینی پرداخت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات، به قم رفته و در سال ۱۳۳۵ هـ ش با پایان دوره سطح، به مدت ده سال در درس فقه و اصول امام خمینی شرکت جست. وی در کنار تحصیل در محضر امام، در محضر اساتید دیگر نیز برای یادگیری دروس مختلف حضور می‌یافت که از جمله آن درس فلسفه علامه طباطبایی است. ایشان علاوه بر تبحر در دروس حوزوی، تحصیلات دانشگاهی نیز دارد و از اساتید دانشگاه در رشته فلسفه است. خاطرات خواندنی زیر به نقل از دکتر دینانی درباره کلاس‌های درس امام خمینی است که می‌خوانید:

به خاطر دارم که در آن روزگار (حوالی سال ۱۳۳۵ شمسی) رسم بر این بود که به هنگام فرا رسیدن تابستان و نیز ماه مبارک رمضان حوزه‌ها تعطیل می‌شد. حضرت امام روز آخر حضور در کلاس بیشتر به گفتن نصایح اخلاقی و مسائل پرجاذبه می‌پرداخت.

موعظه‌های تأثیر گذار امام

در یکی از سال‌ها، امام طبق رسم همیشگی شروع به موعظه کرد که بسیار تأثیر گذار بود. ایشان مطلبی را نقل فرمود که برای بنده بسیار پرجاذبه بود. احتمال می‌دهم که عنوان کردن این مطلب مصادف بود با روزگاری که بعضی از طلاب به طرف ادارات و به سوی زندگی کشیده شده و یا درس حوزه را رها می‌کردند، امام می‌فرمودند: طلاب وظیفه دارند درس بخوانند؛ اگر سختی هم هست باید بمانند و برای کسب معارف دینی سختی‌ها را تحمل کنند.

سپس فرمودند: در سابق که درس اخلاق و معقول می‌دادم در بین شاگردان دو برادر از اهالی همدان بودند که بسیار مستعد و هوشمند و از ذکاوت سطح بالایی برخوردار بودند و مطالب عقلانی به خصوص حکمت متعالیه ملاصدرا را بسیار خوب می‌فهمیدند. پس از مدتی تحصیل در معقول یک روز یکی از این دو برادر نزد من آمد و گفت: آقا در درس فقه و اصول معمول است، طلابی که چندین سال درس فقه می‌خوانند استاد به آنها اجازه اجتهاد می‌دهد گرچه به سن اجتهاد نرسیده باشند؛ آیا در درس معقول و حکمت متعالیه چنین رسمی وجود ندارد؟ در پاسخ گفتم: نه، تا به حال در حوزه‌ها مرسوم نبوده در علم حکمت و یا فلسفه به کسی اجازه‌ای بدهند. اما چون شما دوست داشته و اصرار دارید من برای شما یک چیزی می‌نویسم. بعد شب نشستیم با اینکه خالی‌الذهن بودم؛ بسیاری مطالب موعظه‌آمیز و نصایح اخلاقی و عرفانی در آن اجازه‌نامه نوشتم و یک اجازه‌ای دادم که اینها در علم معقول خوب هستند و به مرتبه قابل توجهی رسیده‌اند و آن را امضا کرده‌ام و به آن دادم. بعد از یکی، دو ماه دیدم که دیگر این دو برادر در درس حاضر نمی‌شوند. با پرس و جو متوجه شدم که از قم هجرت کرده‌اند. مدتی گذشت تا یک روز عصر در خیابان آستانه به طرف حرم می‌رفتم که یک دفعه شخصی به طرف من آمد و دستم را بوسید و احترام زیادی کرد. او کت و شلواری بر تن داشت و عبا و عمامه را

الانسانیه" شیطانی که راهزن طریق انسانیت است. "السالك بأولياته في مهوى جهنم الطبيعة الظلمانية" شیطانی که انسان را در قعر جهنم (جهنم طبیعت) می‌برد؛ یعنی قعر این دنیا جهنم است. جهنم تاریک و ظلمانی؛ یعنی دنیوی بودن محض یک نوع جهنم است. در اینجا وقتی به شیطان اشاره می‌کند در حقیقت یک نوع پراعت استهلال است. جمله‌ای را امام در آخر نامه به آن اشاره فرموده که بسیار هم عجیب است، با اینکه ایشان ۶۰ سال پیش این مطلب را نوشته؛ اما می‌توان اندیشه‌های امام را تعقیب کرد و این یکی از بهترین سندهاست. در پایان نامه نصیحت می‌فرمایند: "ولقد اوصيه بما وصانا" من وصیت می‌کنم به این آقایانی که اجازه‌نامه به آنها می‌دهم. "بما وصانا اساطين الحكمة و المشايخ العظام من ارباب المعرفة" من نصیحت می‌کنم به آنچه که مشایخ من به من نصیحت کردند که اینها مفتون معارف زمان واقع نشود و حقایق را به غیر اهلس یعنی کسانی که اهلیت معارف ندارند، تعلیم نکنند، چرا که مشایخ ما اینطور ما را نصیحت فرموده‌اند: که معارف الهی را به غیر اهلس تعلیم نکنید. "فان هؤلاء السفها" آنهايي که اهلیت این معارف را ندارند "قرائنهم مظلمة" دارای قریحه تاریک هستند "ولا عقولهم مکدره" دارای اندیشه تاریک هستند "ولا یزیدهم العلم و الحکمة الا جهالة و ضلالة" و لا المعارف الحقّة الا خسرا" و حیرة نفوسی که مکدر است و پاک نیست، معارف الهی در آن بیشتر خسران ایجاد می‌کند؛ یعنی نه اینکه هدایت نمی‌کند بلکه خسران هم ایجاد می‌کند؛ "ثم ایاک". حضرت امام با تأکید می‌فرمایند: بر تو باد، بر حذر باش "ایها الاخ الروحاني" ای برادر روحانی "والصديق العقلاني" دوست عقلانی من "و هذه الاشباح المكنوسة المدعون للمتمدن و التحدد" ای دوست عقلانی من وای برادر روحانی، بر حذر باش از کسانی که ادعای تجدد می‌کنند؛ و این اشاره به فرهنگ منحط غربی دارد.

امام و مدعیان تجدد

امام ۶۰ سال پیش چنین اندیشه‌ای داشتند یعنی بر حذر می‌داشتند از "المدعون" کسانی که ادعای تجدد می‌کنند و هم الحمر المستنفة" مثل الاغ‌هایی پراکنده به این طرف و آن طرف هستند. السباع المفترسة" مثل وحشیان درنده و الشیاطین فی صورة الانسان" شیاطینی به شکل انسان هستند. و هم اضل من الحيوان و اذل من الشیطان" از حیوان پست‌ترند و از شیطان گمراه‌تر. و بینهم و لعمر الحقیقه و التمدن بون بعيد بین حقیقت و غربزدگان فاصله بسیاری است. آن استشرقوا استغرب التمدن" اگر اینها جلو بیایند آن تمدن واقعی دور می‌شود و آن استغربوا استشرق" و اگر اینها کنار بروند تمدن واقعی ظاهر می‌شود. به هر حال من خلاصه‌ای از جملات امام را نقل کردم که ان‌شاءالله به یادگار می‌ماند و باز هم عرض کنم با اینکه این مطلب در سه صفحه است اما نیاز به شرح و تفسیر دارد.

ترجمه:

بسم الله الرحمن الرحيم.

خداوند؛ پاک تویی و سیاس می‌گویم، ای که آرزوی عارفین به قله کمال احدیتش نرسد، و اندیشه پویندگان از وصول به کبریای مقدسش کوتاه. عظمتت والا تر از آنکه برای ورود به آن راهی یابد، و اسمائت مبرا از آنکه به دام پندار متفکرین آید.

تورا است احادیث ذاتی در مقام حضرت جمعی و غیبی، و از آن توست واحدیت فردی در

والخمسین و ثلثمائة بعد الالف من الهجرة القدسية النبوية - صلى الله عليه و آله. "صحيفة امام، ج ۷ ص ۷ این دست خط حدود ۶۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۵۴ هجری قمری [۱۳۱۴ ش] که اکنون سال ۱۴۱۹ می‌باشد تحریر شده و به عنوان اجازه در علوم عقلی و عرفانی که تقریباً در آن دوره مرسوم نبوده به آن دو بزرگوار داده شده و امام با اینکه فرموده خالی‌الذهن بودم، اما مواظف فراوانی نوشته‌اند. مطالبی در این اجازه‌نامه موجود است که تفسیر آن، خود کتابی در حدود ۵۰۰-۴۰۰ صفحه احتیاج دارد. مقدمه‌ای بسیار عارفانه و حکیمانه دارد که هر جمله‌اش قابل شرح و تفسیر است. امام اجازه‌نامه را چنین آغاز فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانک اللهم و بحمدک یا من لا یرتقی الی ذروة کمال احدثه آمال العارفین، و یقصر دون بلوغ قدس کبریائه افکار الخاضعین. جلت عظمتک من أن تكون شریعة للواردین، و تقدست اسمائک من أن تصیر طعمة لأوهام المتفکرین. لک الاحدیة الذاتية فی الحضرة الجمعية و الغیبیة، والواحدیة الفردیة فی التجلیات الاسمائیة و الاعیانیة، فأنت المعبود فی عین العابدیة. و المحمود فی حال الحامدیة. "صحيفة امام، ج ۱ ص ۳

امام در اوج مطالب عرفانی این مسائل را مرقوم نموده‌اند: فأنت المعبود فی عین العابدیة" یعنی پروردگارا تو در عینی که معبودی، عابد هم خود هستی. "والمحمود فی حال الحامدیة" در عین اینکه محمود هستی حامد نیز هستی "و تحمدک اللهم بالسنک الذاتية فی عین الجمع و الوجود علی الآتک المتجلیة فی مرائی الغیب و الشهود، یا ظاهراً فی بطونه و باطناً فی ظهوره. و نستعینک و نعوذ بک من شر الوسواس الخناس، القاطع طریق الانسانیة، السالك بأولياته فی مهوى جهنم الطبيعة الظلمانية". کلمه "جهنم" را که ایشان به کار برده و اصطلاح عرفا و اهل حکمت به معنای جهنم و جهنم یعنی چاه عمیق چاه، چاه بی سروه و بی انتها. اهدنا الصراط المستقیم الذی هو البرزخیة الکبری و مقام احدىة جمع الاسماء الحسنی.

این عبارت ها هر کدام بسیار پرمعنی است. اما نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم اینکه امام فرمود: بنده خالی‌الذهن بودم اما مطالبی را نوشته‌اند که بسیار عارفانه است و حالت مناجات و دعا دارد؛ در عین حال که عرفانی است. مطالبی در ضدیت با غرب هم دیده می‌شود آنجا که می‌فرمایند: "ونستعینک و نعوذ بک من شر الوسواس الخناس" از شر خناس، یعنی شیطان بزرگ. القاطع الطريق

به ریاستهای ظاهری دنیا صرف کرده تدبیر و اندیشه را بر آن بگماری که مقام شیاطین است؛ بلکه حتی پوسته و ظاهر عبادات را نیز منظر نظر قرار نده، و نه اخلاق معتدل یا نیکو را، و نه فلسفه کلیه یا مفاهیم مبهم را، و نه شیوایی گفتار ارباب تصوف و عرفان ظاهری و نظم کلام ایشان را، و نه غرش رعد اهل خرقه و آذرخش ایشان [که ادعای رگبار معارف دارد] هیچ کدام را در برابر چشمانت قرار نده، که همه آنها حجابی است اندر حجاب و ظلماتی است انباشته بر هم و صرف کوشش در آنها مرگ و هلاکت است و چنین کاری زیان آشکار و محرومیت ابدی و ظلمتی است بی پایان. بلکه همت تو باید در همه حرکات و سکنات و اندیشه و فکرت در توجه به خداوند متعال و ملکوت او باشد، چرا که به سوی خدای متعال مسافری و ممکن نیست در این سفر با قدم نفس راه پیمودن، پس چاره‌ای نیست جز آنکه با قدم خدا و رسول سفر کنی که مهاجرت از سرای نفس با گامهای آن توان. پس تا هنگامی که با قدم نفس ره می‌سپاری، هنوز از دیار نفس خارج نشده و به سفر نپرداخته‌ای، در حالی که می‌دانی که مسافری غریبی.

و این وصیتی است به نفس سنگدل تاریک بیکاره خویش و وصیتی است به دوست موقم صاحب خردی با بینشی درخشان در علوم ظاهری و باطنی و نظری دقیق در معارف الهی، دانشمند خردمند نکته‌سنج روحانی آقامیرزا جواد همدانی که خداوندش به نهایت آمال برساند.

ادامه دارد...

پلیدیهای عالم طبیعت پاک و پاکیزه شود- چرا که این مقامی است که لا یَمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۸) جز پاکان را به آن دسترسی نیست- و نیل به این مقصود حاصل نشود جز آنکه آدمی همت در کسب معارف الهی بگمارد و نظر در آیات و اسماء ربوبی منحصر کند به دنبال آنکه انسان شرعی شد بعد از آنکه انسان بشری بلکه طبیعی بود.

پس ای نفس تابع هوا که بر خاکدان زمین جاودانه گرفتاری، از خانه تاریک حیرت‌انگیز هیولانی بیرون آی، و به سوی الله که مقام جمع است و رسولش که مظهر احدیت جمع است (۹) هجرت کن تا مرگ به تأیید خدای متعال تو را دریابد و پاداش تو بر خدا واقع شود که این همانا رستگاری عظیم و بهشت لقاء ذاتی است که نه چشمی را بر آن نظر افتاده و نه گوشی از آن خبر شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است [فوق ادراک بشری است].

ای نفس؛ بدان که تو از مقام جامعیت اسماء و برزخیت کبرا ظهور کرده‌ای و در این دیار غریبه‌ای و چاره‌ای جز بازگشت به وطن نداری، پس وطن خویش محبوب دار که این دوستی از ایمان است چنانکه سید انس و جن فرموده.

بپرهیز و بر حذر باش- خداوند متعال در اولی و اخری یارت باد- از اینکه همت خویش صرف به دست آوردن لذات شهوات حیوانی کنی که این شأن چهارپایان است، یا به چیرگی بر نزدیکان و همانندان پیردازی- اگرچه غلبه در علوم و معارف باشد- که این منزلت درندگان است، یا هم خویش

محمديه را به نهایت رسانده، فیضهای احمدی را پذیرفته (قبض کرده)، با وصف ربوبیت الهی پدیدار شود چنانچه پدرانش با عبودیت آشکار شدند، چرا که عبودیت حقیقتی است که کُنه آن ربوبیت است. آنکه خدا را در ملک و ملکوت جانشین و ائمه کجاوه جبروت را پیشوا، احدیت اسماء الهی را و بعد، آدمی را از دیگر موجودات به واسطه یک لطیفه ربانی و فطرت الهی متمایز کرده‌اند، فطرتی خدایی که آدمیان را بر آن طینت آفرید. و این فطرت- به وجهی- همان امانتی است که در کتاب عزیز الهی مورد اشاره شده اَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ (۷) ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را بر دوش گرفت. و این فطرت همان فطرت توحید خدا در مقامات سه گانه [ذات و صفات و افعال] بلکه فطرت رها کردن همه تعینات و ارجاع همه چیز به او و اسقاط همه اضافات حتی اضافات اسمانی است و فانی کردن همه چیز است نزد او، و هر که به این منزلت نرسد از فطرت خدا خارج شده و در امانت پروردگار خیانت کرده و نسبت به مقام انسانیت و ربوبیت جاهل و به نفس خویش و حضرت حق ستم کرده است.

و نزد اهل دل از سابقین نیک سرشت آشکار است که نیل به چنین جایگاه والا و مرتبه بلندی ممکن نیست مگر با ریاضتهای روحی و عقلی و با اندیشه‌های مقدس قلبی پس از آنکه جان آدمی از

تجلیات اسمائی و اعیانی (۱). پرستیده تویی در حالی که خود می‌پرستی، و پسندیده تویی به هنگامی که می‌پسندی. خداوندا؛ تو را سپاس می‌گویم با زبانهای ذاتی ات که در عین جمع و وجود است (۲) برای نعمتهایت که جلوه‌گر در آینه‌های غیب و شهود است؛ ای که پیدایی هنگامی که پنهانی و نهانی چون هویدا. یاری‌مان کن و پناه‌مان ده از شرّ وسوسه شیطان، آن راهزن طریق انسانی و راهبر دوستان خویش به دره‌های ژرف طبیعت ظلمانی، ما را به راه راست هدایت فرما که برزخیت کبری و مقام جمع اسمای حسناست (۳).

خدایا؛ درود بی پایان فرست بر مبدأ و غایت ظهور و صورت و ماده اصل نور (که هیولای اولی است) و هم او برزخ کبراست چنانچه [دنی] نزدیک شد پس تعینات را رها کرد [فقدلی] و خرامید [فکان] قاب قوسین پس در جایگاه یک کمان کامل با دو قوس وجود و تکمیل دایره غیب و شهود قرار گرفت [او آذنی] یا نزدیکتر از آنکه همان مقام عماء است، بلکه در آن جایگاه هیچ مقامی نیست- بنابر اصح نظریات- (عنقا شکار کس نشود دام باز گیر) (۴).

و خدایا؛ درود فرست بر آل او که ظهور الهی را گشایشگر و نور الهی را نمایانگرند بلکه نور علی نور هم ایشانند، ریشه و شاخه درخت مبارک زیتون و سدره المنتهی [درختی در بالاترین مکان بهشت] هم اوست (۵) و هم او جنس و فصل کوئن جامع و حقیقت کلیه است (۶).

مخصوصاً درود بر آن کسی که ولایت

استاندار قم:

خیزش و بیداری اسلامی، توطئه صهیونیستی اخیر را خنثی کرد



جدید صهیونیسم جهانی برای شعله‌ور ساختن تعصبات صلیبی‌گری میان مسیحیان و مسلمانان دانست و گفت: این اقدام مذموم چهره منفور آمریکایی‌ها را برای جهانیان بیش از پیش رسوا کرده و می‌تواند یک فرصت برای

نشان دادن وحدت میان امت اسلامی باشد. وی در ادامه افزود: منطق بربریت و توحش سران استکبار بی‌تردید بر ضد خودشان تمام شده و این خیزش و بیداری اسلامی و افزایش آگاهی‌های مردم جهان آثار شومی برایشان به همراه خواهد داشت.. موسی‌پور اظهار داشت: امروز توطئه اهانت به قرآن کریم در جهان غرب نیز رنگ باخته و رشد روزافزون گرایش به اسلام و قرآن در میان غربی‌ها به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بسیار گسترده‌تر شده است.

قرمز هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در آمریکا، دفاع از رژیم نامشروع صهیونیستی بوده و آنها در این مسیر حاضرند همه حیثیت خود را هزینه کنند.. موسی‌پور گفت: بر اساس نظریه صهیونیستی تقابل اسلام و غرب پس از فروپاشی کمونیسم، تروریسم دولتی آمریکا حادثه ۱۱ سپتامبر را با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده شکل داده و همه حوادث تروریستی بعضاً عمدی و طراحی شده را پس از آن متوجه مسلمانان افراطی کرده است.. وی همچنین تصریح کرد: آمریکایی‌ها با لشکرکشی نظامی به افغانستان تلاش کردند حضور خود را در مرزهای تمدن‌های چین و ایران مستحکم کرده و از آن برای پیشبرد اهداف اسلام‌ستیزی استفاده کنند. استاندار قم اهانت به قرآن کریم را طراحی

استاندار قم با اشاره به اهانت به ساحت مقدس قرآن کریم، خیزش و بیداری اسلامی را باعث خنثی شدن توطئه صهیونیستی اخیر ذکر کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌پور در ششمین جلسه شورای اداری استان قم افزود: اهانت به معجزه جاودان نبی مکرم اسلام، قلوب همه مسلمانان و موحدان عالم را جریحه‌دار کرد. وی اضافه کرد: این اقدام وقیحانه در حقیقت اهانت به همه انبیای الهی و ادیان آسمانی و جسارت به همه مقدسات و ارزش‌های معنوی، اخلاقی و انسانی است. استاندار قم با بیان اینکه این اقدام جنون‌آمیز یک حرکت خودسرانه و بی‌برنامه نیست خاطرنشان کرد: قطعاً این اقدام حلقه‌ای از زنجیره توطئه‌های مستکبران علیه اسلام و صحنه‌ای از سناریوی اسلام‌هراسی در غرب است.

حجت الاسلام موسی‌پور سیاست‌های دولت آمریکا را در راستای تصمیمات لابی صهیونیستی در غرب عنوان کرد و گفت: خط

رئیس دانشگاه باقرالعلوم:

برای مقابله با تهاجم فرهنگی فقط به کارهای فرهنگی اکتفا نکنیم

وی تأکید کرد: عرصه فرهنگ حوزه بسیار گسترده‌ای است و به همین دلیل دشمن آن را انتخاب کرده است. رئیس دانشگاه باقرالعلوم قم با اشاره به اهمیت جایگاه و نقش مساجد افزود: یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی که می‌توانیم در آن در برابر تهاجم فرهنگی دشمن ایستادگی کنیم، مساجد است و ائمه جماعات نیز در این میان نقش بسیار مهمی دارند. وی افزایش همکاری ستاد عالی کانون‌های مساجد و دیگر نهادهای علمی، فرهنگی و حوزوی را ضروری دانست و گفت: امیدواریم که همه بتوانیم به وظیفه خود در مقابله با تهاجم دشمنان عمل کنیم.

به اینکه باید برای اجرایی شدن این طرح و همچنین جلوگیری از تروج بدحجابی برنامه‌ریزی لازم را داشته باشیم، اضافه کرد: دشمنان امروز تلاش می‌کنند که از این راه وارد شده و به کشور ضربه بزنند. وی با اشاره به وضعیت اسلام در آندلس و توطئه‌هایی که برای برچیده شدن اسلام در این منطقه صورت گرفت، اذعان داشت: باید مراقب باشیم که چنین وضعیتی در هیچ یک از ممالکت اسلامی تکرار نشود. حجت الاسلام ارسطا گفت: برای مقابله با هجمه‌های دشمنان توجه به مسائل فرهنگی ضروری است، ولی نباید فقط به مسائل فرهنگی اکتفا کرد.

خبرگزاری فارس: رئیس دانشگاه باقرالعلوم (ع) گفت: برای مقابله با هجمه‌های دشمنان توجه به مسائل فرهنگی ضروری است، ولی نباید فقط به همین مسائل اکتفا کرد. حجت الاسلام محمدجواد ارسطا با اشاره به اینکه شرایط فرهنگی حساس است، گفت: در شرایط کنونی شاهد هستیم که دشمنان نسبت به دین مبین اسلام و انقلاب اسلامی هجمه‌ای همه جانبه را آغاز کرده‌اند. وی با اشاره به اهمیت توجه همه نهادها و ارگان‌ها نسبت به مسئله حجاب بیان داشت: طرح عفاف و حجاب در کشور باید با جدیت دنبال شود. رئیس دانشگاه باقرالعلوم قم با اشاره

وزیر اطلاعات:

دشمن باراه اندازی کلیسای خانگی در

حال کشاندن مردم به مسیحیت است

حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی در آیین رونمایی از نرم افزار شهدای روحانی در محل دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم گفت: هم اکنون تهاجمات گسترده‌ای در صدر برنامه‌های دشمنان در حوزه دین قرار گرفته و در این راستا ارایه تصویری موهون و غیر سیاسی و اجتماعی از دین و جایگزینی جریانات شبه دینی به جای روحانیت را در دستورکار قرار داده‌اند.

وی اضافه کرد: دشمنان در همین ارتباط برای تهاجم به حوزه دین در صدد تغییر در جمعیت کشور در چشم اندازی ۳۰ تا ۵۰ ساله برای از رقم انداختن اکثریت شیعه هستند.

مصلحی گفت: امروز فرقه گرایی با پشتوانه علمی به نبرد موحدین اسلام آمده و همین فرقه با راه اندازی کلیساهای خانگی سعی در کشاندن شیعیان جمهوری اسلامی به سمت مسیحیت دارند.

وی ادامه داد: این گروه مسیحی قدرت تخریبی بالایی را علیه شیعیان ایجاد می‌کنند که با حوادث طول تاریخ کلیساهای قابل مقایسه نیست.

مصلحی اضافه کرد: عملکرد این گروه برگرفته از صهیونیسم است و قصد دارند جریان شیعی مسیحی و یا صهیونیسم شیعی را ایجاد کنند.

وزیر اطلاعات بار دیگر تأکید کرد: اکنون مهم‌ترین سرمایه‌گذاری دشمن در عرصه دین و فرهنگ متمرکز شده و دشمنان به فکر جایگزینی اندیشه‌ها و تفکرات وارداتی به جای تفکر اسلام ناب محمدی افتاده‌اند.

وی اضافه کرد: دشمنان در همین راستا همچنین سعی در تغییر گروه‌های مرجع فکری و عقیدتی و جایگزین کردن مراجع وارداتی، تسهیل در فرآیند جهانی سازی با هدف تغییر در سبک زندگی و ستاره سازی افراد لائیک به عنوان شخصیت‌های برجسته فکری و حتی هنری دارند.

نرم افزار جامع شهدای روحانی معرفی کننده بیش از سه هزار و ۷۴۰ شهید روحانی و اولین نرم افزار جامع در این زمینه محسوب می‌شود که با حضور وزیر اطلاعات رونمایی شد.

تلویزیون بی بی سی و ماجرای ۲۸ مرداد

گری در امور رسانه‌است، ابراز تاسف کرد و گفت که با مصاحبه پخش شده در بی بی سی از سوی مازیار بهاری (از متهمان فتنه اخیر) داشته است در حالی که وی خود را خبرنگار رسانه‌ای داخلی معرفی کرده بود.

این استاد دانشگاه در خصوص شبکه دولتی بی بی سی و ماجرای ۲۸ مرداد، متنی را در اختیار نشریه بعثت قرار دادند که خلاصه‌ای از آن را با هم میخوانیم:

در برنامه بی بی سی به سکوت برگزار شد.

تهمت‌های بی بی سی به آیت الله کاشانی

بی بی سی که به گمان خود توانسته است مداخله بریتانیا در امور داخلی ایران و ایستادگی سرسختانه آیت الله کاشانی و نمایندگان هوادار نهضت ملی ایران در برابر آن را از ذهن بینندگان این برنامه دور ساخته و ادعای کودتا را جا بیندازد در پایان این برنامه دست به ترور شخصیت آیت الله کاشانی زده و چند تهمت خلاف واقع دیگر را در باره وی مطرح کرده است؛ نخست آنکه ادعا کرده است «مأموران سپاه سعی کردند ۱۰ هزار دلار به کاشانی برسانند ولی کسی نمی‌داند برسر آن پول چه آمد» و چون از نسبت دادن چنین اتهامی به آیت الله کاشانی نگران است با عباراتی چون «سعی کردند» و یا «کسی نمی‌داند برسر آن پول چه آمد» کوشش در نشان دادن بیطرفی خود در نقل این افترا می‌کند. بی بی سی از منبع این افترا به خوبی آگاه است ولی اشاره‌ای به آن نمی‌کند. اگر چه منزلت آیت الله کاشانی که در زندگی خود پنجه در پنجه سیاست‌های سلطه جویانه بیگانگان انداخت و بارها از سوی عوامل داخلی بیگانگان دچار حبس و تبعید شد بالاتر از آن است که اینگونه افتراها نیاز به پاسخگویی داشته باشند ولی از آنجا که بی بی سی این برنامه را پنج بار بازپخش کرد ناگزیر به منبع این شایعه سازی اشاره می‌کنم. مارک. گازیورسکی که یک آمریکایی لهستانی الاصل و از مسائل تاریخ معاصر ایران بی اطلاع است در راستای تبلیغ سیاست‌های بریتانیا در نوشته‌ای زیر عنوان «کودتای ۲۸ مرداد» این ادعا را مطرح کرد. سرمایه این شخص از رویدادهای پیچیده تیر و مرداد سال ۱۳۳۲ در ایران همین نوشته است که در آن انبوهی از غلط‌های تاریخی به چشم می‌خورد. او به زبان فارسی آشنا نیست و هنگامی که من در دیداری با او که به درخواست وی در سال ۱۳۸۰ انجام شد پاره‌ای از غلط‌های تاریخی آشکار نوشته او را یاد آور شدم پاسخ او این بود که اگر من این اشتباهات تاریخی را در نوشته خود آورده‌ام تقصیر شماست که تاریخ نهضت ملی ایران را ننوشته‌اید و من دچار این اشتباهات شده‌ام! این هم استدلال این آقای مورخ بی بی سی در نگارش پیچیده ترین رویداد تاریخ معاصر کشورماست. شرم حضور مانع از این بود که به او بگویم شما که زبان فارسی و تاریخ ایران را نمی‌دانید چگونه به خود اجازه داده‌اید اینگونه گستاخانه درباره رویدادهای نهضت ملی ایران قلم فرسایی کنید.

در کنفرانسی که سال بعد در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد برگزار شد این جناب مورخ باردیگر کوتاه شده‌ای از مندرجات همان مقاله خود را تکرار کرد البته به خود اجازه نداد چنین افتراهایی را علیه آیت الله کاشانی تکرار کند. ولی آقای دکتر مجید تفرشی که در این کنفرانس حضور داشت شرم حضور را کنار گذارد و پس از پایان سخنان گازیورسکی درباره شایعه سازی وی در باره آیت الله کاشانی پرسشی را مطرح کرد. آقای دکتر تفرشی این پرسش و پاسخ را در ضمن مقاله‌ای در روزنامه شرق ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴ منتشر کردند که بخشی از آن را عیناً نقل می‌کنم: «در تابستان سال ۲۰۰۲ - ۸۱ همایشی با همت آقای گازیورسکی در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد برگزار شد که

دکتر سید محمود کاشانی استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است، اخیراً شبکه تلویزیونی BBC، برنامه‌ای یک ساعته در خصوص وقایع کودتای ۲۸ مرداد پخش کرد که مصاحبه با دکتر کاشانی بخشی از این برنامه بود.

دکتر کاشانی که از مصاحبه‌اش با بی بی سی بی اطلاع بود و از اقدام غیر حرفه‌ای و غیر اخلاقی این شبکه ماهواره‌ای که مدعی حرفه‌ای

اطلاع رسانی است نمی‌باشد

روشن نیست وطن پرستی مصدق از دیدگاه مأمور اطلاعاتی انگلیس چه معنی و مفهومی دارد ۲- آقای «سام فال» که در سال‌های ۳۰ و ۳۱ مأمور اطلاعاتی انگلستان در ایران بوده است در این برنامه، مصدق را یک وطن پرست ایرانی معرفی می‌کند. روشن نیست وطن پرستی مصدق از دیدگاه آقای سام فال چه معنی و مفهومی دارد. نخست وزیری که بیشترین قانون شکنی‌ها را در کارنامه ۲۹ ماهه نخست وزیری خود به ثبت رسانده و به حزب غیر قانونی و منحل توده اجازه داده است دست به فعالیت‌های سیاسی بزند چگونه می‌تواند وطن پرست باشد. آقای سام فال برای اینکه این تضاد را برطرف کند می‌افزاید: «مصدق حزب توده و فعالیت آن را نادیده می‌گرفت». این در حالی بود که این حزب وابسته به شوروی بود و پاره‌ای از سران آن نیز با انگلستان ارتباط داشتند. مصدق با وجود اعتراضات شدید پیشگامان نهضت ملی ایران وارد یک ائتلاف پنهانی با حزب توده گردید و راه را برای فعالیت‌های ویرانگر این حزب باز کرد. سرانجام این حزب به صورت نیرومند ترین گروه سازمان یافته در صحنه سیاسی کشور ظاهر شد و توانست به گونه گسترده در نیروهای مسلح کشور که زیر کنترل مصدق بودند نفوذ کند. در همین حال مصدق شدیدترین فشارها را روی احزاب و گروههای مذهبی و ملی که پایگاه اصلی نهضت ملی ایران و پشتوانه اصلی قانون ملی کردن نفت در ایران بودند وارد می‌کرد. انگلستان از این راه توانست مردم ایران را از به قدرت رسیدن حزب توده به وحشت اندازد و زمینه براندازی نهضت ملی ایران را فراهم کند واز سوی دیگر دولتمردان آمریکایی را که تا مدتی با نهضت ملی ایران همسویی نشان می‌دادند به دلیل نگرانی از به قدرت رسیدن حزب توده در ایران و گسترش سلطه شوروی براین بخش از خارمیان به رویارویی با نهضت ملی ایران بکشاند. ولی این واقعیت‌های تاریخی که مستندات فراوانی برای آن‌ها وجود دارد در بی بی سی با پنهان کاری همراه بود.

۳- آقای «ملکم برن» مدیر مرکز ملی آرشیو امنیتی آمریکا در این برنامه در زمینه مقالاتی که علیه مصدق منتشر می‌شد و از انتقادهایی که نسبت به قانون شکنی‌های او انجام می‌گردید با نام «سیاه نمایی» یاد کردند. در آن دوران روزنامه نگاران شجاعی چون ابوالحسن عمیدی نوری حقوقدان برجسته و مدیر روزنامه «داد» و دانش نویخت مدیر روزنامه «سیاست ما» و پاره‌ای دیگر از روزنامه نگاران که با فشارهایی از سوی دولت مصدق روبرو بودند و به زندان نیز انداخته شدند از اقدامات خلاف قانون اساسی مصدق انتقاد می‌کردند. برای من روشن نیست آقای ملکم برن که با اینگونه نقدهای سیاسی در کشور خود آشنا می‌باشند چگونه به انتقادهای روزنامه نگاران ایرانی از اقدامات خلاف مصالح ملی مصدق بر چسب سیاه نمایی می‌زند. البته اعتراضات به اعمال مصدق به این روزنامه نگاران محدود نبود. نمایندگان شجاع مجلس هفدهم نیز در برابر انحراف‌های مصدق شدیدترین اعتراضات را کرده و جان خود را به خطر انداختند ولی اعتراضات مشروع آنان که برگ‌های درخشانی از کارنامه نمایندگان مجلس هفدهم در ایستادگی در برابر مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران بوده است نیز

سیمای جمهوری اسلامی ایران در سالروز ۲۸ مرداد از برگزاری میزگرد سیاسی و انجام بحث‌های تاریخی در زمینه رویدادهای تیر و مرداد سال ۱۳۳۲ خودداری کرد. این در حالی است که مردم ایران علاقه فراوان دارند از شیوه مداخله بیگانگان در آن دوران که به ناکامی نهضت ملی ایران و از دست رفتن هدف‌های ارزشمند آن انجامید آگاهی به دست آورند. جای خالی این بحث‌ها در صدا و سیما را بخش فارسی تلویزیون بی بی سی پر کرد. این شبکه در این روز در یک برنامه یک ساعته که حداقل پنج بار بازپخش شد توانست سناریوی خلاف واقع خود را در ذهن بینندگان این رسانه در ایران و سراسر جهان جای دهد. جوهر برنامه تدوین شده از سوی بی بی سی، اسطوره سازی از مصدق و پنهان کردن نقش بریتانیا در مداخله در امور داخلی کشور ما در براندازی نهضت ملی ایران بود. در همین جا یادآور می‌شوم سخنان محدودی که در این برنامه از من پخش شد در گفتگو با بی بی سی فارسی نبوده است.

با مازیار بهاری که خود را خبرنگار رسانه‌های داخلی معرفی کرد، مصاحبه کردم نه با بی بی سی

آقای مازیار بهاری (از متهمان فتنه اخیر) که در تدوین این برنامه با بی بی سی همکاری داشته است روز ۱۸ دی ۱۳۸۶ حدود یک سال پیش از آغاز به کار بخش فارسی بی بی سی گفتگویی در زمینه رویدادهای ۳۰ تیر و ۹ اسفند ۱۳۳۱ و تیر و مرداد ۱۳۳۲ با من انجام داد ولی نکات اصلی و کلیدی آن گفتگو در این برنامه بازتاب نداشت. در این نوشته کوتاه فرصت ارائه تحلیل‌های تاریخی کاملی از برنامه پخش شده از سوی بی بی سی وجود ندارد و تنها به چند نمونه از موارد خلاف واقع آن بسنده می‌کنم.

۱- بی بی سی در این برنامه مصدق را پیشگام اندیشه ملی کردن نفت در ایران معرفی می‌کند و مدعی شد مصدق پس از رسیدن به نخست وزیری نفت را ملی کرد. این در حالی است که قانون ملی کردن نفت در ۲۴ اسفند سال ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند همان سال در سنا به تصویب رسید و مصدق روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰ با رأی تمایل مجلس و فرمان شاه نخست وزیر شد. از سوی دیگر در مبارزاتی که برای استیغای حقوق ایران از منابع نفت جنوب آغاز گردید مصدق کمترین نقشی نداشت. در تیر ماه سال ۱۳۲۸ که دولت ساعد زمینه چینی گسترده‌ای برای تصویب لایحه الحاقی در مجلس می‌کرد و شرکت نفت انگلیس می‌خواست با افزودن ارقام اندکی بر درآمدهای نفتی ایران قرارداد سال ۱۳۱۲ را تا پایان دوره آن تثبیت کند با ایستادگی سرسختانه آیت الله کاشانی و نمایندگان اقلیت در مجلس روبرو بود. مصدق در نامه‌ای که در ۳۰ تیر ۱۳۲۸ به مجلس نوشت به نمایندگان اندرز داد با دستکاری کوچکی در این لایحه، اصل آن را بی‌پیرند ولی نمایندگان اقلیت مانع از آن شدند این لایحه به رأی گذارده شود و اندرز مصدق به نمایندگان دوره ۱۵ مجلس سودی برای شرکت نفت انگلیس نداشت.

در سال ۱۳۲۹ نیز که تلاش گسترده‌ای برای ملی کردن نفت از سوی آیت الله کاشانی و گروه نمایندگان پیشگام نهضت ملی ایران آغاز شد مصدق همچنان طرفدار لایحه الحاقی بود و حتی حاضر نشد طرح ملی کردن نفت را که آیت الله کاشانی و یاران او در ۱۵ آبان ۱۳۲۹ امضاء کردند، امضاء کند. مصدق تنها در آذر ۱۳۲۹ که لایحه الحاقی در مجلس مردود اعلام شد برای آنکه از کاروان ملی کردن نفت عقب نماند طرح ملی کردن نفت در ایران را امضاء کرد. البته از بی بی سی که در مقام ستایش از مصدق است نباید انتظار داشت این واقعیت‌های تاریخی را بیان کند ولی اظهارات خلاف واقع هم در شأن رسانه‌ای که مدعی رعایت ضوابط حرفه‌ای

من نیز به عنوان مستمع در آن حضور داشتم. مقاله ارائه شده توسط آقای گازیورسکی در این همایش نسخه کم و بیش مشابهی از همان مقاله قدیمی او بود. در آن نشست عمومی من سؤال بسیار ساده و مدرسه‌ای را به طور علنی و در حضور همه از منظر آکادمیک و به عنوان یک کنجکاوی تاریخی از آقای گازیورسکی پرسیدم. سؤال من که هنوز یادداشت مکتوب آن را دارم دقیقاً این بود: مطالب امروز شما تقریباً مشابه مقاله‌ای بود که ۱۵ سال پیش منتشر کرده‌اید. فرض کنید یک دانشجوی شما تحقیق ساده‌ای را به عنوان تکلیف درسی بشما ارائه کند و طی آن افراد مختلفی را به ارتکاب اعمال منفی گوناگونی متهم سازد و ضمناً بگوید که این اتهامات براساس منابع مهمی است ولی این منابع قابل شناسایی و پیگیری نبوده و او نمی‌تواند رفرانس‌های مقاله‌اش را بشما نشان دهد و شما مجبورید این ادعاها را بدون ارائه اسناد و مدارک بپذیرید. آیا ممکن است شما این مقاله را بپذیرفته و نه نمره عالی بلکه حتی نمره حداقل قبولی بدهید؟

چنین دروغ‌هایی فقط در بی بی سی قابل پخش بود

آقای گازیورسکی، ادعای مالی و سیاسی که شما در مورد برخی از چهره‌های سیاسی ایران مطرح کرده‌اید اگر در مورد هموطنان آمریکایی شما بود تا کنون موجب افتتاح ده‌ها پرونده قضایی علیه شما و منابع ناشناخته شما می‌شد و احتمالاً به حیات حرفه‌ای شما خاتمه می‌داد. شما ۱۵ سال است که این ادعاها را بدون ارائه مدرک دقیق مطرح می‌کنید فکر نمی‌کنید که اکنون وقت آن رسیده یا ادعاها را پس بگیرید و یا منابع سری شفاهی یا مکتوب خود را افشاء کنید؟

آقای گازیورسکی از این سؤال به خصوص از جانب یک دوست، شدیداً ناراحت شدند ولی در نهایت بدون هر گونه پاسخگویی صریح و حتی غیر مستقیم، تنها به من فرمودند: بله حرف شما از نظر حرفه‌ای و متدلوژیک درست است و این از مشکلات و نقاط ضعف تاریخ نویسی براساس اسناد و منابع امنیتی است. اینگونه منابع قابل افشاء نیستند و البته کاری هم نمی‌شود کرد.

آقای گازیورسکی با اعتراف به اینکه کار او خطاست برای موجه جلوه دادن اقدام مجرمانه خود، آن را تاریخ نویسی براساس اسناد و منابع امنیتی بر می‌شمرد. این به معنی آن است که اشخاص بتوانند هر گونه تهمت و افترا را به دیگران نسبت دهند و در دفاع از خود بگویند کارمن تاریخ نویسی امنیتی است! از چنین اشخاص بی‌مایه‌ای که از اخلاق انسانی و ارزش‌های والای تاریخ نگاری بهره‌ای نبرده‌اند انتظار پای بندی به اخلاق و رعایت احترام قلم بیهوده است. ولی بی بی سی که یک رسانه دولتی است چگونه به خود اجازه انتشار و پخش این دروغ پردازی‌ها را داده است؟

و اما در بخش پایان این برنامه با نشان دادن خانه مصدق که به دلیل حملات مردم آسیب دیده بود با عبور از واقعیت‌های هجوم مردم به خانه مصدق، دست به جعل تاریخ زده و با نشان دادن خانه آسیب دیده وی می‌افزاید «فردای روز کودتا آیت الله کاشانی از خانه تخریب شده مصدق دیدن کرد». این هم دروغ تاریخی دیگری است که نویسنده سناریوی بی بی سی برای جانداختن آن فیلمی را که در آن آیت الله کاشانی و آقای دکتر مظفر بقایی و آقای شمس الدین قنات آبادی در کنارایشان ایستاده‌اند با یک دریچه کاملاً محدود و بسته نشان داد. اولاً روشن نیست این فیلم مربوط به خانه مصدق است یا ساختمان دیگری و ثانیاً اگر خانه مصدق باشد به احتمال قوی مربوط به دیدار آیت الله کاشانی و همراهان وی در سال ۱۳۳۰ از مصدق باشد و در هر حال، همین فیلم هم دروغ بودن این ادعا را به

روشنی نشان می دهد. زیرا آن بخش از این ساختمان که آیت الله کاشانی و همراهان وی در کنار آن ایستاده‌اند کاملاً سالم و عاری از هرگونه آسیبی است و از همین رو بی بی سی این منظره را با دریچه کاملاً بسته نشان داد تا واقعیت آشکار نشود.

بی بی سی مسائل اصلی نهضت ملی ایران را سانسور کرد

نوشته خود را کوتاه می کنم و به دیگر بخش های خلاف واقع این برنامه نمی پردازم. ولی به این واقعیت تاکید می کنم که در این برنامه مسائل اصلی

دوران نهضت ملی ایران سانسور شده اند. در این برنامه از تصویب نامه دولت مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۱ که با مداخله در روند انتخابات از برگزاری آن در ۳۳ حوزه جلوگیری کرد و در همان هنگام از سوی شادروان عمیدی نوری در باره آن اعلام جرم شد هیچ سخنی به میان نیامد. از تجاوز مصدق به اصل تفکیک قوا که جوهر مشروطیت است و گرفتن اختیارات قانونگزاری به مدت یک سال و نیم از دوره دو ساله مجلس هفدهم هیچ سخنی به میان نیامد. و سرانجام بی بی سی اقدام خلاف قانون

تعطیلات، افزایش یا ضرورت کاهش؟!

عموم مردم سخت نگران باشد و چند روز از این تعطیلات کم کند. روزی را روز شادی یا روز عزا دانستن با تعطیل کردن مراکز دولتی و از کار انداختن چرخ و محور پویایی سراسر کشور ملازمه ندارد. می توان شاد بود و یا اندوهگین بود و بر سر کار بود و برای عموم مردم کار کرد - ثواب کدامیک بیشتر است؟ به بهانه شادی یا اندوه در خانه نشستن و کار عموم را وانهادن یا باداشتن شادی و اندوه برای همه مردم کار عام‌المنفعه انجام دادن؟ پیشوایان ما علیهم السلام که خود جوهره و تجسم تلاش و کار بودند با کدامیک موافقت و از کدامیک خرسندتر؟! به خاطر داشته باشیم که شماری از این تعطیلات در دو سوی یک یاد و روز کاری رخ می دهند و آن روز کاری (بین‌التعطیلین) هم متاسفانه از کارایی و سودمندی می افتد. بسیاری از بیماران بخاطر همین تعطیلات ممتد بیمارستانها، بیماریشان شدیدتر و وخیم تر می شود و گاه به مرگ می انجامد. دانشگاهها- این مراکز اندیشه ساز - از یک هفته به نوروز تعطیل می شوند و در نیمه دوم یا دهه سوم فروردین آغاز بکار می کنند و از نیمسال دوم تحصیلی بسیار کاسته می شود. تعطیلی آموزش و پرورش - بزرگترین

رهبر معظم انقلاب بارها به شورای عالی انقلاب فرهنگی می فرمودند تعطیلات در این کشور بیش از حد است، آن را کم کنید، اما به هر دلیل در دولتهای پیاپی این کار انجام نشد. راستی که مدت بیست و پنج روز از روزهای کاری یک کشور را تعطیل و چرخ تلاش و فعالیت آن را پنجر کردن با کدام سنت اسلامی سازگار است؟! مراکز دولتی را که محور چرخش و تلاش و پویایی سرتاسر کشور است بیکارکردن و به کارمندان حقوق پرداختن و - با آن که بسیاری از آنها مایل به تعطیل نیستند - آنها را از فعالیت فراگیر برای مردم بازداشتن با کدام مجوز شرعی همراه است؟ کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته را بنگریم عموماً زیر ده روز تعطیلات دارند. برخی از آنها شش یا هفت روز!!

هر روز تعطیلی در واقع کاستن از سرمایه ملی و از بیت المال عمومی است و این چیزی نیست که دولتی به هر بهانه واهی و به گراف بتواند در آن تصرف کند، این بیت المال مسلمین است و هیچکس حق ندارد به هوای دل خویش به این حق عموم مسلمانان تعرض نماید. مجلس محترم هم می بایست در باب این بیت المال و این حق مسلم

اساسی مصدق را در منحل کردن مجلس شورای ملی دوره هفدهم را که با یک رفتارندوم نمایشی و با توسل به زور و کشتن بی گناهان انجام شد و زمینه ساز سقوط نهضت ملی ایران گردید در این برنامه با سکوت کامل برگزار کرد. ذینفع مستقیم اقدامات و قانون شکنی های مصدق انگلستان و آمریکا بوده اند که توانستند با منحل کردن مجلس و فروپاشی نهضت ملی ایران قرارداد کنسرسیوم نفت را در مهر ماه ۱۳۳۳ به کشور ما تحویل کنند. اسناد منتشر شده شورای روابط خارجی آمریکا مربوط به

وزارتخانه با صدها هزار معلم و با نزدیک به پانزده میلیون دانش آموز - به مدت بیش از دو هفته، سرتاسر کشور را فلج می کند و واقعا باید فکری برای آن کرد. دادسراها و دادگاهها، تا آنجا که من مراجعه داشته ام، عموماً ساعت ۱۴ تعطیل می کنند، حال بر این مقدار وقت، این تعطیلات انبوه را هم بیفزاییم می بینیم انبوهی از پرونده ها تلنبار می شود - و شده است -! اخیراً چند سال است دولت در ماه رمضان از هر روز کاری سه ساعت کم کرده است و نمی دانم این مقدار کاستن از کار کارمند دولت، و در واقع از بیت المال، چه توجیه شرعی دارد؟ همه می دانیم که کارمندان ادارات عموماً در سایه و در زیر کولر کار می کنند، کار اداری هم عموماً دستی و فکری است آیا رواست که در چنین محیطی و با چنین کاری یکباره سه ساعت از وقت رسمی و قانونی میلیونها کارمند در روز کم کنیم و هشت ساعت کار را - با در نظر گرفتن حدود یک ساعت نماز و دعای بعد از نماز - به چهار ساعت کاهش دهیم؟! آن هم در سالی که از سوی رهبر معظم انقلاب سال همت مضاعف و کار مضاعف اعلام شده است؟! آری برخی از کارهایی که در زیر آفتاب انجام می گیرد یا کارهای بدنی دشوار - آن هم نه برای کسانی

آبروی نظام و مردم از آبروی آنان مهمتر است؟

هیچ ندارد) آثار سویی را متوجه انقلاب و درجه اعتماد عمومی مردم به نظام نمی کند؟ متأسفانه ملاحظات غیر موجه، اطلاع رسانی نیمه شفاف، عدم برخورد لازم با تخلف و اعلام اسامی متخلفین و... سال هاست که ضربه هایی را که باید به افراد ناسالم وارد شود تا در نتیجه، سلامت نظام اداری و اقتصادی ضمانت بیشتری پیدا کند، به بدنه نظام اسلامی وارد آورده و آنها که به نظام ضربه زده اند به خاطر همین اطلاع رسانی، از مجازات فرار کرده و یا اگر هم مجازات شده اند به گونه ای نبوده است که موجب تثبیه مفسدین و متخلفین شود. فکر می کنم بهتر است منظور خود را با ذکر یکی دو مثال روشن تر بیان کنم:

وقتی مثلاً می گوییم یکی از معاونان وزیر موجب آزار و اذیت یک دختر شده است و پرونده او در فلان مرحله قرار دارد و حاضر نمی شویم بگوییم آن فرد چه کسی بوده، ضربه ای را که باید به یک فرد فاسد در درون سیستم اجرایی وارد بیاوریم با عدم افشای او به نظام وارد می کنیم. اینجا و آنجا همه جا می گویند که یک معاون وزیر جمهوری اسلامی به یک دختر تجاوز کرده است. یعنی آبروی آن فرد را مقدم بر آبروی نظام قرار داده ایم. همه جا درباره فساد در درون حاکمیت صحبت می کنند و ضربه اش به نظام می خورد.

در مباحث اقتصادی این حالت به مراتب بدتر است. چرا که فساد یک مقام اجرایی و مثلاً هتک حرمت یک دختر، دامنه و دایره محدودی دارد و با مجازات فرد فاسد و اعاده حیثیت از آن شهروند، حتی اگر گفته هم نشود خسارتی به نظام و جامعه وارد نمی آید اما زد و بند در فلان قرارداد نفتی، رشوه فلان مقام مسئول، سوءاستفاده فلان شخصیت اجرایی یا تقنینی و یا روحانی و... آسیب هایی را متوجه جامعه و باورهای مردم می کند.

همچنانکه حادثه ای نظیر کهریزک خسارات سیاسی فراوانی را متوجه نظام اسلامی کرده و می کند. در اینجا وظیفه و تکلیف است که ابتدا به فکر رفع اتهام از نظام باشیم وگرنه اینکه بگوییم اگر عده ای به مردم بی گناه حمله کردند و به آنها ظلم روا داشته اند و ما برای حفظ حرمت آنان از گفتن نامشان پرهیز می کنیم اما دستگاه قضایی به کار خود با قاطعیت ادامه می دهد و ... نه دردی را دوا می کند و نه جامعه را قانع می کند و نه توجیه درستی به حساب می آید. یعنی آبروی افراد متخلف از آبروی نظام اسلامی مهمتر است؟!

در مورد مفاسد اقتصادی نیز تا به حال نحوه اطلاع رسانی ما به گونه ای بوده است که بیشترین خسارت آن را نظام اسلامی و مردم پرداخته اند بدون آنکه خسارت چشمگیر و یا مجازات بایسته و شایسته و بازدارنده ای نصیب متخلفین شده باشد. در همین مورد اخیر بالاخره سالهاسست که با مشکلی به نام مطالبات معوق روبرو هستیم. در موارد بسیاری هم آنها که وام کلان گرفته اند معرف صاحب نفوذ و گردن کلفت و کلانی هم داشته اند، می توان از همین ۸۴ نفر و یا از همین ۴۳ نفر شروع کرد. پرونده های آنان در بانک موجود است. چه کسی آنها را معرفی کرده است؟ وام را برای چه کاری و چرا گرفته اند؟ وثیقه آنها چه بوده؟ چه کسی پرداخت این وام را و چرا تصویب و چگونه پرداخت کرده است؟ و... اینکه کار سختی نیست؟ چاپ پرونده وام اشخاص حقیقی و یا حقوقی بدهکار کلان بانکی، آن هم آنها که هر کدام حدود صد میلیارد تومان بدهی دارند، اعلام اسامی معرفین آنها و صورتجلسه تصویب وام مذکور و طرح توجیهی مربوطه مگر چقدر وقت و زمان می خواهد؟ مگر چه چیز محرمانه ای در آن است که ممکن است امنیت ملی و یا امنیت سرمایه گذاری را

سال های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ نیز به روشنی گویای دخالت مستقیم این دو کشور در منحل کردن مجلس هفدهم هستند. دلیل این سانسور و پرده پوشی هم روشن است اگر این واقعیت های تاریخی بیان شوند دیگر چگونه می توانند از مصدق اسطوره بسازند. بریتانیا باید به اسطوره سازی از مصدق پایان بخشد و مداخله خود در امور داخلی ایران را که به بهای ناکام ساختن نهضت ملی ایران و محروم ساختن ملت ایران از دستیابی به هدف های ارزشمند آن تمام شد بپذیرد.

که نمی توانند روزه بگیرند - بصورت استثنائی و سنجیده و برحسب مورد می تواند کاهش پیدا کند. این راه همه گفته اند - و درست هم گفته اند - که به هر دلیل میزان کاری که باید در این ادارات انجام بگیرد، انجام نمی گیرد. اندکند کارمندانی که ساعات موظف خود را دقیق و کامل و با کیفیت خوب انجام دهند - و این رسم عموماً مولود سوءمدیریت عمومی است - در حالی که در کشورهای سامان مند و منضبط، از تمام ساعات موظف کارمند استفاده مطلوب می برند. حال آیا روا است که همین مقدار ناچیز را هم کاهش دهیم و بیت المال همگانی را ضایع کنیم؟! هر کدام از این موارد نیاز به بررسی و واکاوی دقیق و همه جانبه و دادن راهکار عملی دارد و سپس عزمی جدی از سوی مسئولان اجرایی که یکایک آنها را پیاده کنند.

باری اکنون انتظار بلکه تقاضای جدی این است که باتوجه به نکات کوتاه یادشده موضوع را همه جانبه بررسی کنند و نه تنها بر روزهای تعطیلات نیزافزایند بلکه چند روز هم از آن کم کنند و از ساعات ماه رمضان هم، بجز موارد استثنائی یادشده، بیش از یک ساعت در روز نکاهند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی

در کشور به خطر بیندازد که اطلاع رسانی در این باره را ناممکن کرده است؟ به چه حقی و چرا نظام اسلامی و منافع مردم خوب و مظلوم این سرزمین را سپر بلای متخلفینی می کنیم که با حرکت و عمل و نوع مدیریت و اداره خود، موجب بروز مشکلاتی از این دست برای جامعه و اقتصاد کشور می شوند؟ سالهاسست که مبارزه با مفاسد اقتصادی به عنوان یکی از اصلی ترین وظایف نظام تعیین شده و رهبری انقلاب با صراحت از همه عوامل اجرایی و قضایی و امنیتی و مجلس و دولت و قوه قضائیه خواسته اند تا بدون مسامحه این مبارزه را جدی بگیرند اما آنچه که می گذرد و بویژه تا زمانی که ما منافع انقلاب و مردم را بر منافع افراد مقدم ندانیم و به بهای ریخته شدن آبروی نظام به فکر حفظ آبروی افرادی باشیم که به منافع فراوان فردی رسیدند و حال حاضر نیستند دین خود را به مردم رسدند، این مبارزه به جایی نخواهد رسید.

سخن آخر در این باب این است که نگارنده در مقام آن نیست که تمامی بدهکاران نظام بانکی را مفسد و رانت خوار و مستحق هتک و هدم بخواند. قدر مسلم در میان آنان هم هستند افرادی که قصد سوءاستفاده و خیانت نداشته اند و یا از وام بانک برای خرید زمین و آپارتمان و معاملات تجاری و سرمایه گذاری بازرگانی شخصی و... استفاده نکرده اند و واقعاً نیت آنان رشد تولید، رونق صنعت و ایجاد اشتغال بوده و به دلایل متعدد، ورشکست شده و یا از نفس افتاده اند و حتی در مواردی سرمایه شخصی خودشان را نیز در این راه از دست داده اند اما آیا همه این طور بوده و هستند؟ و آیا اطلاع رسانی صحیح در این مورد و شفاف سازی در این باب، حتی به نفع این دسته از بدهکاران نیست و به تشخیص سره از ناسره کمک نمی کند؟

فتح الله آملی

چند روز پیش عزّت الله یوسفیان نماینده محترم آمل در مجلس شورای اسلامی و یکی از اعضای ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی اعلام کرد که هشت هزار میلیارد تومان از معوقات سیستم بانکی مربوط به ۸۴ نفر و از این میزان ۶ هزار میلیارد تومان آن مربوط به تنها ۴۳ شخص حقیقی و حقوقی است. با یک حساب سرانگشتی می توان فهمید که ۴۳ نفر و یا شرکت دولتی و یا خصوصی هر کدام نزدیک به صد میلیارد تومان از اموال و پول های مردم را به عنوان وام گرفته اند و حالا اقساطشان را نداده و بدهکار مانده اند.

هرکدام از ما ارزش صد میلیارد تومان را می دانیم و همه ما هم این بحث تکراری را بارها شنیده ایم که چه طور است در سیستم بانکی ما برای گرفتن دو میلیون وام، باید از دهلیزهای فراوان گذر کرد وثیقه ها و معرف های مطمئنی به بانک سپرد و از گردنه های سخت و پیچ و خم های متعدد اداری گذشت تا شاید پس از گذر از همه این دشواری ها بتوان به رقم اندکی وام دست یافت اما چطور در همین سیستم بانکی ارقامی چنین درشت به اشخاص حقیقی و یا حقوقی چندی داده شده و وثایق مطمئنی اخذ نشده است تا سرمایه های بانک ها که در حقیقت سرمایه های مردم هستند به خزانه بیت المال برگردد؟

من نمی خواهم درباره آثار و عواقب انباشت و افزایش مطالبات معوق و آسیب هایی که به چرخه سرمایه گذاری و تولید و توسعه ملی می زند اشاره کنم که در جای خود بحث مهمی است و بررسی های اقتصادی و علمی فراوانی را می طلبد، اما در این مقال تنها به این نکته مهم می پردازم که اعلام خبرهایی از این دست چه فایده ای دارد؟ و در نقطه مقابل اگر قرار باشد همین روال و رویه در اطلاع رسانی ادامه پیدا کند آیا گذشته از فایده (که

تاریخ شکلگیری جهان:

نور، در یک میلیارد سال نخست!

پرسشی که هم‌اکنون مطرح می‌شود، آن است که لحظه مهبانگ چگونه به وجود آمد؟ اطلاعات موجود از جهان و چگونگی شکل‌گیری آن از ۱۰ به توان ۴۳ ثانیه (زمان پلانک) پس از پدید آمدن جهان در دسترس است. البته با دانش فیزیکی که امروز می‌شناسیم و نمی‌توانیم پدیده‌هایی را که در آن زمان روی داد، تفسیر کنیم. نیروهایی که امروز در طبیعت می‌شناسیم و می‌دانیم جدا از هم هستند، در ابتدای مهبانگ یکی بودند. این نیروها عبارتند از: نیروی جاذبه، الکترومغناطیس (که نور شکلی از آن است)، نیروی هسته‌ای قوی (که هسته اتم را نگه می‌دارد) و نیروی هسته‌ای ضعیف.

این چهار نیرو طبیعت را اداره می‌کردند. در زمان ۱۰ به توان ۳۸ ثانیه پس از پیدایش جهان، نیروی جاذبه از نیروهای دیگر جدا شد. در این زمان درجه حرارت جهان بسیار بالا و در حدود چندین میلیارد میلیارد (۱۰ به توان ۲۹) کلوین بود. از آن هنگام هر چه جهان انبساط پیدا می‌کرد، درجه حرارت کم می‌شد و در نهایت در زمان ۱۰ به توان ۱۰ ثانیه پس از پیدایش جهان، تمام نیروهایی که در طبیعت وجود داشتند، از یکدیگر جدا شدند و به صورت نیروهای مستقل در آمدند. لازم به ذکر است ملاک ما برای زمان، آغاز انفجار بزرگ است یعنی زمان از لحظه انفجار بزرگ آغاز شد. سیر انبساط جهان پس از مهبانگ همچنان ادامه یافت و چگالی و حرارت جهان کم شد. در یک هزارم ثانیه پس از پیدایش جهان، موادی که هسته اتم (پروتون و نوترون) را تشکیل می‌دهند، پدید آمدند. کوارک‌ها اولین موادی بودند که در این زمان ایجاد شدند اما نمی‌توانستند با جمع شدن دور هم، پروتون را تشکیل دهند زیرا در این هنگام پروتون‌ها بر اثر تابش نور متلاشی می‌شدند. این روند همچنان ادامه پیدا کرد تا آنکه شدت نور به حدی کاهش یافت که نمی‌توانست پروتون‌ها را متلاشی کند و به این ترتیب پروتون‌ها به وجود آمدند. دمای جهان در زمان تشکیل پروتون‌ها ۱۰ به توان ۱۲ (یک میلیون میلیون) کلوین بود. پس از تشکیل هسته اتم که حاوی پروتون و نوترون هاست، ماده به وجود آمد و تقریباً سه دقیقه پس از پیدایش جهان، هسته ساده‌ترین اتم که هیدروژن است، به وجود آمد. در واقع می‌توان گفت هیدروژنی که در اتمسفر یا آب وجود دارد، بازمانده‌ای از سه دقیقه پس از پیدایش جهان است. این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کیهان‌شناسی نوین است. امروز خوشبختانه ما به آن سطح از علم و دانش رسیده‌ایم که می‌توانیم فرآیندهایی را که در اولین دقیقه‌های پدیدآمدن جهان، موجب تشکیل اتم‌های گوناگون شد، بررسی کنیم. بین سه تا ۳۰۰ هزار سال پس از پیدایش جهان، هسته اتم‌ها (از ساده‌ترین آنها تا سنگین‌ترین اتم) شکل گرفته و حدود ۳۸۰ هزار سال پس از پیدایش جهان، الکترون‌ها دور هسته‌های اتم جمع شدند و در نهایت باعث به وجود آمدن اتم‌ها شدند. این اتم‌ها تشکیل دهنده کهکشان‌ها، سیاره‌ها و انسان‌ها هستند. اگر لحظه‌ای در روند تشکیل اتم و ماده جهان خللی وارد می‌شد، ما امروز در این مکان نبودیم. اگر زمان‌با چگونگی تشکیل اتم به اندازه ذره‌ای با چیزی که به وجود آمد تفاوت داشت، همه چیز با چیزی که امروز وجود دارد، متفاوت بود، و در واقع شاید ما هم اینجا نبودیم که درباره این پدیده‌ها با یکدیگر سخن بگویم.

پس از سه دقیقه

دمای جهان ۳۰۰ هزار سال پس از مهبانگ، سه هزار درجه کلوین بود. از آن زمان تاکنون کهکشان‌ها و ستاره‌ها و انسان‌ها به وجود آمدند. در ابتدای جهان، هیچ چیز جز نور وجود نداشت. اگر آن زمان نور وجود

ماهانماه نجوم در آستانه بیستمین سالگرد انتشار خود، با همکاری کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد، در ادامه نشست های عمومی ماهانه خود، برنامه‌ای عمومی با عنوان ’و آنگاه نور، یک میلیارد سال نخست’ برگزار کرد. سخنران اصلی این برنامه دکتر بهرام مبشر کیهان شناس بزرگ ایرانی دانشگاه ریورساید کالیفرنیا بود. دکتر ’مبشر’ پیش از این همکار موسسه علوم تلسکوپ فضایی هابل و مسوول دوربین فرورسرخ تلسکوپ فضایی هابل بود. او همچنین عضو گروهی بود که توانستند با کمک این تلسکوپ فضایی، تصویر معروف به تصویر فرا ژرف هابل’ را تهیه کنند. دکتر مبشر دراین برنامه ، ابتدا به بررسی تاریخ شکل گیری کیهان پرداخت و از نخستین لحظه‌های پدید آمدن کیهان سخن گفت و سپس به بررسی مراحل تشکیل ساختارهای بزرگ جهان پرداخت و در ادامه احتمال‌های متفاوت برای سرنوشت آینده جهان را بررسی کرد و روش علمی را برای درک سرنوشت آینده توضیح داد. اجزای تشکیل دهنده جهان، سیر تکاملی شناخت بشر از جهان و برنامه آینده بشر برای شناخت جهان از دیگر موضوع های سخنرانی وی بود. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه شده این سخنرانی است. کیهان، ماهیت و چگونگی تشکیل آن یکی از موضوع‌هایی است که بشر همیشه در طول تاریخ خود به آن توجه کرده است. انسانهای زیادی از شب تا صبح به آسمان نگاه کردند و شیفته علم کیهان‌شناسی شدند. کیهان‌شناسی در حقیقت شناخت و درک علمی جهان در بزرگترین مقیاس‌های آن است. کیهان‌شناسی در گذشته بخشی از فلسفه بود که برای اولین بار توسط یونانی‌هایی مانند بطلمیوس در ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به وجود آمد. اولین کسی که این علم را شروع کرد ، بطلمیوس بود. وی معتقد بود زمین مرکز جهان است و همه سیاره‌ها به دور زمین می‌گردند. این مدل را با نام مدل بطلمیوسی جهان می‌شناسند. اندیشه بطلمیوس تا دو هزار سال بعد مورد قبول دانشمندان بود، اما پس از گذشت دو هزار سال از مطرح شدن این اندیشه، کپرنیک زمین را از محوریت برداشت و خورشید را مرکز جهان معرفی کرد. با وجود اینکه تصور کپرنیک از اساس اشتباه بود و ما امروز می‌دانیم که خورشید مرکز جهان نیست اما کار وی از آن جهت ارزشمند است که شجاعانه با باور دو هزار ساله مردم جنگید و آن را تغییر داد.

ابداع تلسکوپ و آغاز کیهان‌شناسی

تلسکوپ در زمان گالیله اختراع شد و گالیله اولین کسی بود که از تلسکوپ برای رصد اجرام آسمانی استفاده کرد. گالیله حدود چهارصد سال پیش به وسیله تلسکوپ سیاره مشتری را مشاهده کرد و از حرکت آن متوجه شد مشتری سیاره‌ای است که به دور خورشید می‌گردد و به همین ترتیب زمین به دور خورشید گردش می‌کند. یکی دیگر از افرادی که در تغییر دیدگاه ما نسبت به جهان نقش داشت، نیوتن بود. وی می‌گفت اگر من می‌توانم بیشتر و بهتر از دیگران ببینم، به دلیل آن است که من بر شانه غول‌ها ایستاده‌ام. البته باید اذعان کرد خود نیوتن نیز از جمله همان غول‌های علمی جهان است. وی اولین کسی بود که نظریه گرانش جهانی را پدید آورد، پژوهش‌های زیادی در زمینه اپتیک و نورشناسی داشت و حسابان را ابداع کرد. اما کیهان‌شناسی به عنوان یک علم از اوایل قرن بیستم و در حدود سال ۱۹۲۰ آغاز شد. ما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که جهان ۱۳/۶ میلیاردسال پیش در اثر یک انفجار بزرگ به نام مهبانگ (Big Bang) پس از آن تا کنون جهان در حال انبساط است به این معنا که همه کهکشان‌ها و هر چیزی که در جهان وجود دارد، در حال دور شدن از یکدیگر هستند. اما

داشت، پس باید الان هم باشد. پس این نور امروز کجاست؟ اگر شما با یک موشک از منظومه شمسی خارج شده و وارد کهکشان راه‌شیری شوید و از آنجابه فضای بیرون از این کهکشان بروید و دمای جهان را اندازه بگیرید، عددی حدود منهای ۲۷۰ درجه سانتیگراد راه دست می‌آورید که نزدیک به صفر مطلق است. این دما باقی مانده لحظه پیدایش جهان است و تابش زمینه ای کیهانی نام دارد. اگر این تابش را در تمام جهات اندازه گیری کنید، مقدار آن یکسان است. هنگامی که به این تابش نگاه می‌کنیم، درست مثل این است که به جهان در سن ۳۸۰ سالگی آن نگاه می‌کنیم.

نکته: علم کیهان‌شناسی از اوایل قرن بیستم و در حدود سال ۱۹۲۰ آغاز شد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که جهان ۱۳/۶ میلیارد سال پیش در اثر انفجار بزرگ به نام مهبانگ به وجود آمد. پس از آن تاکنون جهان در حال انبساط است به این معنا که همه کهکشان‌ها و هر چیزی که در جهان وجود دارد، در حال دور شدن از یکدیگر هستند.

سرنوشت ستاره‌ها

یک میلیارد سال پس از پیدایش جهان، ستارگان و کهکشان‌ها به وجود آمدند. در کهکشان راه‌شیری حدود صد هزار میلیون ستاره مثل خورشید ما وجود دارد. این ستاره‌ها از گازهای ابتدای جهان پدید می‌آیند و پیوسته در حال تغییر و تحول هستند تا در نهایت در اثر پدیده ابرنواختر به سیاهچاله تبدیل می‌شوند. امروزه دانشمندان با بررسی رنگ ستاره عمر آن را تشخیص می‌دهند. به طور متوسط صد هزار میلیون ستاره لازم است تا یک کهکشان به وجود بیاید، و جهان مرئی ما صد هزار میلیون کهکشان دارد اما همه این جهان مرئی تنها چهار درصد جهان را تشکیل می‌دهد. کهکشان‌های جهان پیوسته در حال دور شدن از هم هستند. انبساط جهان را آدوین هابل’ در سال ۱۹۲۲ کشف کرد. سرعت دور شدن کهکشان‌ها متناسب با فاصله آنها از ماست و با ثابت ’هابل’ می‌توان فاصله کهکشان‌ها از یکدیگر را محاسبه کرد. برای درک انبساط جهان یک بادکنک را لکه گذاری و سپس آن را باد کنید. می‌بینید با باد کردن بادکنک، این لکه‌ها از یکدیگر دور می‌شوند. در واقع زمین جزء کوچکی از منظومه شمسی است، منظومه شمسی هم جزء کوچکی از کهکشان راه‌شیری و کهکشان راه‌شیری یکی از صدها کهکشانی است که گروه محلی کهکشان‌را تشکیل می‌دهند که این گروه هم یک گروه از صدها گروه دیگر است که ابرخوشه کهکشان‌ها را تشکیل می‌دهند. به واسطه جاذبه ابرخوشه کهکشانی، تمام کهکشان‌هایی که در اطراف کهکشان راه‌شیری هستند به همراه خود کهکشان راه‌شیری به سمت ابرخوشه کهکشانی در حال حرکت هستند. کهکشان‌ها با سرعت حدود ۵۰۰ کیلومتر درثانیه به سمت مرکز ابرخوشه کهکشانی در حال حرکت است و این ابرخوشه به همراه تمامی کهکشان‌هایی که به همراه دارد، با سرعت ۴۸۰ کیلومتر در ثانیه به سمت ابرخوشه‌ای بزرگ‌تر از خودش در حال حرکت است. هدف من از بیان این موضوعات ، تاکید بر گستردگی کیهان و جهان هستی است. انسان به عنوان موجودی کوچک در سیاره‌ای کوچک زندگی می‌کند، با این حال می‌تواند جهان پیرامون خود را بشناسد. رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند/بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت. همین سخن را هاوکینگ هم می‌گوید. البته این موضوع را هاوکینگ با زبان علمی می‌گوید ولی سعدی با زبان شاعرانه. ما باید به خودمان افتخار کنیم که توانستیم چنین کاری انجام دهیم.

حیات آغاز می‌شود

برای به وجود آمدن حیات به کربن، نیتروژن و اکسیژن نیاز داریم. این عنصرها سه دقیقه پس از پیدایش جهان به وجود آمدند. وجود این عنصرها لازمه تشکیل حیات است و در اثر تحولات درون ستاره‌ها به وجود آمده است در نهایت ستاره‌ها پس از به پایان رسیدن عمرشان منفجر می‌شوند و به صورت یک ابرنواختر در می‌آیند. بر اثر این انفجار، عنصرهای سازنده یک ستاره در جهان پخش می‌شود و به سیاراتی مانند زمین می‌آید و حیات را در این سیاره شکل می‌دهند. در واقع ابرنواخترها یکی از پر نورترین واکنش‌هایی است که در جهان به وجود می‌آید. این سیر توسعه حیات در طبیعت همچنان ادامه پیدا می‌کند تا آنجا که به انسان‌ها می‌رسد. اگر انسان‌ها به دنبال سیاره‌هایی هستند که احتمال پیدایش حیات در آنها باشد، باید به دنبال کراتی باشند که ویژگی‌های زمین را داشته باشند. تاکنون با تلاش‌های تلسکوپ‌های بسیار از جمله فضا پیمای کپلر ۶۰۰ سیاره فراخورشیدی پیدا شده است و اگر بتوانیم در این سیاره‌ها، این سه عنصر را پیدا کنیم، می‌توانیم بگوییم آن سیاره مانند زمین است و ویژگی‌هایی مثل زمین دارد. امروزه علم آنقدر توسعه یافته و پیشرفت کرده است که می‌توانیم اولین کهکشان‌هایی را که به وجود آمده‌اند، مشاهده کنیم . وقتی انسان به آسمان نگاه می‌کند، در حقیقت در زمان به عقب نگاه می‌کند و هر چه به مکان‌های دورتر نگاه کنیم ، در زمان عقب‌تر می‌رویم. هشت دقیقه زمان می‌برد تا نور خورشید به چشم انسان برسد، یعنی هنگامی که انسان به خورشید نگاه می‌کند، آن طوری می‌بیند که هشت دقیقه قبل بوده است. به همین ترتیب وقتی به کهکشانی می‌نگریم که ۱۰ میلیون سال نوری با ما فاصله دارد، آن را آن گونه می‌بینیم که ۱۰ میلیون سال پیش بوده است نه آن طور که امروز هست، چرا که امروز شاید اصلاً وجود نداشته باشد. شاید نوری که انسان از کهکشانی دور دست مشاهده می‌کند، زمانی آن کهکشان را ترک کرده باشد که کره زمین و کهکشان‌ها اصلاً وجود نداشته باشد. در حقیقت انسان وقتی کهکشانی را می‌بیند که ۱۳ میلیارد سال نوری با زمین فاصله دارد، در حقیقت به ابتدای جهان و آفرینش نگاه می‌کند. با سیستم فراژرف هابل می‌توان عمیق‌ترین تصویر موجود از جهان را مشاهده کرد، یعنی تصویری از دورترین اجرام را دید. تمام چیزی که امروزه در جهان قابل مشاهده است، تنها چهار درصد جهان است چرا که ۹۶ درصد جهان غیرقابل مشاهده است، یعنی حدود ۷۳ درصد جهان انرژی تاریک’ و ۲۷ درصد آن ’ماده تاریک’ است. ما امروزه فقط می‌توانیم چهار درصد از کل جهان را ببینیم که ماده معمولی است و تشکیل دهنده جهان مرئی است.

بطلمیوس درانتظار پاسخ

جاذبه ماده تاریک می‌تواند باعث توقف انبساط و در نهایت انقباض جهان شود. در حال حاضر می‌توان به سوالی که بطلمیوس در خصوص باز یا بسته بودن جهان مطرح کرد پاسخ گفت. به نظر می‌رسد جهان باز است. ماده تاریک شاید متشکل از سیاره و ستاره‌هایی باشد که تاکنون از بین رفته‌اند، اما نکته جالب اینجاست که در حال حاضر در مورد کیفیت و ماهیت انرژی تاریک که در حال حاضر حدود ۷۵ درصد جهان را تشکیل می‌دهد، هیچ گونه اطلاعی نداریم و نمی‌دانیم این انرژی از چه چیزی تشکیل شده است. از طریق تلسکوپ هابل و با استفاده از سرعت کهکشان‌ها می‌توان فاصله آنها را اندازه گیری کرد. اگر با دو شیوه مختلف فاصله دو کهکشان از یکدیگر را اندازه گیری کنیم و این فاصله‌ها با هم متفاوت باشند، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از این فاصله‌ها اشتباه است. در واقع براساس محاسبه‌های صورت گرفته فاصله‌ای که از

رود، ۳۰ دقیقه قبل از انتهای جهان نیروی انرژی تاریک به حدی افزایش پیدا می کند که روی سیاراتی به اندازه زمین نیز می تواند اثر گذار باشد. در این زمان است که زمین منفجر می شود و حدوداً ۱۰ به توان منهای ۱۹ ثانیه قبل از انتهای جهان، اتم ها از بین رفته و در نهایت می توان گفت جهان ۳۵ میلیارد سال پس از پیدایش، از بین می رود و کل جهان به انرژی تاریک مبدل می شود.

موضوع اجتناب می کردم، اما این روزها دیگر برایم اهمیتی ندارد.

رفتن به سیاره ای دیگر به خودی خود چالش بزرگی محسوب می شود حال در نظر بگیرید که این مسئله با تشکیل کلونی انسانی در فضا همراه بشود. نزدیک ترین ستاره به زمین ستاره پروکسیما -قنطورس است که ۴.۲ سال نوری از زمین فاصله دارد. در صورتی که بتوانیم با سرعت نور حرکت کنیم با احتساب پیشرفته ترین علوم راکتی که در حال حاضر اختیاری بشر است، انسان می تواند تا ۵۰ هزار سال دیگر به این ستاره برسد.

به هر صورت دانشمند منحصر به فردی که تنها توان حرکتی اش در چشم ها خلاصه می شود با وجود هشدارهای ترسناک و گزنده اش به آینده دور حیات بشر امیدوار است: من خوش بین هستم در صورتی که بتوانیم تا دو قرن دیگر از بروز چنین فجایعی جلوگیری کنیم، نسل ما با گسترش یافتن در فضا ایمن خواهد بود.

اگوست ۲۰۱۰

سال از پیدایش جهان گذشته است. آینده و انتهای جهان به گونه است که یک میلیارد سال قبل از انتهای جهان خوشه های کهکشانی از هم جدا می شوند، یعنی قدرت انرژی تاریک به حدی افزایش پیدا می کند که می تواند آنها را از هم جدا کند، ۶۰ میلیون سال قبل از انتهای جهان، کهکشان راه شیری از بین می رود و سیارات از هم جدا می شوند. سه ماه قبل از انتهای جهان ، منظومه شمسی از بین می

انسان باید زمین را ترک کند!

برابری می کنند پاسخ می دهد گونه ای از حیات که تقریباً در تمامی تاریخ حیات زمین وجود داشته و به گفته هاو کینگ می تواند انسان را با خطری بزرگ مواجه کند.

هاو کینگ در ماه می هم اعلام کرد باور دارد انسان می تواند میلیون سال به سوی آینده سفر کرده و سیاره تخریب شده خود را بازسازی و احیا کند. در صورتی که بتوان فضا پیمایی ساخت که سریع تر از سرعت نور پرواز می کنند، یک روز روی عرشه چنین کشتی برابر یک سال روی زمین خواهد بود، این به آن دلیل است که طبق گفته انیشتین با شتاب گرفتن اجسام در فضا حرکت زمانی که آنها را احاطه کرده کند می شود. او دلیل سکوت چندین و چند ساله خود را این چنین عنوان می کند: روزگاری سخن گفتن از سفر در زمان جرم به حساب می آمد و من برای اینکه مورد هجوم منتقدان قرار نگیرم از سخن گفتن درباره این

چگونگی به پایان رسیدن کیهان به میزان نیروی جاذبه و دافعه بستگی دارد. نیروی جاذبه باعث نزدیک شدن این جهان به یکدیگر و نیروی دافعه باعث دور شدن کهکشان های جهان از هم می شود و از آنجایی که به نظر می رسد نیروی دافعه بیش از نیروی جاذبه جهان است، پس کهکشان های جهان در حال دور شدن از هم و انبساط هستند و در واقع این جهان باز است. در حال حاضر حدود ۱۴ میلیارد

سرمایه گذاری کند.

این اولین باری نیست که هاو کینگ درباره سرنوشت ناگواری که در انتظار انسان است هشدار می دهد. وی در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد زمین به شدت در خطر نابودی قرار دارد و به تازگی در این باره بسیار سخن می گوید وی در ماه آوریل از خطر ارتباط با بیگانگان فضایی سخن گفت و اعلام کرد این موجودات قطعاً وجود دارند و انسان باید به هر قیمتی از برقراری ارتباط با آنها پرهیز کند. پروفیسور همچنان بر وجود موجوداتی فرا زمینی اصرار دارد و می گوید در مغز ریاضیدان من، اعداد به تنهایی می توانند درباره وجود بیگانگان فضایی استدلال کنند. چالش اصلی کشف این است که موجودات چه شکلی هستند؟ او سوال خود را با گفتن اینکه احتمالاً این موجودات با حیات میکروبی یا جانداران ساده

روی دینامیک حرکت کهکشان ها محاسبه می شود، همیشه کمتر از فاصله حقیقی کهکشان هاست. در گذشته سرعت انبساط جهان کم بود اما در زمانی معین این سرعت ناگهان زیاد شده است. این افزایش سرعت انبساط جهان ۴/۲ میلیارد سال پیش و به صورت ناگهانی اتفاق افتاد. این نشان دهنده پیشرفت علم است که می توانیم زمان و نحوه این تغییر سرعت را محاسبه کنیم. انتهای جهان و

پروفیسور استفن هاو کینگ متخصص فیزیک نجومی در تازه ترین اظهار نظر خود هشدار داده است که خطر بزرگی نسل بشر را تهدید می کند و باید آینده زمینی ها را برای بقا در فضا پی ریزی کرد. او می گوید تهدیداتی مثل جنگ، تخلیه تمام منابع حیاتی و انفجار جمعیت بیش از هر زمان دیگر زندگی انسان ها را در معرض خطر قرار داده است. او در هشدار هولناک خود بر این مسئله تاکید دارد که باید در کمتر از ۱۰۰ سال دیگر زمین را تخلیه کرد و برای ادامه زندگی کلونی های فضایی تشکیل داد اما مسئله ای که این نابغه علم فیزیک مطرح می کند در مغز بسیاری از انسان های امروزی نمی گنجد. او در وب سایت بیگ تینک می نویسد: وقتش رسیده که زمین را ترک کنیم. چند هزار سال یا چند میلیون سال دیگر را فراموش کنید، خطر نابودی طی ۱۰۰ سال آینده انسان را تهدید می کند زیرا تا چند ۱۰۰ سال دیگر جلوگیری از وقوع فجایع انسانی روی زمین غیر ممکن خواهد شد. نسل انسان نباید تمامی آینده خود را روی این سیاره

در هشت ماه اخیر

هشدار: یک میلیون ایرانی در ترکیه، هفتصد میلیون دلار خرج کرده اند!

به این دلیل کشورهایی مانند ترکیه را برمی گزینند که هزینه کمتری در ازای خدمات بهتر در آن کشورها دریافت می کنند.

آمارهای رسمی حاکی از آن است که بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار گردش مالی سالانه صنعت توریسم در جهان است که سهم کشور ایران کمتر از یک دهم درصد از این گردش مالی است. برای مثال اصفهان نیز که با بیش از ۲۰۰۰ اثر باستانی ثبت شده میتواند به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری خاورمیانه و آسیا مطرح باشد و قافیه را به استانبول و دبی و مانند آنها باخته است. برای مثال استانبول نیز حدود ۲۸۳ هتل در اختیار دارد، در مقابل اصفهان تنها حدود ۵۰ هتل و ۷۰۰۰ تخت اقامتی در اختیار دارد. ایران در مقایسه با ترکیه، کشور برتر توریست پذیر در خاورمیانه می تواند با داشتن سواحل دریای خزر که کاملاً از نظر آب و هوایی برای اروپاییان ناشناخته است، پتانسیل مضاعفی جهت جذب توریست داشته باشد.

از کاستی های مهم گردشگری ایران گرانی کاذب است. اقتصاد گردشگری ایران به واسطه ارز ریالی به صورت مصنوعی گران است. در حالی که همسان سازی قیمت ها و ایجاد درآمد ثابت و هرچند هم اندک تاثیرات بسزایی در اقتصاد ایران خواهد گذاشت.

در مجموع چه بخواهیم و چه نخواهیم جهانگردی تا چند سال آینده در سکویی بالاتر از صنعت نفت و خودروسازی قرار خواهد گرفت. سؤال اینجاست که سهم ایران از بازار گردشگری در سال های آتی چه میزان خواهد بود؟

براساس آمارهای سازمان جهانی گردشگری و یونسکو، ایران به دلیل برخورداری از جاذبه های پرتعداد می تواند جزو ۱۰ کشور اول دنیا به لحاظ ورود گردشگر باشد. لذا سهم بسیار ناچیز ایران از صنعت گردشگری نشان دهنده آن است که صنعت گردشگری نتوانسته نقش خود را به عنوان یک عامل توسعه اقتصادی کشور و معرفی ایران به عنوان یک کشور توریستی و فرهنگی به خوبی ایفا کند.

اماکن فروش مشروبات الکلی، قمارخانه ها، تفریحات دریایی ناسالم، فضای ناسالم و غیر قابل دفاعی را بوجود آورده است.

به نظر نمی رسد راه کارهایی مانند ممنوعیت تبلیغ نام آنتالیا در مطبوعات که با راه حل آنتالیا به جای آنتالیا به تمسخر کشیده شد مثمر ثمر باشد. زیرا که گردش مالی بیش از یک میلیارد دلار بازاری ایجاد کرده منتفعان آن اعم از آژانسهای مسافرتی، تورها، شرکتها هواپیمایی، واسطه ها، و حتی مطبوعات آگهی پذیرنده به راحتی از آن نمی گذرند. بگذریم از این که سابق بر این بخشنامه ای کرده بودند که چون در آنتالیا و کوش آداسی ممکن است مناظر گناه آلودی دیده شود، هواپیمایی که از ایران به ترکیه می روند حق ندارند به طور مستقیم به آنتالیا و کوش آداسی پرواز کنند. بهتر است صد کیلومتر دورتر فرود آیند که سیاحان ایرانی یک دفعه وارد بنادر مزبور نشوند. شرکت های هواپیمایی ترکیه با خشنودی از این پیشنهاد که به نفع آن ها بود، استقبال کردند زیرا در بنزین و روغن و دیگر ابزار پرواز و ساعات کار خلبان ها صرفه جویی می شد و هواپیما صد کیلومتر دورتر به فرودگاه های دور از این مناطق فرود می آمد و با اجاره کردن تعدادی اتوبوس مسافران را روانه شهرهای موردنظرشان می کردند. یعنی پول هواپیما تا آنتالیا و کوش آداسی را که یکی در جنوب ترکیه در ساحل مدیترانه است و دیگری در غرب ترکیه در ساحل دریای اژه از مسافران ایرانی گرفتند و برای این که ترکیه و شهرها و روستاها و بنادر مختلف آن ها را از راه زمین خوب بشناسند و دفعه دیگر که آمدند به آن جاها هم سری بزنند، با اتوبوس روانه شان کردند. اما با برآوردی کوتاه از میزان هزینه انجام شده برای هر سفر و خرید ایرانیان در این کشور، مشخص می شود صدها میلیون دلار ارز طی ماههای اخیر از کشور خارج شده و به حساب همسایگان نیمه آسیایی -اروپایی واریز گردیده است. اولین نکته در این راستا تقویت زیرساخت های توریسم در کشور است. بسیاری از هم وطنان

انتهای سال میلادی سرعت و نرخ مسافرت ایرانیان حفظ شود تعداد توریستهای ایرانی در ترکیه به حدود یک و نیم میلیون نفر در سال بالغ خواهد شد. طبق آمار رسمی دولت ترکیه در سال جاری هر توریست در سال ۲۰۰۸ متوسط خرج سرانه هر توریست نیز در ترکیه بالغ بر ۷۰۸ دلار بوده است. این بدان معنا است که ایرانیان تا کنون بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در هشت ماه ابتدای سال ۲۰۱۰ در ترکیه هزینه کرده اند و احتمالاً این رقم به بیش از یک میلیارد دلار تا انتهای سال خواهد رسید!!!

برخی اخبار حاکی است، وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در چند سال اخیر، ظرفیت خود را برای ورود گردشگران ایرانی بالا برده و هم اکنون نیز طبق اهداف تعیین شده، در سال ۵ میلیون گردشگر ایرانی را جذب ترکیه کند.

گزارش های مسافرتها ی تصاعدی ایرانیان به ترکیه درحالی عنوان می شود که هیچ آمار دقیق و روشنی از تعداد توریست های ترک به ایران ارائه نشده و به استناد آمار ارائه شده از سوی منابع ترکیه، در سال ۲۰۰۶ در برابر ورود یک میلیون گردشگر ایرانی به ترکیه، کمتر از ۱۰ هزار گردشگر ترکیه وارد ایران شده بودند!!

مساله اصلی برنامه ریزی سیاستگذاران گردشگری ترکیه برای جذب بخشی از گردشگران ایرانی است که به عللی غیر از توریسم فرهنگی و تجاری به این کشور می آیند. سیاست های کاملاً باز مقامات ترکیه در قبال توریست ها برای کسب درآمد بیشتر، سواحل ترکیه را به کانون بی بند و باری تبدیل کرده است. اگرچه شاید بسیاری از هم وطنان صرفاً برای برخورداری از هتلهای به نسبت ارزان، مناظر خوب، آب و هوا و یا امکانات تفریحی به این مناطق مسافرت می کنند اما وجود بسیاری از ناهنجاری ها در این نواحی غیر قابل کتمان است. این ناهنجاری ها قطعاً دامن گیر بسیاری از گردشگرانی می شود که به دلایلی دیگر این مناطق را برای تفریح انتخاب کرده اند. وجود

اگر اخبار این چند روز را مرور کرده باشید به خبری برمی خورید که نتیجه این بازار گرم را ملاحظه خواهید کرد. به گزارش خبرگزاری ها وزیر فرهنگ و گردشگری ترکیه گفته: یک میلیون ایرانی طی ۸ ماه گذشته یعنی از ابتدای سال میلادی جاری به ترکیه رفته اند.

به گزارش تییان، ارطغرل گونای در گفتگو با روزنامه اکشام در عین حال با استفاده از جملاتی پراز کنایه افزود که تبلیغات گردشگری بدون تصاویر دریا یا پلاژ اساساً غیر ممکن و بی معنی است ولی ایران نیز موقعیت مختص به خود را دارد و رعایت آن نیز الزامی است!! گونای همچنین گفت: البته گردشگری در ترکیه مختص به ساحل و پلاژ نیست.

این آمار را درکنار سایر آمارهای مشابه می بایست مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. طبق آمارهای رسمی دولت ترکیه، ایران یکی از ده کشور اول در زمینه اعزام گردشگر به ترکیه می باشد. در این یکی دوساله، کشورهای آلمان، روسیه، انگلستان و بلغارستان چهار کشور اول گردشگر فرست به ترکیه بوده اند و ایران بعد از کشورهای فوق در رده پنجم قرار گرفته است.

چندی پیش نیز نشریه الکترونیکی "تودی زمان" ترکیه یاد آور شده بود که توریست های ایرانی و سوری با سرازیر شدن به ترکیه، ارقام توریسم این کشور را به گونه ای جهش آسا بالا برده اند.

با سرمایه گذاری سنگین ترکها در صنعت گردشگری، ترکیه در سال ۱۹۹۹، ۹ میلیارد دلار بر اساس سازمان جهانگردی جهانی درآمد داشته اند ولی در سال گذشته در حدود ۲۳ میلیارد درآمد صنعت گردشگری این کشور بوده است. همچنین وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در چند سال اخیر، ظرفیت خود را برای ورود گردشگران ایرانی بالا برده و هم اکنون نیز طبق اهداف تعیین شده، در سال ۵ میلیون گردشگر ایرانی را جذب ترکیه کند. این آمار نشانگر واقعیتی مهم در جامعه و اقتصاد ایران است. این آمار نشان می دهد که اگر تا

دکتر علی موسوی گرمارودی:

شعر به هیچ وجه توصیه پذیر نیست

قریحه خود را شکوفا سازد.

شما به عنوان پیشکسوت آیا توصیه‌ای برای شاعران جوان دارید؟

شعر به هیچ وجه توصیه‌پذیر نیست، اصلا به نظر من نمی‌توان توصیه‌ای به شاعران کرد چرا که شعر خودش به سراغ شاعر می‌رود و توصیه زمانی درست است که شما به سراغ شعر بروید و درست در زمانی که شما به سراغ شعر بروید، شعر فرار می‌کند، اما در بخش بیرونی شعر اگر بخواهم توصیه‌ای به شاعران داشته باشم همان مثال آوای خوش است که با تلاش و کوشش و آموزش و یادگیری شکوفا می‌شود و شاعری که در خود استعداد شاعری می‌بیند نیز برای شکوفاسازی این ذوق درونی باید سخت بکوشد؛ برای نمونه یک جوان با استعداد باید تمام دیوان‌های شعری را از حنظله بادغیسی تا نیما و از نیما تا شاعران امروز بخواند تا شعرش به لحاظ فرم و محتوا پخته‌تر شود و با هنجارهای زیباشناسی هماهنگ‌تر شود؛ اینگونه است که شعر او هم پرمحتوا و البته تاثیرگذار می‌شود.

مقام معظم رهبری در دیدار اخیر خود با شاعران دغدغه‌هایی را در زمینه شعر مطرح کردند که یکی از این دغدغه‌ها تاکید بر تشکیل انجمن‌های ادبی بود، آیا این نکته با روند رو به رشد فضای شعری در کشور ارتباط دارد؟

به نظرم در زمینه شعر ما باید همواره تنور شعر را گرم نگه داریم و برای رسیدن به این منظور باید جاهایی را داشته باشیم که شعر شاعران در آنجا مورد نقد و بررسی قرار گیرد در واقع فرمایشات مقام معظم رهبری نیز بر همین حول و محور بود. منظور ایشان از ایجاد انجمن‌های ادبی، تشکیل جلسات کلیشه‌ای نبود حتی ایشان انجمن ادبی که استاد قهرمان در مشهد اداره می‌کنند و یا انجمن ادبی مرحوم نگارنده در مشهد که زمانی خود من نیز در آن بودم را مثال زدند چرا که شعر شاعران در این انجمن‌ها نقد و بررسی می‌شد و جوان‌ترها به دست پیشکسوت‌ها آموزش عملی و رودرو می‌دیدند نه اینکه در یک جایی جمع شوند خودشان شعر بخوانند و خودشان نیز خوششان بیاید و... تاکید رهبری بر این امر بود که شعر باید در جایی که خواند می‌شود مورد نقادی قرار بگیرد و بهترین فضا برای این ارتقا و غنی‌سازی شعر، انجمن‌هایی از این نوع است نه انجمن‌های کلیشه‌ای، چرا که عیار شعر تنها با نقادی صحیح است که بالا می‌رود.

در مقابل فضای شاعران، امروز فضای مخاطبان شعر را چگونه می‌بینید؟

به دسته‌بندی مخاطب اعتقاد ندارم؛ مخاطبان

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در قم بدنیا آمد. مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت. او سال‌هاست در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته و راه‌اندازی و مدیریت ماهنامه ادبی گلچرخ نمونه‌ای از تلاش‌های اوست.

"سرود رگبار"، "عبور"، "در سایه سار نخل ولایت"، "چمن لاله"، "خط خون"، "صدای سبز"، "گوشواره عرش" و آغاز روشنایی آیین "عنوان تعدادی از مجموعه اشعار منتشر شده علی موسوی گرمارودی، این "چهره ماندگار بخش شعر در سال ۱۳۸۵" از پیشنهاد شعر آیینی شناخته می‌شود و البته دستی هم بر داستان‌نویسی برای نوجوانان دارد که در این زمینه هم "داستان پیامبران" او معروف‌تر از سایر آثارش محسوب می‌شود.

گرمارودی که تخیل بسیار زیبا و رسا و تاثیرگذار او در شعر آیینی، زبانزد خاص و عام است، در خصوص سرایش شعر، معتقد است: "من آنچه را بر زبان شاعر می‌آید و بر کاغذ نوشته می‌شود، درخت صاعقه زده‌ای می‌بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته‌اند: من گنگ خوابیده و عالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش... می‌تواند درباره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب بر کاغذ یا زبان می‌آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هیوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می‌خوانیم و می‌بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر او نیست. توسکایی است که آذرخش خلافت شاعر بر آن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است."

با این حال، در حال حاضر فضای شعری کشور را چگونه می‌بینید؟

امروز استعدادهای درخشانی در میان جوانان می‌بینم و بر همین اساس چون معتقدم که پایه و اساس شاعری واقعی، "قریحه" است و به همین دلیل استعدادهای درخشان امروز، نویدبخش آینده است و آینده کشور در حوزه شعر، امیدوارکننده است.

در حوزه "شعر جوان" نیز وضع به همین صورت است در واقع نسل ما امروز آرد را بیخته و الک را آویخته است. البته این نکته را نیز باید یاد آوری کرد که از بین کسانی که قریحه خوبی دارند تنها افرادی پیشرفت می‌کنند که ابزار و زمینه پیشرفت را فراهم آورند به صرف "قریحه خوب" نمی‌توان موفق شد به عبارتی در عرصه شعر و شاعری وضعیت مثل آواز و موسیقی است؛ شما چوپان بی‌سواد را در نظر بگیرید که صدای بسیار خوبی داشته باشد، اما برای پرورش این استعداد خداداد، باید آموزش‌هایی مرتبط با تارهای صوتی ببیند، به کلاس آواز برود، ردیف‌های موسیقی را بشناسد و...

چنانکه می‌دانیم استادانی مثل استاد شجریان تنها به صرف ذوق و قریحه خدادادی به این مرتبه و مقام دست نیافته‌اند بلکه برای رسیدن به آن زحمات بسیاری را متحمل شده‌اند و سال‌های سال درس موسیقی آموخته‌اند و یک شبه استاد نشده‌اند؛ وگرنه ما آدم‌های خوش‌آواز بسیاری داریم اما آنهایی که جلوترند بیشتر آموخته‌اند، در شعر نیز وضعیت همین‌طور است و شاعری که می‌خواهد ذوق خدادادی خود را ارتقا بخشد باید دانش‌های وسیعی مرتبط با شعر را بیاموزد تا بتواند

روز ۲۷ شهریور به عنوان روز شعر و ادب فارسی نامگذاری شده است به نظر شما آیا به صرف یک نامگذاری می‌توان کمکی به پیشرفت و ارتقای شعر کرد؟

بهتر بود در نامگذاری یک روز به نام روز شعر و ادب فارسی با دنیا هماهنگ می‌شدیم چرا که در تمام دنیا اول مارس برابر با نوروز خودمان روز شعر و ادبیات نامگذاری شده است و ما هم می‌توانستیم این روز را به عنوان روز شعر و ادب فارسی نامگذاری کنیم، اما حالا همه می‌دانند این روز، روز شعر نیست بلکه روز بزرگداشت استاد شهریار است که به این عنوان نامگذاری شده است چنانکه روز ۲۰ مهر را به عنوان روز حافظ نامگذاری کرده‌اند و یا اینکه در اردیبهشت روزی را به نام بزرگداشت سعدی نام نهاده‌اند.

البته کاملاً سزاوار است که روزی را به نام استاد شهریار نامگذاری کنند، اما به نظر من تداومی که روزهای شعر دارد، می‌تواند هر از گاهی تنور شعر را گرم کند، اما با این وجود ما شاعران بسیاری داریم که روز ندارند؛ مثلاً شاعرانی مثل نظامی، کمال‌الدین اصفهانی، کمال خجندی، سلمان ساوجی، ناصر خسرو و... که اینها در تقویم روز خاصی را به خود اختصاص ن داده‌اند. بنابراین اگر می‌خواهیم تنور شعر در کشور گرم باشد یکی از راه‌ها این است که بر اساس ۳۶۵ روز سال در هر ماه یک روز هفته را به نام یکی از ستارگان ادبیات فارسی نامگذاری کنیم که تقریباً در این تعداد روزها می‌توانیم یاد و نام ۵۲ شاعر برجسته را گرامی بداریم و در تمام طول سال نیز یک پیوستگی ادبی و فرهنگی ایجاد کنیم؛ همچون دانه‌های یک تسبیح که نخ اتصالشان، شعر و ادبیات است.

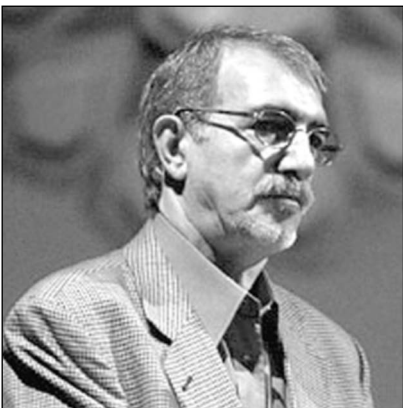
وبلاگ و اخلاق رسانه‌ای

نیستند. یا مثلاً در بحث غیبت و تهمت داریم که برای دروغگو کافی است که همان چیزی را که شنیده است نقل کند. اینها بحث حرمت و عدم حرمت است و متأسفانه در فضاهای پرتنش و پر آشوب که بعضاً امکان کنترل دقیق وجود ندارد، این اتفاق‌ها رخ می‌دهد. کجای دین آمده است که برای مقابله با حرام و باطل، از حرام و باطل باید استفاده کرد؟

مرتکب نشدن خطا از سوی بچه‌پسبچی حزب‌اللهی "در شرایط عادی" هنر نیست، مثلاً اگر کسی بیاید شما را ببوسد، گل و شیرینی برایتان بیاورد، آنجا اگر یک سیلی در گوش او زنید که هنری نکردید. شرایط عادی است. اما اگر وقتی طرف دشنام داد و فحاشی کرد و شما

محمدرضا زائری روحانی وبلاگ نویس در گفت‌وگویی با وبلاگ‌نیوز درباره ضرورت اخلاق در رسانه‌ها گفته است: اتفاق‌هایی که امروز در بعضی از وبلاگ‌ها و سایت‌ها دیده می‌شود، "مصادق حرمت است."

آیا می‌توانیم به کسی که مثلاً به زعم شخص من ضد ولایت فقیه است ناسزا بگوییم؟ او را به حیوانی تشبیه کنیم؟ تعالیم اخلاقی و دینی به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. اتفاقاً از ما انتظار می‌رود جلوه‌ای از تعالیم دین را استفاده کنیم که سرشار از التزام‌های اخلاقی و رفتار پسندیده باشد. در روایتی آمده است که اگر کسی بدون اجازه به نوشته برادر مسلمانش نگاه کند، جهنمی است. این یعنی حریم خصوصی و اینها قابل نادیده گرفتن



شعر از هر قشری هستند؛ از گروه عام جامعه تا مخاطبان خاص. مثلاً "ضیاء موحّد" طوری شعر می‌سراید که برای مخاطبان خاص است و در مقابل ممکن است کسی پیدا شود و طوری شعر بسراید که عموم جامعه بتوانند با آن ارتباط پیدا کنند و مانوس شوند چون که شعر وی با زبان آنها و زبان مردم آشناتر است بنابراین نمی‌توان مخاطبان شعر را تقسیم‌بندی کرد.

عده‌ای از شاعران علاقه بسیاری به پیچیده‌گویی و استفاده از واژه‌های غربی در اشعارشان دارند و در اشعارشان حتی از سبک‌های اشعار ترجمه‌ای بهره می‌گیرند آیا این مسئله می‌تواند به شعر فارسی آسیب برساند یا خیر؟

صحبت درباره این مسئله یک بحث فنی پیچیده است و در این فرصت اندک نمی‌توان درباره آن صحبت کرد در واقع این نوع شعرها طرفداران و مخالفانی دارد اما به قول پروین اعتصامی "در دست روزگار بود تازیانه‌ای... به نظرم زمان بهترین غربال برای گزینش اشعار خوب و بد است؛ این زمان است که اشعار ماندنی را نگه می‌دارد و اشعار ضعیف و بد را از یاد می‌برد در حال حاضر نیز با آنکه برخی از افراد بعضی از قالب‌ها را کارآمد نمی‌دانند، اما من با نظر اخوان ثالث موافقم که می‌گفت: "همه قالب‌ها می‌تواند باقی بماند البته به شرطی که شاعر آن قالب باشد و شعری بگوید که متفاوت و ناب باشد."

بنابراین اگر شاعر قالب خاصی در هر دوره‌ای باشد و شعر متفاوت و زیبا بسراید آن شعر ماندنی خواهد بود. بی‌گمان اشعاری که بدون ریشه و از باب تقلید سروده می‌شود تا شاید خلاء خاصی را پر کند از آنجایی که قریحه واقعی در این اشعار نمود ندارد، نمی‌تواند برای شعر و اهالی شعر نگران‌کننده باشد چرا که خود به خود در جریان گذر زمان، از یادها محو خواهد شد.

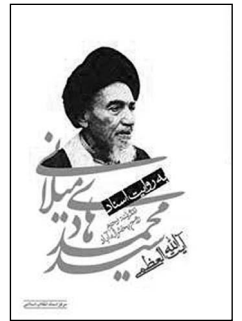
منبع: روزنامه خبر

خلاف است، به جای اینکه خودمان اقدام کنیم، آن را به مراجع قانونی گزارش بدهیم. موسس خانه روزنامه‌نگاران جوان با اشاره به افرادی که جلوتر از ولی فقیه حرکت می‌کنند، گفت: ما امام داریم که پشت سر او حرکت کنیم و جا پای او بگذاریم. اگر قرار باشد هر کسی با توجیه خودش، بگوید من راه را برای ولی فقیه باز می‌کنم و پیش‌مرگش می‌شوم، آن شخص می‌شود ولی فقیه و بقیه پشت سر او. ما بدون اینکه متوجه باشیم، به خیال محدودیت ضد انقلاب، داریم جبهه انقلاب را تضعیف می‌کنیم. یعنی اگر در مقابله با دشمن اصلی در جبهه جنگ نرم، به مسائل فرعی درگیر شویم، در واقع به دشمن کمک کردیم.

صبر کردی و سیلی نزدی، هنر کردی. اگر من امروز به بهانه جنگ نرم، التزام اخلاقی چهار تا بچه بسیجی را سست کردم، مسئول شرعی اعمال آن افراد منم. این ملاحظات سخت در فقه و اخلاقیات ماست که بنیان‌های ما را حفظ کرده است. اگر دقت کنید، می‌بینید که مقام معظم رهبری تعبیرشان درباره افراد خیلی دقیق است. ما هم باید خیلی دقت کنیم. وقتی فاسد، این فساد را به حوزه اجتماعی بکشاند و مشغول به افساد در حوزه عمومی شود، باید ساز و کار اجتماعی با او برخورد کند. نظام اجتماعی اسلام هم در این زمینه به کسی حق نمی‌دهد که برای هرج و مرج در جامعه، کسی برخورد شخصی انجام بدهد. مثلاً اگر وبلاگی در حال انجام عمل

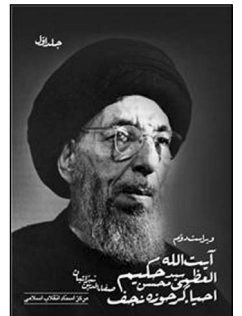
معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱- آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی به روایت اسناد:



آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی از جمله مراجع عظام تقلید بوده اند که ضمن حمایت و پشتیبانی صریح از حضرت امام و مبارزات وی، هدایت جریان نهضت را در خراسان و مناطق مختلف بر عهده داشت. حمایت های بی دریغ آیت الله میلانی از منویات امام و مبارزان مسلمان، وی را بعد از تبعید حضرت امام به کانون توجه مبارزان تبدیل کرد. بویژه آن که در لحظه های حساس نهضت چون اعدام انقلابی حسنعلی منصور و کودتای ناموفق سرلشکر قرنی نام آیت الله میلانی در میان افتاده بود.

۲-۳- احیاگر حوزه نجف (زندگی و زمانه آیت الله العظمی حکیم) ج ۱ و ۲:



آیت الله حکیم در زمره مراجع تاریخ و روحانیت است که حسب تکلیف به ساخت سیاست گام نهاد و حدود یک دهه عهده دار مرجعیت اعلای شیعه شد. ایشان علاوه بر این که دانای بزرگی در گستره فقه و اصول بود و تلاش فراوان در خروج حوزه از انزوا، حفظ استقلال آن و تقویت شأن و منزلت فقها و مجتهدان بیدار به عمل آورد، قبل از آن در هنگامه ای که خبر یورش قوای متجاوز بریتانیایی به بصره را دریافت کرد، همراه علمای مجاهد رهسپار جبهه نبرد شد و در محور عملیات شیعه موضع گرفت. مرجع عالیقدر در دوره حیات خود افزون بر حاکمیت عثمانی و سلطه انگلیس، زمامداری سه پادشاه و چهار سپهبد عهده دار سیاست جمهوری عراق را درک کرد. مواض ایشان در خصوص اشغال کانال سوئز، حرمت قتل با کردها، حمایت از جهاد و مقاومت فلسطین، دعوت به وحدت اسلامی، درخواست عفو سید قطب، تلاش برای رهایی زندانیان در بند بر کسی پوشیده نیست. سید حکیم راضی به پرداختن صرف به درس و مباحثه نبود و بی اعتنایی برخی علما نسبت به حل معضلات مردم و ناتوانی در ارائه راه حل به منظور گشایش گره های زندگی آنان را جایز نمی شمرد از این رو در تعامل با قشرهای مختلف از هیچ اقدامی دریغ نورزید.

۴- تقویم تاریخ دفاع مقدس (فتح بستان):



عملیات طریق القدس که در جبهه میانی استان خوزستان به اجرا درآمد و باعث آزادی بستان شد، دومین عملیات آفندی گسترده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات ثامن الائمه می باشد که دستاوردی بسیار ارزشمند داشت و سبب قطع خطوط مواصلاتی و تجزیه نیروهای دشمن در بخش شمالی و جنوبی خوزستان گردید. با اجرای این عملیات و دستیابی رزمندگان اسلامی به تنگ چزابه و مانع طبیعی هورالهویزه از سمت غرب و رودخانه نیشان از سمت جنوب و تکیه بر این موانع طبیعی، فرماندهان این امکان را یافتند که با صرفه جویی در قوا نیروهای زیادی را از این مناطق رها و به مناطق دیگر برای عملیات های بعدی اعزام نمایند.

۵- فدائیان اسلام در کلام یاران:



پس از نماز صبح آقا فرمودند که نخواهید با شما کاری دارم. من و آقای سید عبدالحسین واحدی و آقا محمد و آقا خلیل نشستیم که آقا چه فرمایشی دارند؟ رو کردند به آقای سید عبدالحسین واحدی فرمودند که آقای واحدی شهادت در نظر شما چگونه است؟ ایشان بلافاصله جواب دادند: احلی من العسل. از محمد آقا پرسیدند، ایشان هم یک جمله دیگری را گفتند. البته آخری را هم از من پرسیدند و یک چیزی جواب دادم. سپس فرمودند که من دیشب خوابی دیدم که این خواب می رساند ما به زودی شهید خواهیم شد.

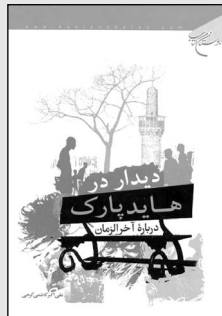
۶- شهرگان شهر، ج اول:



این اثر از مجموعه دانستنی های انقلاب برای جوانان می باشد که خاطرات شهدای استان های خراسان رضوی، شمالی، جنوبی را بیان می نماید.

معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب

دیدار در هایدپارک (درباره آخرالزمان)



نویسنده: علی اکبر کاظمی کرچی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۵۳۰۰ تومان

مبانی مشروعیت حکومت (نظریه ابوالحسن ماوردی)



نویسنده: دکتر غلامرضا ذاکر صالحی
شمارگان: ۱۲۰۰
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
بها: ۴۵۰۰ تومان

درآمدی بر اصول تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)



نویسنده: عبدالکریم بهجت پور
تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن
شمارگان: ۱۵۰۰
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
بها: ۳۷۰۰ تومان

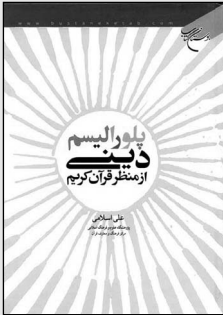
قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



نویسنده: دکتر حسین پوراحمدی
تهیه: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۲۰۰۰ تومان

پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم



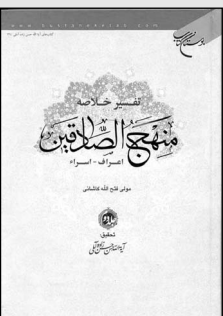
نویسنده: علی اسلامی
تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۸۳۰۰ تومان

تمایزات مشروطه خواهان مذهبی و غرب گرا (با تطبیق آن بر انقلاب اسلامی)



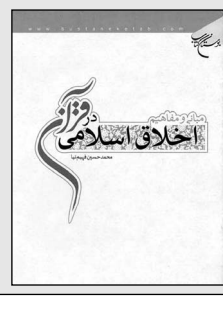
نویسنده: محمد صادق مزینانی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۱۰۰۰ تومان

تفسیر خلاصه منهج الصادقین / جلد دوم (اعراف - اسراء)



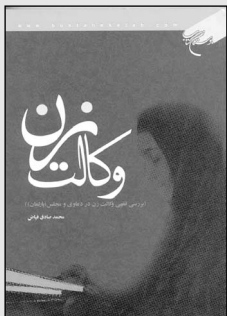
نویسنده: مولی فتح الله کاشانی
رحمه الله
تحقیق: آیت الله حسن حسن زاده آملی
نوبت چاپ: اول این ناشر / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۱۱۰۰۰ تومان

مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن



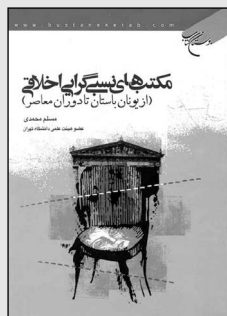
نویسنده: محمدحسین فہیم نیا
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۸۳۰۰ تومان

وکالت زن (بررسی فقهی وکالت زن در دعاوی و مجلس (پارلمان))



نویسنده: محمد صادق فیاض
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۰۰۰
بها: ۷۵۰۰ تومان

مکتب های نسبی گرایی اخلاقی از یونان باستان تا دوران معاصر



نویسنده: مسلم محمدی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۵۸۰۰ تومان

فلسفه افلاطون



نویسنده: غلامرضا رحمانی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۱۴۰۰۰ تومان

ماهیت حکومت نبوی



نویسنده: محمد صادق مزینانی
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۵۵۰۰ تومان

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای کنگره شهریار

شهریار شاعر اسلامی و انقلابی

صفا و بزرگواری آن مرد بود. به هر حال، شهریار یک شاعر اسلامی و انقلابی بود. من خبر داشتم در همان اوقاتی که شهریار برای انقلاب می سرود، یک عده از روشنفکران وابسته به رژیم گذشته که با او سابقه دوستی داشتند، مرتب فشار می آوردند، نامه برایش می نوشتند و شعر در هجوش می گفتند. حتی اطلاع داشتم که رفته بودند و او را ملامت کرده بودند که تو چرا برای انقلاب اسلامی، این طور دل می سوزانی؟! و او مثل کوه ایستاده بود. من حقیقتاً تعجب می کردم. من بعضی از کسانی را که به ایشان فشار می آوردند، از نزدیک می شناختم و شعر و سابقه ذهنی شان را می دانستم. بعضی از آنها وابسته به رژیم سابق بودند. مستقیماً مربوط به آن جناح بودند، و جزو دربار پهلوی و آن دستگاه محسوب می شدند. بعضی دیگر هم توده ای و کسانی بودند که جیره خور شوروی سابق به حساب می آمدند. همه اینها، با این که به لحاظ مبنا و منطق، به ظاهر بینشان فاصله ای وجود داشت، در وارد آوردن فشار روی شهریار شریک بودند، و شهریار، محکم و قرص ایستاده بود.

انقلاب، کسی از ما به یاد شهریار نبود. یعنی گرفتاریها آن قدر زیاد بود که مجالی برای این یادها پیش نمی آمد. یک وقت دیدیم صدای شهریار، در ستایش انقلاب، از تبریز بلند شد. دیدیم همه جزئیات انقلاب را او تعقیب می کند.

در همه مواقع حساس انقلاب، او نقش مؤثری ایفا کرد. یک جنگ هشت ساله بر ما تحمیل شد که یکی از سخت ترین تجربه های ما بعد از انقلاب بود. تعداد شعرهایی که شهریار برای جنگ گفته؛ حضوری که او در مراکز مربوط به جنگ، مثل کنگره های مربوط به جنگ و شعر جنگ پیدا کرده و مدحی که او از بسیج عمومی مردم یا از سپاه یا ارتش کرده، به قدری زیاد است که اگر انسان نمی دید و نمی شنید و خودش لمس نمی کرد، به دشواری می توانست آن را باور کند. مردی در حدود هشتاد سال سن - بلکه بیش از هشتاد سال - در مجامع شعری حضور پیدا کند و برای هر مراسمی، شعر یا شعرهایی بگوید! این در حالی بود که از مثل او، چنین توقعی هم نبود. این، نشان دهنده نهایت اخلاص و

ذوق و دیگر خصایصی که مربوط به شعر است، همه در "حیدر بابایه سلام" جمع شده است. لکن علاوه بر اینها، ویژگی دیگری هم در "حیدر بابایه سلام" هست و آن این است که در این شعر که تصویری از سابقه ذهنی خود شاعر است، مطالب بسیار حکمت آمیز وجود دارد. با این حساب، می توان شهریار را یک حکیم به حساب آورد. پایه شعر "حیدر بابایه سلام" به نظر ما خیلی بالاست. فکر می کنیم که آمیزه بسیار هنرمندانه ای است از شعر و حکمت و زبان زیبا و قدرت فوق العاده تصویر. شهریار این منظومه را در هنگامی گفته که بسیار جوان بوده است. ایشان خودش در آن نسخه ای که برای من فرستاده، بالای صفحه اول نوشته است: گمان می کنم این را در سال ۱۳۲۴ شمسی سرودم. و در این سال، شهریار بسیار جوان بوده است.

مثل کوه در دفاع از انقلاب

وقتی انقلاب پیروز شد، او با همان روحیه دینی و ذهنیت صاف و روشن خودش، از انقلاب استقبال بسیار خوبی کرد. شاید در آن یکی دو سال اول



شهریار امسال بیست و دومین سالروز درگذشت شاعر شهر معاصر، استاد سید محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار) و روز شعر بود. به همین مناسبت، پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله خامنه ای، متن کامل سخنان معظم له را که در سال ۷۱ و دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت این استاد فقید بیان شد، منتشر کرده است. آنچه می خوانید گزیده ای از سخنان ایشان است.

شاعر حکیم

می شود گفت: شهریار یکی از بزرگترین شاعران همه دورانهای تاریخ ایران است. و آن به لحاظ "حیدر بابایه سلام" است. "حیدر بابایه سلام" یک شعر استثنایی است. همه خصوصیات شعری مثبت شهریار در این شعر هست. یعنی روانی، صفا،

هشدار آیت الله مکارم شیرازی:

خرافات، دین و مذهب را تهدید می کند

ایشان در ادامه سخنان خود امر به معروف و نهی از منکر را از دیگر سفارشات امام علی (ع) دانستند و گفتند: علی رغم تأکید ائمه معصومین علیهم السلام و وجود اصل ۸ قانون اساسی مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر، امروز که ۳۰ سال از انقلاب می گذرد این اصل اجرا نشده است؛ این در حالی است که ما برای این انقلاب شهدای فراوانی تقدیم کرده ایم، ولی متأسفانه در پی سهل انگاری در اجرای این قانون، مفاسد در کشور گسترش یافته است و سؤال این است که چرا این اصل اجرا نمی شود؟

حسین (ع) که مایه عظمت اسلام، پیروزی و شکوه مذهب است، باید سنگین تر، عالی تر و انسانی تر انجام شود، زیرا وقتی آمیخته با خرافات شد، اصلاً عزاداری را انکار خواهند کرد. این مرجع تقلید، راه مبارزه با خرافات را عمل به فرامین قرآن، پیامبر اسلام (ص) و ائمه علیهم السلام دانستند و گفتند: معیار تشخیص خرافه از غیر خرافه این است که باید بدانیم هر کار غیر عقلانی و منطقی که نه وحی آسمانی آن را دستور داده و نه عقل سالم آن را اجازه می دهد، خرافه است.

معظم له با اشاره به این که اگر ما در روز عاشورا در کربلا نبودیم تا جان خویش را فدای اسلام کنیم، اما امروز می توانیم به نوع دیگری جهاد کنیم که نمونه آن جهاد مالی است، تصریح کردند: امروز مناطقی از کشور، مخصوصاً مناطق مرزی از فقر رنج می برند و در برخی روستاها حتی امکانات اولیه بهداشتی نیست و مردم در رودخانه ها استحمام می کنند و در برخی روستاها بالغ بر ۲۵ سال است که حتی یک روحانی هم نرفته است! با جهاد مالی می شود به این معضلات رسیدگی کرد. این مرجع تقلید ادامه دادند: با وجود این شرایط ما امروز شاهد هستیم که برخی بودجه های گزاف برای بازیگران سینما یا بازیکنان ورزش هزینه می شود و چه جایزه های کلانی که به آن ها داده نمی شود و یا در قالب بودجه های دولتی چه هزینه های گزافی برای عده ای افراد معلوم الحال با عنوان ایرانیان مقیم خارج از کشور خرج نمی گردد؟! این در حالی است که در گوشه و کنار این مملکت، فقر بر مردم چیره شده است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی یادآور شدند: از طرفی در این مناطق، اهل تسنن چه سرمایه گذاری ای که برای عقاید خود نکرده اند؛ آن وقت در بخش هایی از مملکت ما که مملکت علی (ع) است، مردمش در فقر بوده و چیزی ندارند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی گفتند: اجازه ندهید مسایل اسلامی با خرافه آمیخته شود، زیرا در این صورت اسلام زیر سؤال می رود و اصالت مذهب از بین خواهد رفت. به گزارش مرکز خبر حوزه، این مرجع تقلید با اشاره به خرافه پرستی در طول تاریخ، افزودند: مهم ترین خرافه در طول تاریخ، بت پرستی بود و گروهی نیز به پرستش درختان، فلزات گران قیمت، ملائکه، جن، حیوانات زنده و انسان روی آورده بودند که اخیراً شیطان پرستی هم به آن ها افزوده شده است. شیطان پرستان در واقع هواپرست و شهوت پرست اند و می خواهند آزاد باشند و هر کثافت کاری که می خواهند به نام آزادی انجام دهند. معظم له یادآور شدند: اروپا و آمریکا معتقد به خرافه ای عجیب و نوظهور به نام "هولوکاست" شده اند که می گویند هیتلر ۶ میلیون یهودی را کشت و همه مجبورند آن را بپذیرند و اگر کسی نپذیرد باید زندان برود!

این مرجع تقلید اظهار داشتند: هولوکاست یک مسئله تاریخی دروغ است که یهودیان برای مظلوم نمایی خود ساخته اند و می گویند محققان و پژوهشگران حق ندارند درباره آن تحقیق کنند!

استاد عالی قدر حوزه با انتقاد از خرافات برنامه های مذهبی خاطرنشان کردند: اجازه ندهید مسایل اسلامی با خرافات آمیخته شود، زیرا این امر به مذهب ضربه خواهد زد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی بیان داشتند: عده ای در مراسم عزاداری سر خود را محکم به دیواری کوبیده یا فرزند خود را لخت روی شیشه غربال شده می اندازند! امام حسین (ع) چه موقع راضی است شما مغز خود را به دیوار بکوبید! و کجا امام محمدباقر و امام جعفر صادق علیهما السلام اجازه چنین عزاداری ای را داده اند؟! معظم له ادامه دادند: عزاداری امام

آیت الله مقتدایی:

صدا و سیما انتظارات حوزه را پاسخ نداده است

مدیر حوزه های علمیه گفت: همان گونه که فیلمی با مضامین نظامی و انتظامی مورد تأیید ارگان های مربوطه قرار می گیرد و تا بر آن صحنه نگذارند پخش نمی شود، حوزه نیز باید فیلم های مربوط به روحانیون را نظارت و کنترل کند. آیت الله مقتدایی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده صدا و سیما قم با انتقاد از حضور برخی بازیگران در کسوت روحانیت اظهار داشت: از صدا و سیما انتظار داریم وقتی فیلم هایی که روحانیت در آن نقش دارد را تولید می کند حوزه را در جریان قرار دهد. آیت الله مقتدایی با گلایه از صدا و سیما در خصوص عدم توجه به حساسیت فیلم های مربوط به روحانیت گفت: تاکنون برای این منظور دو نامه رسمی از سوی شورای عالی حوزه های علمیه به مدیران سازمان صدا و سیما ارسال شده، اما باز عملی نشده و ما انتظار داریم ترتیب اثر دهند، چون حرکات و بیانات یک روحانی در فیلمی که نقش داشته و بازی کرده، در انتظار عمومی بسیار تأثیر گذار است. وی افزود: اگر یک روحانی در فیلمی بازی کرده، یا نقشی داشته، باید قبل از پخش، حوزه آن را ببیند تا چنانچه اشکالی داشت، مرتفع شود؛ چون برخی اشکالات در این فیلم ها وجود دارد که غیر از روحانیون فرد دیگری نمی تواند تشخیص دهد. مدیر حوزه های علمیه گفت: روحانیونی که در صدا و سیما و فیلم های مختلف حضور دارند و نقش بازی می کنند در نگاه مردم نماینده حوزه علمیه، مراجع عظام و امام زمان (عج) هستند بنابراین باید بر این فیلم ها نظارت شود. آیت الله مقتدایی در پایان خاطرنشان کرد: اگر رفتار آنها مطابق روش سنتی حوزه نباشد و یا در مواردی نقش آفرینی کنند که از حوزه و حوزویان انتظار نمی رود؛ قطعاً به ضرر حوزه و روحانیت است و تحقیر روحانیت را به همراه دارد و به صلاح نظام و صدا و سیما نیست.

دکتر علی لاریجانی:

حرکت تخریبی علیه روحانیت آغاز شده است

رئیس مجلس شورای اسلامی در اجلاس ائمه جمعه کشور طی سخنانی با اشاره به مسائل و مقولات فرهنگی کشور گفت: روحانیت در این زمینه نقش مهمی دارد البته من می بینم که یک تخریبی را نیز درباره روحانیت آغاز کرده اند و بدنیاال نوعی بدلسازی برای این موضوع هستند، البته این نوع از فرقه گرایی ها بی ریشه بوده و موضوعی جدی برای کشور به شمار نمی رود. لاریجانی خطاب به ائمه جمعه تأکید کرد: در شرایط فعلی شما پناه ملت هستید و مسئولان هم باید به سخنان شما گوش دهند زیرا شما منادی حرف مردم بوده و در واقع در پی آبادانی کشور هستید. وی در بخش دیگری از سخنان خود به پروژه ای اشاره کرد که میان مراجع عظام و ولایت فقیه در صدد مرزبندی هستند، گفت: اینها هنوز شناخت درستی از روحانیت نداشته و متوجه نیستند که ولایت فقیه میوه درخت مرجعیت است. رئیس مجلس شورای اسلامی مرجعیت و ولایت را دو مقوله جدای از هم ندانست و گفت: این مرزبندی بی ریشه است و امیدواریم کسانی که به این بحث دامن می زنند بدنیاال سکولاریسم نباشند ولی باید توجه داشت که این سخن در خارج ساخته شده و برخی در داخل به آن می پردازند. لاریجانی با بیان اینکه برخی تخم ریزی های انحرافی در کشور دیده می شود، افزود: ضمن اینکه برخی از آنها را کوچک می بینم ولی نباید به سادگی نیز از کنار آن گذشت زیرا این تخم های بی ریشه ممکن است با دسایس سیاسی پا گرفته و موجب انحراف در جامعه شود.

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی

www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی

www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:

www.mosleheshehargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت

www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول:

سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفاییه) نبش ممتاز

تلفنکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com